



بخش هایی از کتاب انتظار عامیانه، انتظار عامیانه، انتظار عارفانه



انتظار عامیانه  
انتظار عالمانه  
انتظار عارفانه



بخش هایی از کتاب انتظار عامیانه، انتظار عامیانه، انتظار عارفانه

پناهیان، علیرضا، ۱۳۴۴-  
انتظار عامیانه، انتظار عالمانه، انتظار عارفانه / علیرضا پناهیان.  
مشخصات نشر: تهران: بیان معنوی، ۱۳۹۱، ۴۲۴ ص:؛ ۱۳×۱۸ س.م.  
۱۰۵۰۰ ریال

Entedzar; Differnet Views / Alireza Panahian  
ISBN:978-600-91879-3-5

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۸۷۹-۳-۵  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: نمایه  
موضوع: مهدویت - انتظار  
موضوع: حجت بن الحسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق... غیبت  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ الف ۸۴/پ ۴/۲۳۴ BP  
رده بندی دیوبی: ۲۹۷/۴۶۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۵۹۲۴۵

### انتظار عامیانه، انتظار عالمانه، انتظار عارفانه

عنوان: انتظار عامیانه، انتظار عالمانه، انتظار عارفانه پدیدآورنده: علیرضا پناهیان

تحقیق، تنظیم، نمایه‌گذاری، آماده‌سازی و ویرایش: مؤسسه عصر بیان معنوی

ناشر: بیان معنوی نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۱ شمارگان: ۵۰۰۰ عدد

بها: ۱۰۵۰۰ تومان

فروش محصولات بیان معنوی: تهران، میدان انقلاب، ضلع شمال شرقی، پاساژ نبوت،  
طبقه بالای همکف، پ ۳۴، تلفن: ۰۲۱۶۶۴۹۱۲۰۲ ، ۰۹۱۲۶۳۵۷۶۷۲

انعکاس نظرات به مؤسسه عصر بیان معنوی:

وبگاه: bayanmanavi.ir پست الکترونیکی: bayan.manavi@gmail.com

سامانه پیامک: ۱۰۰۱۳۱۳ صندوق پستی: ۱۱۸۵-۳۷۱۳۵



تمام حقوق برای مؤسسه عصر بیان معنوی محفوظ است.

## فهرست مطالب

۷	یادداشت ناشر.....
<b>۹</b>	<b>انتظار عامیانه.....</b>
۱۱	نگاه عامیانه.....
۱۵	نگاه عامیانه به منجی.....
۵۴	بدون نگاه عامیانه.....
۵۸	آثار سوء نگاه عامیانه.....
۷۱	علاقه عامیانه.....
۸۳	علاقه عاشقانه.....
<b>۹۵</b>	<b>انتظار عالمانه.....</b>
۹۷	مقدمه ۱: درک احساس انتظار.....
۱۰۳	مقدمه ۲: انواع انتظار.....
۱۰۵	کشف عناصر انتظار.....
۱۰۶	۱. اعتراض به وضع موجود.....
۱۳۶	۲. آگاهی از وضع مطلوب.....
۱۵۱	۳. اعتقاد و امید به تحقق وضع مطلوب.....
۲۰۵	۴. اشتیاق به وضع مطلوب.....
۲۳۵	۵. اقدام برای تحقق وضع مطلوب.....
<b>۲۸۵</b>	<b>انتظار عارفانه.....</b>
۲۸۷	نگاه عارفانه.....
۲۹۰	انتظار وصال.....
۳۰۵	نسبت انتظار فرج و انتظار وصال.....
۳۱۱	انتظار عرفانی، موجب فرج شخصی.....

۶ ○ انتظار عامیانه، انتظار عالمانه، انتظار عارفانه

۳۱۶	جمع بندی .....
۳۱۷	از انتظار وصال خدا تا تمنای وصال امام(ع) .....
<b>۳۳۳</b>	<b>جوانی و انتظار .....</b>
۳۳۷	آینده گرایی جوان .....
۳۳۹	آرمان گرایی جوان .....
۳۴۱	جامعه گرایی جوان .....
۳۴۲	عدالت گرایی جوان .....
۳۴۴	جوان و عناصر پنج گانه انتظار .....
<b>۳۵۳</b>	<b>فهرست ها .....</b>
۳۵۵	فهرست آیات .....
۳۵۸	فهرست روایات .....
۳۷۳	فهرست ادعیه .....
۳۷۵	فهرست بیانات امام خمینی .....
۳۷۹	فهرست بیانات امام خامنه ای .....
۳۸۳	فهرست بیانات آیت الله بهجت .....
۳۸۶	فهرست منابع .....
۴۰۳	فهرست تفصیلی .....

## یادداشت ناشر

«ما امروز برای انتظار باید باب بخصوصی در زندگی خود باز کنیم. حقیقتاً ملت ما باید روح انتظار را به تمام معنا در خود زنده کند.»  
(رهبر معظم انقلاب؛ ۱۱/۱۲/۱۳۶۹)

مباحث مختلف پیرامون مهدویت و انتظار که از اوایل دهه ۷۰ توسط حجت الاسلام و المسلمین علیرضا پناهیان، به طور همزمان در مهدیه تهران و در دانشگاه‌ها مطرح شد، مورد استقبال فراوان جوانان و دانشجویان قرار گرفت و نقش مؤثری در توجه به امام زمان(ع)، جامعه مهدوی و مسئله انتظار ایفا کرد. در تابستان ۱۳۸۵ بخشی قابل توجهی از مباحث مربوط به انتظار به صورت منسجم‌تر در یک دوره آموزشی فشرده چند روزه در همایش دانشجویی مهدویت در مشهد مقدس ارائه شد. اکنون انتشارات بیان معنوی خرسند است که اولین کتاب به قلم حجت‌الاسلام و المسلمین علیرضا پناهیان در زمینه انتظار را روانه بازار نشر می‌کند.

گرچه کتاب‌های ارزشمند و فراوانی در باب مهدویت و انتظار نگاشته شده است، اما تجزیه و تحلیل سازنده‌ترین مفهوم در زمینه مهدویت، که همان «انتظار فرج» است، کمتر مورد گفتگوی

عالمانه قرار گرفته است. نویسنده در این کتاب با توجه توأمان به مفهوم انتظار در شبکه معارف دینی و مباحث انسان‌شناسانه، مباحثی استدلالی و کاربردی بر پایه معارف اهلبیت (ع) ارائه داده است. در عصری که توجه به مفهوم کلیدی انتظار بیش از هر زمانی فراگیر شده و علاقمندی قشر دانشجو برای گفتگوی عالمانه از معارف مهدوی مشهود است، کتاب حاضر که بخش مهمی از مفاهیم و معارف عمیق انتظار به زبانی شیوا و در عین حال تحلیلی بیان کرده است، می‌تواند به عنوان یک متن درسی برای دانشگاه‌ها مورد استفاده قرار گیرد. مباحث مطرح شده در این کتاب می‌تواند سرفصلی برای تفکر پیرامون موضوعات مهدویت قرار گرفته و در انتخاب عناوین پایان نامه‌های دانشجویی استفاده گردد. طرح مباحث مربوط به مهدویت را نباید تنها به عنوان پاسخ به یک نیاز فراگیر دانست، بلکه طرح عالمانه و تحلیلی این مباحث می‌تواند کمک شایانی در رفع مشکلات و پیشرفت کشور در زمینه علوم انسانی ایفا نماید.

موسسه بیان معنوی ضمن اعلام آمادگی جهت دریافت دیدگاه‌ها و پرسش‌های مختلف پیرامون کتاب حاضر - از طریق پست الکترونیک یا سامانه پیامکی - شما را به مطالعه این کتاب ارزشمند دعوت می‌کند.





# انتظار عامیانه

نگاه عامیانه

نگاه عامیانه به منجی

بدون نگاه عامیانه

آثار سوء نگاه عامیانه

علاقه عامیانه

علاقه عاشقانه



بخش هایی از کتاب انتظار عامیانه، انتظار عامیانه، انتظار عارفانه

bayamanavi.ir

## نگاه عامیانه

نگاه عامیانه یعنی نگاهی سطحی به مفاهیم و مسائل عمیق داشتن، و به اندک آگاهی درباره هر چیزی اکتفا کردن. نگاه عامیانه یعنی پردازش اطلاعات اندک، و افزایش غیر واقعی و خیال‌پردازانه آنها. نگاه عامیانه یعنی از چرایی‌ها و چگونگی‌ها نپرسیدن، و ریشه‌ها و نتیجه‌ها را ندانستن. نگاه عامیانه یعنی از افواه مردم درس گرفتن و به افکار عمومی اتکا کردن. نگاه عامیانه یعنی نشستن گمانه‌زنی جای تدبیر و اندیشه؛ و باب شدن استنباط بی‌استدلال. به عبارت دیگر، هر یک از این ویژگی‌ها به تنهایی می‌توانند مقدمه و یا نتیجه یک نگاه عامیانه باشند.

تلقی‌های عامیانه، ممکن است درباره هر چیزی پدید بیاید. هم‌اکنون نیز بسیاری از موضوعات و مسائل علمی در رشته‌های مختلف، در افکار مردم گرفتار تلقی‌های عامیانه‌اند. در این میان، موضوعات معنوی که از پیچیدگی و پنهانی‌های خاصی برخوردارند، بیش از هر موضوعی در معرض برداشت‌های عامیانه قرار دارند.

نگاه عامیانه  
اختصاص به عوام  
ندارد

نگاه عامیانه که در همه جوامع و فرهنگ‌ها جریان دارد، به عوام اختصاص ندارد. گاهی از اوقات

تحصیل کرده‌ها و خواص جامعه نیز دچار عوام‌زدگی می‌شوند؛ خصوصاً وقتی در موضوعاتی وارد می‌شوند که اطلاعات و تحصیلات علمی آنها با موضوع مورد نظر تناسبی نداشته باشد. در حالی که اندیشمندان و تحصیل کرده‌ها علی‌القاعده باید از عوام‌زدگی مصون باشند. به همین دلیل وقتی یک اهل علم دچار عوام‌زدگی می‌شود گروه بیشتری از مردم را به دنبال خود می‌کشاند؛ و بیش از عوام می‌تواند نگاه عامیانه را ترویج دهد.

ترویج یک نگاه عامیانه، می‌تواند عوامل متعددی داشته باشد. یکی از عوامل طبیعی آن قابل پذیرش تر بودن نگاه سطحی نسبت به یک نگاه ژرف و عمیق است که از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است؛ و درک آن برای عوام دشوار می‌شود.

یکی دیگر از عوامل ترویج نگاه سطحی و غلط آن است که معمولاً چنین دیدگاه‌هایی با اهواء نفسانی بیشتر تطبیق دارند؛ و هوای نفس، به صورت پنهان یا پیدا اندیشه انسان را به همراهی و حتی دفاع از سخن غلط و ادا می‌کند.

البته همیشه کسانی هم پیدا می‌شوند که از شیوع برخی از نگاه‌های عامیانه در میان مردم سود می‌برند و

عوامل ترویج نگاه عامیانه: ۱. پیچیدگی نگاه عمیق

۲. تمایل هوای نفس به نگاه سطحی

۳. دامن زدن توسط سودجویان

طبیعتاً به آن دامن می‌زنند؛ چرا که بهترین راه به بردگی کشیدن انسان‌ها تخریب آگاهی‌های آنها و انحراف آدم‌ها از حقایق است؛ که این هدف بیشتر در تحریف حقایق از طریق رواج یک نگاه عامیانه رخ می‌دهد. زیرا بهترین راه غفلت از حقایق مهم عالم، که از توجه به آنها اجتنابی نیست، غرق شدن در نگاه عامیانه و در نتیجه نگرش باطل داشتن به حقایق است.

اگرچه در میان همین نگاه‌های عامیانه، آگاهی‌های درست بسیاری نیز وجود دارد که هر کدام به گوشه‌ای از حقایق اشاره می‌کند، اما مشکل اینجاست که اگر انسان گوشه‌هایی از حرف‌های درست را بگیرد، ولی تحلیل دقیق و تصور کاملی از کلیت آنها نداشته باشد، در معرض برداشت غلط و عوام‌زدگی قرار خواهد گرفت.

آثار سوء نگاه عامیانه

این عوام‌زدگی آثار سوئی به همراه دارد. یکی از آثار سوء آن، فراهم شدن زمینه تحریف و انحراف است. یکی دیگر از آثار سوء آن این است که حتی اگر این عوام‌زدگی موجب تحریف و انحراف هم نشود، لااقل موجب بیزار شدن کسانی خواهد شد که با دقت و موشکافی برخورد کرده و ضعف‌های نگاه عامیانه را به سرعت درمی‌یابند. علاوه بر آن، نجات‌بخش نبودن و بی‌ثمر شدن اندیشه‌های

بخش هایی از کتاب انتظار عامیانه، انتظار عالمانه، انتظار عارفانه

۱۴ ○ انتظار عامیانه، انتظار عالمانه، انتظار عارفانه

حیات‌بخش، در اثر پدید آمدن و گسترش یک تلقی  
عامیانه، ضرری غیر قابل اغماض است.

## نگاه عامیانه به منجی

آسیب نگاه عامیانه  
به منجی

خطر و آسیب نگاه عامیانه آن گاه که به موضوع بسیار کلیدی و حیات بخشی همچون «منجی» سرایت کند، دو چندان می شود و آسیب های بیشتری را به همراه خواهد داشت. این در حالی است که نگاه عامیانه به موضوع «منجی» به دلیل ابهامات و نادانسته های فراوانی که در مورد آن وجود دارد، جزء رایج ترین مسائل همه ملت های معتقد به ظهور منجی به حساب می آید.<sup>۱</sup> اگرچه این نگاه عامیانه، در میان پیروان دیگر ادیان و مذاهب بیشتر است، ولی

---

۱. اصل اعتقاد به ظهور یک موعود و منجی جهانی، اختصاص به شیعیان و یا حتی مسلمانان ندارد، بلکه این اعتقاد تقریباً در تمام ادیان وجود دارد. امام خامنه ای در این باره می فرماید: «روز نیمه ی شعبان روز امید است. این امید، مخصوص مجموعه ی شیعیان یا حتی مخصوص امت مسلمان هم نیست. اصل امید به یک آینده ی روشن برای بشریت و ظهور یک موعود، یک منجی، یک دست عدالت گستر در سرتاسر جهان، تقریباً مورد اتفاق همه ی ادیانی است که در عالم سراغ داریم. غیر از حالا دین اسلام و مسیحیت و یهودیت، حتی ادیان هند، بودائی و ادیانی که نامی از آن ها هم در ذهن اکثر مردم دنیا نیست، در تعلیمات خود یک چنین آینده ای را بشارت داده اند.» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان؛ ۲۷ / ۰۵ / ۱۳۸۷)

رواج اندک آن هم در میان مردم ما زیاد است؛ و نه تنها قابل تحمل نیست بلکه می‌تواند به موضوع انتظار و مهدویت لطمه‌های جدی وارد نماید.

نگاه عامیانه به منجی، در همهٔ ادیان عالم وجود دارد؛ تصور کسی که سوار بر مرکب خواهد آمد و دنیا را تنها با «اعجاز» دستانش متحول می‌کند و لابد بی‌نیاز به همراهی مردم و هوشیاری آنها، زمین و زمان را زیر و رو کرده و بی‌اعتنا به سنت‌های الهی و همهٔ آنچه در طبیعت حیات بشر است، سعادت را برای انسان به ارمغان می‌آورد.

همچنین این یک نگاه عامیانه است که «ما منتظر منجی باشیم، اما مقدماتی را برای آن لازم ندانیم». این یک نگاه عامیانه است که «درکی از ساز و کار نجات‌بخش منجی نداشته باشیم». این یک نگاه عامیانه است که «چگونگی تداوم حاکمیت منجی و رموز بقای آن را ندانیم». و موارد دیگری که ندانستن هر یک از آنها ما را به نگاه عامیانه نزدیک می‌کند. کمترین زیان این نگاه این است که تکلیف ما را برای یاری او و مقدمه‌سازی برای قیام او معلوم نمی‌کند.

اگرچه اقبال عمومی به منجی و علاقهٔ نوع انسان‌ها به این موضوع شریف، بستر مناسبی برای درک عمیق‌تر آن به

نمونه‌هایی از نگاه عامیانه به منجی

نگاه عامیانه موجب تأخیر فرج



حساب می آید و باید از آن به عنوان مقدمه‌ای برای بسط فهم عمیق استفاده کرد، ولی وقتی به مجموعه منتظران نگاه می‌کنید، می‌بینید کم نیستند کسانی که درایت لازم را نسبت به منجی ندارند. همین مسأله موجب اشتباهات فراوانی در عملکرد امروزی آنها به عنوان منتظر هم می‌شود. طبیعتاً این اشتباهات، نه تنها فرج را جلو نمی‌اندازد و انتظار را ثمربخش نمی‌سازد، بلکه چه بسا موجب عقب افتادن فرج هم بشود.

انسان دردمند و رنج‌کشیده‌ای که همه راه‌های نجات را بسته می‌بیند و توانایی حل مشکلات خود را ندارد، چاره‌ای ندارد جز آن‌که دل به روزنه‌هایی ببندد که بتوانند او را به منجی امیدوار کنند و مانند غریقی به هر احتمالی برای نجات چنگ بزنند. طبیعی است در چنین فضایی، بازار سطحی‌نگری‌ها و گمانه‌زنی‌های عوامانه هم گرم می‌شود.

در حالی که برای تحکیم امید به فرج و حتی برای نزدیک کردن آن و نجات یافتن در آن، باید ابتدا از همین عوام‌زدگی نجات پیدا کرد؛ و این مقدمه تغییر وضعیت و نجات است. چرا که اراده خداوند متعال به آن تعلق گرفته است که انسان‌ها با اقدام آگاهانه خود، مقدمه‌ساز تغییر اوضاع عالم بشوند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا

نجات از عوام‌زدگی،  
مقدمه نجات از  
وضعیت موجود

بِأَنْفُسِهِمْ؛ خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملّتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند! <sup>۱</sup>

### الف) قیامی خارج از سنن الهی

بخشی از نگاه عامیانه به ظهور منجی به این تلقی مربوط می‌شود که عملیات نجات را خارج از سنت‌های تغییرناپذیر الهی بدانیم؛ سنت‌هایی که تاریخ حیات بشر بر آن مبتنی بوده است و هیچ‌گاه دچار کمترین تغییر یا تبدیلی نشده است: «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا؛ هرگز برای سنّت خدا تبدیل نخواهی یافت، و هرگز برای سنّت الهی تغییری نمی‌یابی!» <sup>۲</sup> در یک نگاه عوامانه وقتی گفته می‌شود: «ان شاء الله آقا امام زمان (ع) می‌آیند و اوضاع را درست خواهند کرد»، طوری این عبارت در ذهن‌ها معنا می‌شود که گویی این اصلاح اوضاع عالم، خارج از قواعدی است که تاکنون بر تمامی رخدادها حاکم بوده است. مانند این قاعده طلایی که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ

قیام منجی، خارج از  
«سُنَّتِ هَآءِی»  
تغییرناپذیر الهی»  
نیست

۱. سوره رعد، آیه ۱۱.

۲. سوره فاطر، آیه ۴۳.

لا يُعَيِّرُ مَا بَقِيَ حَتَّى يُعَيِّرُوا مَا بَأْنَفُسِهِمْ؛ خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند.<sup>۱</sup>

اگر منجی، خارج از این گونه قواعد، عملیات نجات را به انجام برساند، نقش آگاهی و اراده انسان ها در سعادتشان در نظر گرفته نشده است؛ و ارزش سنت های الهی و اساساً ارزش حیات بشر و این همه امتحانات و شکست ها و پیروزی ها زیر سؤال خواهد رفت.

### شانه خالی کردن از زیر بار مسؤولیت، نتیجه این تلقی عوامانه

نتیجه این تلقی آن خواهد بود که نه مسؤولیتی در ایجاد مقدمات فرج به عهده ما قرار می گیرد و نه مسؤولیتی پس از آن بر دوش ما خواهد بود. چون بناست کسی بیاید و ما را نجات دهد که همه مسؤولیت ها و فعالیت ها به عهده اوست. دیگر ما نیاز به تلاش و تکاپویی قبل و بعد از آن نخواهیم داشت. با این تلقی، شاید این تصور باطل شکل بگیرد که یاران حضرت هم خارج از حیات طبیعی ما زیست می کنند و از ما بهترانی هستند که با برخورداری از

تمام مسؤولیت به  
عهده حضرت و  
۳۱۳ یار او!

---

۱. سوره رعد، آیه ۱۱.

قدرت‌های خارق‌العاده، مانند فرشته‌های الهی، آماده‌اند تا به خدمت آن حضرت درآیند و با قدرت خارق‌العاده خود زمین را پر از عدل و داد نمایند.

در نتیجه حضرت با ۳۱۳ نفر، به جای همه مردم عالم احساس مسئولیت می‌کنند، عالم به امور هستند، دین‌داری می‌کنند، و احياناً بقیه مردم را هم به شکل اجباری و یا غیر اختیاری به سوی خدا راهی می‌کنند. چون اگر به اختیار مردم باشد، که می‌بینیم در طول حیات بشر، این اختیار اکثراً منجر به ظلم‌های فراوان و دوری آنها از خدا شده است. پس لابد باید خارج از اراده انسان‌ها و بدون نیاز به احساس مسئولیت آنها و تکیه بر این احساس مسئولیت، کسی بیاید و عالم را آباد نماید. در این نگاه، انگار آدم‌ها بدون اختیار و لیاقت هم می‌توانند سعادت‌مند شوند و کمال یابند. گویی با یک اَبَرفرمانده خیلی خوب و تعدادی یار وفادار، می‌توان جبراً همه انسان‌ها را سعادت‌مند کرد.

می‌توان به این نگاه عامیانه صورت معنوی هم داد و آن اینکه تصور کنیم قدرت معنوی حضرت همه را گوش به فرمان خداوند خواهد کرد، و یا ایشان با نیروی غیبی همه مشکلات را حل می‌فرمایند. اگرچه این سخن خالی از حکمت نیست و اثر معنوی حضور حضرت در جهان

انگار انسان‌ها بدون اختیار و لیاقت هم می‌توانند سعادت‌مند شوند!

صورت معنوی این نگاه عامیانه

هستی و در تمامی جان‌ها بسیار بالاست، ولی باز معنی این سخن در بستر یک نگاه عامیانه چه خواهد بود؟

معنایش این می‌شود که حضرت با یک نگاه و اراده معنوی موجب می‌شوند که ناگهان همه آدم‌ها احساس خوبی پیدا کنند و مثلاً بی‌مقدمه به هم بگویند: «چه احساس خوبی برای نماز خواندن دارم.» آن یکی بگوید: «من چه علاقه عجیب و ناخواسته‌ای به قرآن خواندن پیدا کرده‌ام.» و چقدر فضای رؤیایی و قشنگی به وجود می‌آید! البته نگاه معنوی حضرت معجزه خواهد کرد و قطعاً

ظهور ایشان آثار پربرکتی را برای انسان‌های مستعد به دنبال خواهد داشت، اما قواعد «رشد و کمال»، و نقش «عزم و لیاقت» انسان چه خواهد شد؟ اگر قرار باشد امام زمان(ع) تنها از قدرت معنوی بهره ببرند، خُب این کار که از دست پیامبر گرامی اسلام(ص) و علی‌ابن‌ابی‌طالب(ع) بهتر برمی‌آمد. اما خداوند متعال به پیامبرش می‌فرمود: «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ؛ تو هر کسی را که دلت بخواهد، نمی‌توانی

خوب شدن آدم‌ها  
فقط با نگاه و اراده  
معنوی حضرت!

جایگاه قدرت  
معنوی امام زمان(ع)/  
جایگاه «لیاقت» در  
قواعد رشد

هدایت کنی.»<sup>۱</sup> آن وقت چگونه می شود که آقا امام زمان(ع) با اراده خود همه را بدون دخالت اراده آنها هدایت کند؟! آیا حضرت مسئولیت به بهشت بردن ما را به عهده می گیرند، در حالی که پیامبر اکرم(ص) این مسئولیت را نداشت؟ چگونه است که خداوند متعال در قرآن کریم به پیامبرش می فرماید: «تو فقط انذاردهنده هستی»<sup>۲</sup> و یا «وظیفه تو فقط ابلاغ است و کاری جز ابلاغ نداری»<sup>۳</sup>، آن وقت یک دفعه مسئولیت های امام زمان(ع) و شیوه اعمال آن مسئولیت ها توسط ایشان فرق خواهد کرد؟!

---

۱. سوره قصص، آیه ۵۶.

۲. «إِنَّ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ» سوره فاطر، آیه ۲۳.

۳. مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ؛ بر پیامبر وظیفه ای جز رساندن پیام [الهی]

نیست؛ سوره مائده، آیه ۹۹.

توضیح: حکومت نیز که جزء وظایف پیامبران قرار می گیرد، در راستای همان هدف ابلاغ است. به طور خلاصه می توان گفت که حکومت در منظر اولیای الهی، بیش از هر چیز تضمین کننده و حافظ آزادی، امنیت و آرامش انسان هاست، تا در سایه این سه، بتوانند فارغ از تحمیل ها و ستم های طاغوتیان و ظلم ظالمان، سخن حق را با فراغت بال و آرامش خیال، بشنوند و آزادانه راه خود را انتخاب کنند.

نجات بشریت خارج  
از مسؤولیت انسان‌ها  
و سنت‌های الهی  
نیست

پس این تصور، اشتباه است که فکر کنیم معنای این حقیقت که امام زمان(ع) منجی جهان بشریت هستند، آن است که ایشان تشریف می‌آورند و انسان را خارج از مسؤولیت هایی که باید داشته باشد، و جامعه بشری را خارج از ساختارهای طبیعی که دارد، و تاریخ را خارج از سنت‌های الهی، به سوی بهشت و وضع مطلوب خود رهنمون خواهند شد. این طرز فکر، هم در نظر نگرفتن کرامت انسان است و هم استخفاف دین و سنت‌های تبدیل‌ناپذیر خداوند می‌باشد. در نهایت هم انتظاری بی‌مسؤولیت و بی‌خاصیت به ارمغان خواهد آورد.

معنای رشد عقل‌ها  
توسط حضرت؟

بله، روایت داریم «امام زمان(ع) بر سر مؤمنان دست می‌کشند و عقل آنها رشد پیدا می‌کند»، اما درک معنای این حدیث نیازمند یک نگاه عمیق است؛ نه اینکه این روایت را عامیانه تفسیر نماییم و تصور کنیم که فعل حضرت بر خلاف تمام سنت‌های الهی، در وضع طبیعی خلقت بشر تغییری ایجاد می‌نماید.

---

۱. امام باقر(ع): إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِمْ عُقُولَهُمْ؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۵.

نگاه معنوی حضرت،  
مختص دوران ظهور  
نیست

نکته بسیار مهم در این زمینه آن است که همین الان هم اگر شرایطی فراهم شود که گروهی از مؤمنان لیاقت تفقد حضرت را پیدا کنند، مورد عنایت او قرار خواهند گرفت<sup>۱</sup> و با لطف خاص حضرت، عقول آنها بیش از سایرین رشد خواهد کرد.

به‌رحال نگاه عامیانه به مسئله ظهور، و تصور اینکه ظهور مسئله‌ای خارج از سنن الهی خواهد بود، مطلبی است که ائمه معصومین(ع) نیز به شدت آن را نفی کرده و با آن مقابله می‌کردند:

«بشیر می‌گوید: وقتی از کوفه به مدینه رسیدم، خدمت امام باقر(ع) مشرف شدم. حضرت از هم‌سفرانم پرسیدند؛ عرض کردم: عده‌ای از مرجئه(فرقه‌ای انحرافی)<sup>۲</sup>

---

۱. نگاه کنید به توقیع امام زمان(ع) خطاب به شیخ مفید که در پاورقی صفحه ۴۹ آمده است.

۲. مرجئه یکی از فرقه‌های انحرافی در اسلام بوده است. آیت الله مکارم شیرازی می‌گوید: «مرجئه» از ماده «ارجاء» به معنی تأخیر انداختن است و این اصطلاحی است که در مورد «جبریون» به کار می‌رود؛ چرا که آنها اوامر الهی را نادیده گرفته، و رو به سوی معصیت می‌آورند، به گمان این که مجبورند، یا این که معتقدند مرتکبین گناهان کبیره، سرنوشتشان روشن نیست و آن را به قیامت می‌اندازند. تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۹۴. و علامه سید حسن



بودند. حضرت فرمودند: وای بر مرجه! وقتی قائم ما قیام کند به چه کسی پناه خواهند برد؟ عرض کردم: آنها می‌گویند هر وقت که قائم قیام کند، با ما و شما یکسان برخورد می‌شود. حضرت فرمودند: هر کس بازگردد و توبه کند، خدا توبه‌اش را قبول می‌کند و هرکس نفاق خود را پنهان کند، خدا او را از خود دور خواهد کرد، اما هرکس چیزی از نفاق خود را آشکار کند، خداوند خون او را می‌ریزد. سپس فرمود: قسم به کسی که جانم به دست اوست، آنها را گردن می‌زند، همان‌گونه که قصاب گوسفندش را گردن می‌زند. عرض کردم: ایشان می‌گویند: هنگامی که مهدی(ع) قیام کند، کارها خودبه‌خود(ناخودآگاه و به سهولت) برای او درست می‌شود و سامان پیدا می‌کند، به طوری که حتی به اندازه یک حجامت هم خون ریخته

---

مصطفوی(ره) گفته: مرجه از کلمه إرجاء و به معنی تأخیر است، این گروه در زمان حکومت معاویه در شام پیدا شده، و می‌گفتند: ایمان ارتباطی با اعمال خارجی ندارد، و هرگز کسی نتواند در باره دیگری که مؤمن است، در این دنیا حکم و رأی بدهد، و حکم در عالم آخرت و از جانب خداوند باید معین گردد... پس مرجه گذشته از مقید نبودن و ملتزم نشدن با اعمال و عبادات: اولیاء خدا را نیز کنار گذاشته، و آنها را نیز محدود می‌کنند. تفسیر روشن، ج ۵، صص ۸۹ و ۹۰.

نمی‌شود. حضرت فرمودند: قسم به کسی که جانم به دست اوست هرگز چنین نیست. اگر کارها به خودی خود برای کسی برقرار و رو به راه می‌شد مسلماً برای رسول خدا(ص) درست می‌شد، همان‌گاه که دندانه‌های پیشین آن حضرت شکست و صورتش زخم برداشت. هرگز، سوگند به آنکه جان من به دست اوست (چنین نخواهد شد) تا آنکه ما و شما عرق و خون منعقد شده(خون زخم، وقتی خشک می‌شود) را پاک کنیم، سپس آن حضرت پیشانی خود را- به عنوان نمودار آن حالت- پاک کرد.»

«عَنْ بَشِيرِ النَّبَالِ قَالَ: لَمَّا قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ انْتَهَيْتُ إِلَى مُنْزِلِ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ عَ فَإِذَا أَنَا بِبُعْلَتِهِ مُسْرَجَةً بِالْبَابِ فَجَلَسْتُ حِيَالَ الدَّارِ. فَخَرَجَ، فَسَأَلْتُهُ عَلَيْهِ. فَنَزَلَ عَنِ الْبُعْلَةِ وَأَقْبَلَ نَحْوِي. فَقَالَ: مِمَّنِ الرَّجُلُ؟ فَقُلْتُ: مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ. قَالَ: مِنْ أَيِّهَا؟ قُلْتُ: مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ؟ فَقَالَ مَنْ صَحَبَكَ فِي هَذَا الطَّرِيقِ؟ قُلْتُ: قَوْمٌ مِنَ الْمُحَدَّثَةِ. فَقَالَ: وَ مَا الْمُحَدَّثَةُ؟ قُلْتُ: الْمُرْجِيَّةُ. فَقَالَ: وَيْحَ هَذِهِ الْمُرْجِيَّةُ إِلَى مَنْ يَلْجُئُونَ عِدَا إِذَا قَامَ قَائِمُنَا؟ قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ كُنَّا وَأَنْتُمْ فِي الْعَدْلِ سَوَاءً. فَقَالَ: مَنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَنْ أَسْرَأَ نَفَاقًا فَلَا يُعْجِدُ اللَّهُ غَيْرَهُ وَ مَنْ أَظْهَرَ شَيْئًا أَهْرَقَ اللَّهُ دَمَهُ. ثُمَّ قَالَ: يَذْبَحُهُمُ وَالَّذِي

نَفْسِي بِيَدِهِ كَمَا يَذْبَحُ الْقَصَابُ شَاتَهُ وَ أَوْمَأُ بِيَدِهِ إِلَى حَلْقِهِ. قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنْ الْمَهْدِيُّ لَوْ قَامَ لَأَسْتَقَامَتْ لَهُ الْأُمُورُ عَفْوًا وَ لَا يُهْرِيقُ مِحْجَمَةً دَمًا. فَقَالَ: كَلَّا وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ اسْتَقَامَتْ لِأَحَدٍ عَفْوًا لَأَسْتَقَامَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ ص حِينَ أُذْمِيتُ رَبَاعِيئُهُ وَ شُجَّ فِي وَجْهِهِ. كَلَّا وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى نَمْسَحَ نَحْنُ وَ أَنْتُمْ الْعَرَقَ وَ الْعَلَقَ<sup>۲</sup> ثُمَّ مَسَحَ جَبْهَتَهُ<sup>۳</sup>

امام خمینی(ره) نیز در وصیت نامه الهی-سیاسی خود، صریحاً چنین تصور عامیانه‌ای را نفی کرده و نقش کوشش‌های مؤمنین را یادآوری می‌کند تا کسی به بهانه این تصور عامیانه از زیر بار مسئولیت‌های انتظار شانه خالی نکند:

«و شما آقایان اگر توقع دارید که در یک شب همه امور بر طبق اسلام و احکام خداوند تعالی متحول شود یک

---

۱. «فَعَلَهُ عَفْوًا»: آن کار را ناخودآگاه انجام داد. «عَفْوِيًّا»: ناخودآگاه. (فرهنگ ابجدی عربی فارسی، ج ۱، ص ۶۱۶). و تَبَيَّنَ: أَذْرَكَ الْأَمْرَ عَفْوًا صَفْوًا أَي فِي سَهْوَلَةٍ وَ سَرَّاحٍ وَ يُقَالُ: خَذُّ مِنْ مَالِهِ مَا عَفَا وَ صَفَا أَي مَا فَضَّلَ وَ لَمْ يَشَقَّ عَلَيْهِ. (لسان العرب، ج ۱۵، ص ۷۵)  
۲. العلق: الدم الجامد (مفردات راغب، ج ۱، ص ۵۷۹).  
۳. غیبت نعمانی، صص ۲۸۳ و ۲۸۴. و از روای دیگر، با کمی اختلاف در عبارات: کافی، ج ۸، ص ۸۰، حدیث ۳۷.

اشتباه است، و در تمام طول تاریخ بشر چنین معجزه‌های روی نداده است و نخواهد داد. و آن روزی که ان شاء الله تعالی مصلح کل ظهور نماید، گمان نکنید که یک معجزه شود و یکروزه عالم اصلاح شود؛ بلکه با کوششها و فداکاریها ستمکاران سرکوب و منزوی می‌شوند.<sup>۱</sup>

### **(ب) حکومتی متکی به شمشیر**

همچنین بعضی تصور عامیانه‌ای دارند که وقتی امام زمان(ع) بیاید، با شمشیر همه مسائل را حل می‌کند! البته در جریان قیام حضرت، قطعاً شمشیر (سلاح) به کار گرفته خواهد شد، اما هم مقدمات بسیاری می‌خواهد و هم با لوازم بسیاری همراه خواهد بود. آن روز هم که دست‌های علی‌ابن‌ابی‌طالب(ع) را بسته بودند، شمشیر بود ولی به دلیل نبودن آن مقدمات و لوازم، به کار گرفته نشد. این شمشیر همان شمشیر است که تنها موقعیت بیرون آمدن از نیام را خواهد داشت.

شمشیر حضرت هم  
مقدمات و لوازمی  
دارد

به این ترتیب در یک نگاه عامیانه ممکن است رفتار و منش منجی موعود، خارج از شریعت و نظام تکالیف الهی

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۴۷.

تلقی شود؛ همان تکالیفی که محدودیت‌هایی برای استفاده از قوه قهریه توسط حاکمان را وضع کرده است. گویی - نعوذ بالله - خداوند به حضرت خواهند فرمود: «دیگر حوصله‌مان سر رفته است، هرچه صبر و مدارا کردیم، نشد، حالا دیگر بروید با شمشیر مسائل را حل کنید!»

لذا این تصور هم که امام زمان(ع) صرفاً با شمشیر عالم را نجات خواهد داد، یک برداشت سطحی و عامیانه است. بله، شمشیر هم در کار هست، از اول هم در کار بود، اما شرایطی دارد که در آن زمان فراهم نبود، ولی در زمان ظهور فراهم خواهد شد. یکی از آن شرایط «اتمام حجت» و «روشن‌بینی» مردم است، که در آن زمان به قدر کافی موجود خواهد بود؛ و حضرت بی تأمل با شمشیر به رفع موانع سعادت مردم اقدام خواهند فرمود.<sup>۱</sup> وقتی استفاده از شمشیر با شرایط و لوازم خاص خودش درک شود، دیگر نگاه عامیانه به موضوع انتظار از میان خواهد رفت و جای خود را به سعی و تلاش برای فراهم آوردن آن شرایط خواهد داد.

اتمام حجت و روشن‌بینی مردم، یکی از شرایط استفاده از شمشیر

---

۱. نگاه کنید به احادیثی که در پاورقی صفحه ۱۷۱ آمده است.

اگر بهره‌گیری از شمشیر بدون توجه به قواعدش بیان شود، آن وقت تصویری که دشمنان امام‌زمان(ع) از ایشان به جهان ارائه می‌دهند و مردم را از ایشان می‌ترسانند، تأیید می‌شود؛ تصویر یک سلطان ستمگر و بی‌تدبیر که وقتی بیاید، می‌خواهد همهٔ مسائل را صرفاً با تکیه به شمشیر حل کند.

نتایج سخن از  
شمشیر حضرت  
بدون توجه به قواعد  
آن

قبل از این اقبال اخیری که در جامعه نسبت به موضوع انتظار و امام‌زمان(ع) ایجاد شد و دعای ندبه در جامعه رونق تازه‌ای گرفت، تصوّر برخی از امام‌زمان(ع)، تصویر کسی بود که او را فقط با شمشیرش می‌شناختند. حتی خیلی‌ها در دلشان نوعی نگرانی از ظهور امام‌زمان(ع) داشتند؛ نگران بودند که اگر امام‌زمان(ع) ظهور کند، گردن ما گناه‌کارها را خواهد زد! این یک تصور نسبتاً عمومی از حضرت بود.

اثر منفی این نگاه  
عامیانه بر محبت به  
حضرت

کم‌کم برای مردم توضیح داده شد که «امام‌زمان(ع) که نمی‌آید مؤمنان و عوام غیر مؤمن را بکشد؛ حتی ایشان نمی‌آید که گناه‌کارها را بکشد. بلکه بسیاری از گناه‌کارها با آمدن ایشان، آدم‌های خوبی می‌شوند. کشتن قاعده دارد. نه اینکه هر کسی گناه کرده بود، کشته شود. حتی قرار نیست برخی از گناه‌کارهایی که با آمدن ایشان هم خوب نشدند و

امام‌زمان(ع) که  
نمی‌آید گناه‌کارها را  
بکشد

انتظار عامیانه ○ ۳۱

دست از گناهمان برداشتند هم کشته شوند.» وقتی این حرف‌ها گفته شد و قواعدهش برای مردم تبیین گردید، خیلی‌ها تازه به مهربانی حضرت توجه پیدا کردند و مهر امام زمان(ع) در دلشان جوشید.

این تصویرهای عامیانه، نگرش خود مؤمنین را نسبت به حضرت خراب کرده بود، آن وقت تصور کنید آنهایی که خارج از جرگه جامعه دینی بخواهند مباحث مهدویت را تعقیب کنند، چه تصویری از امام زمان(ع) پیدا می‌کنند؟

البته نباید به دلیل جلب عوام به منجی، خواص بد را از شمشیر حضرت ترسانند و به‌طور کلی موضوع شمشیر را از عملیات اصلاحی منجی حذف کرد. بله، شمشیر نقش بسیار مهمی در احقاق حق و اقامه دین خواهد داشت؛ چرا که مستکبران هیچ زبانی جز زبان زور نمی‌فهمند و جز با گردن‌های شکسته، سر طاعت فرو نمی‌آورند. که امیدواریم هرچه سریع‌تر شرایط به کار گرفته شدن سلاح حق علیه باطل فراهم بیاید.

برای تأمین امنیت جامعه، ترساندن مستکبران از شمشیر عدالت، یک اصل اساسی به حساب می‌آید. تنها در این صورت است که جامعه روی آرامش را خواهد دید؛ و این امری نیست که لازم باشد آن را پنهان کنیم. باید در

اثر نگاه عامیانه بر «تصور غیر مندیین از امام زمان(ع)»

چرا نباید شمشیر را از قیام منجی حذف کرد؟

جریان ظهور همه چیز در اوج شفافیت تبیین شود تا مستکبران هم آخرین مقاومت‌های رذیلانه خود را برای تحقق حق نشان دهند.

در یک نگاه غیر عامیانه، آنچه مهم است علت به کار گرفته شدن شمشیر در قیام و حکومت حضرت است که بسیار روشن است. وقتی اتمام حجت برای ظالمان و همه مردم صورت گرفته باشد، دیگر چه نیازی به مماشات است؟ وقتی کسی نمی‌خواهد دست از ظلم و ستم‌جویی بردارد، دیگر چه جای صبر و مدارا است؟ آن‌کس که بنای کوتاه آمدن در برابر حق را ندارد؛ و می‌خواهد تا آنجا که ممکن است از فرصت‌ها سوء استفاده کرده و هواپرستی‌های خود را تأمین کند؛ و در این راه به غارت دیگران پردازد، چرا باید با شاهد و دلیل محاکمه و اعدام شود؟ اینجا وقتی می‌شنویم حضرت بدون درنگ و بدون طی مراحل تشریفات رایج در محاکم به صدور و اجرای حکم ظالمان می‌پردازند،<sup>۱</sup> آرامش می‌یابیم و ظالمان نیز چاره‌ای جز تمکین و تسلیم نخواهند داشت.

فلسفه استفاده  
حضرت از شمشیر

---

۱. امام صادق(ع): «إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ، يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بَعْلِمِهِ؛ هنگامی که قائم آل



## ج) نجات از ظلم و دیگر هیچ

یکی از این ویژگی‌ها و شرایط ظهور، مطلب مشهور «ظهور عدل پس از فراگیری ظلم و جور» است. در روایات هم داریم که «حضرت زمانی ظهور می‌کنند که زمین پر از ظلم و جور شده باشد»<sup>۱</sup> ولی می‌توان از همین حقیقت روشن و مسلم هم تصویری عامیانه داشت. تصور عامیانه از

مردم باید علاوه بر خسته شدن از ظلم، آماده پذیرش عدالت هم باشند

---

محمد قیام کند، مانند حضرت داود قضاوت خواهد کرد و نیازی به شاهد و بیّنه ندارد، بلکه خداوند به او الهام می‌فرماید و بر اساس آنچه خودش می‌داند حکم خواهد کرد. «غیبت نعمانی، ج ۲، ص ۳۸۶ و نیز: امام حسن عسکری (ع): «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ قَضَى بَيْنَ النَّاسِ بَعْلَمَهُ كَقَضَاءِ دَاوُدَ عَ لَا يَسْأَلُ الْبَيِّنَةَ؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، با علم خودش در میان مردم قضاوت خواهد کرد، همان‌گونه که داود (ع) چنین می‌کرد و برای قضاوت کردن تقاضای شاهد و بیّنه نمی‌کند.» کافی، ج ۱، ص ۵۰۹.

۱. رسول خدا (ص): لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَمْتَلِي الْأَرْضُ ظُلْمًا وَ عُذْوَانًا، ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عَتْرَتِي فَيَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَ عُذْوَانًا؛ قیامت برپا نخواهد شد تا اینکه زمین از ظلم و دشمنی پر شود، آنگاه مردی از نسل من خروج کند و زمین را از عدل و داد پر کند همان‌گونه که از ظلم و دشمنی پر شده بود. «کنز العمال، حدیث ۳۸۶۹۱ و میزان الحکمه، حدیث ۱۲۷۶ و نیز امام صادق (ع): «...الَّذِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛ کسی که زمین را از عدل پر می‌کند، همان‌طور که از ظلم و جور پر خواهد شد.» کافی، ج ۱، ص ۳۴۱.

این حقیقت، آن است که فکر کنیم صرف به ستوه آمدن مردم از ظلم و یا به اوج رسیدن جور، برای تحقق فرج کافی است؛ و دیگر نیازی به آمادگی مردم برای «پذیرش عدالت» نیست.

در حالی که در میان مردمی که صرفاً از ظلم خسته شده‌اند، ولی تحمل عدالت را هم ندارند، تشکیل یک حکومت عادلانه اصلاً حکومت ماندگاری نخواهد بود. برای درک بهتر این مطلب می‌توان نگاهی به تاریخ صدر اسلام و حکومت حضرت علی(ع) انداخت:

بعد از ۲۵ سال دوران غربت امیرالمؤمنین(ع)، پس از آنکه نارضایتی مردم از ظلم و جور عوامل حکومت به اوج خود رسیده بود (تا جایی که در اثر همین نارضایتی‌ها و با وجود ممانعت و مخالفت شدید حضرت علی(ع)، خلیفه سوم به قتل رسید) مردم برای انتخاب حضرت علی(ع) به عنوان خلیفه مسلمین به در خانه امیرالمؤمنین(ع) هجوم آوردند. مردم به شدت اصرار می‌کردند که «یا علی! شما

چرا امیرالمؤمنین(ع)  
خلافهت را  
نمی‌پذیرفت؟

باید حکومت را به عهده بگیرید.»، اما حضرت می فرمودند:  
«نه، من را رها کنید.»<sup>۱</sup>

آیا حضرت تعارف  
می کردند؟

چرا در مقابل این همه اصرار برای خلافت، حضرت  
امتناع می کردند؟ آیا ایشان تعارف داشتند؟ در حالی که  
حضرت اساساً اهل تعارف نبودند، چه رسد به تعارف در  
چنین اموری. پس علت این امتناع چه بود؟ مگر ایشان  
بیست و پنج سال منتظر نبودند که مردم بیابند؟ حالا که  
مردم آمده اند، چرا امتناع می کنند؟ جای ترس از اینکه  
دیگران هم بخواهند حضرت را متهم به جاه طلبی کنند هم  
نبود؛ و اساساً چنین ترسی در مورد شخصیتی مانند  
امیرالمؤمنین علی(ع) معنا ندارد. وقتی پای «انجام تکلیف»  
به میان بیاید، دیگر چه جای این گونه امور است؟<sup>۲</sup>

---

۱. از جمله فرمایشات حضرت هنگامی که مردم می خواستند با او  
بیعت کنند، این بود که فرمود: «دَعُونِي وَ اَلْتَمِسُوا غَيْرِي...» نهج  
البلغه، خطبه ۹۲؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۳۴؛ الکامل فی التاریخ،  
ج ۳، ص ۱۹۳.

۲. امام سجاد(ع): «الْمُؤْمِنُ ... لَا يَعْمَلُ شَيْئاً مِنَ الْخَيْرِ رِيَاءً وَ لَا يَتْرُكُهُ حِيَاءً؛  
مؤمن چنین است که کار خیر را نه به دلیل ریا انجام می دهد و نه به  
خاطر حیاء ترک می کند» کافی، ج ۲، ص ۲۳۱؛ همچنین در کتاب  
ثواب الاعمال شیخ صدوق آمده است که «یکی از اصحاب امام  
صادق(ع) به نام اسحاق در کوفه به گونه ای بوده که مؤمنین بسیاری

علت اساسی امتناع حضرت این بود که هرچند مردم از ظلم خسته شده بودند، اما خواهان عدالت هم نبودند. آنها اساساً نه عدالت و لوازم آن را درست می فهمیدند و نه می توانستند آن را تحمل کنند. خیلی بین این دو فرق است. اگر مردم اهل تحمل عدالت بودند، آن گونه حضرت را در دوران حکومتش شکنجه نمی کردند!

مردم تحمل عدالت  
را نداشتند

---

به او مراجعه می کردند و مسائل دینی از او می پرسیدند. او هم برای پرهیز از شهرت در دین، تدبیری اندیشید تا کمتر به او مراجعه شود. در همان سال به حج می رود و با برخورد سرد امام صادق(ع) مواجه می شود. وقتی علت را می پرسد حضرت به نادرستی کار او در پراکندن مؤمنین از اطراف خود اشاره می کند؛ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ الصَّيرَفِيِّ قَالَ: كُنْتُ بِالْكُوفَةِ فَيَأْتِنِي إِخْوَانٌ كَثِيرَةٌ وَكَرِهْتُ الشُّهْرَةَ فَتَخَوَّفْتُ أَنْ أَشْتَهَرَ بِدِينِي. فَأَمَرْتُ غُلَامِي كُلَّمَا جَاءَنِي رَجُلٌ مِنْهُمْ يَطْلُبُنِي قَالَ: لَيْسَ هُوَ هَاهُنَا. قَالَ فَحَجَجْتُ تِلْكَ السَّنَةَ فَلَقَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ، فَرَأَيْتُ مِنْهُ ثِقَلًا وَتَغْيِيرًا فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَهُ...» ثواب الأعمال صدوق، ص ۱۴۶.

۱. امیرالمؤمنین علی(ع) خطاب به مردان شهر کوفه فرمود: «خدا شما را بکشد که دل من از دست شما پُر خون، و سینه ام از خشم شما مالا مال است! کاسه های غم و اندوه را، جرعه جرعه به من نوشاندید؛ فَاتَلَكُمُ اللَّهُ لَقَدْ مَلَأْتُكُمْ قُلُوبِي فَيْحَا وَشَحَنْتُمْ صُدْرِي غَيْظًا وَجَرَّعْتُ مِنْ نِعْبِ التَّهْمَامِ أَنْفُسًا» کافی، ج ۵، ص ۴ و نهج البلاغه، خطبه ۲۷.

الان مردم عالم از ظلم اسرائیل و آمریکا خسته شده‌اند، اما آیا این کافی است؟ باید دید آیا مردم طاقت عدالت را دارند؟ آیا معنای عدل را می‌فهمند؟ آیا می‌دانند که چه تغییراتی باید اتفاق بیفتد تا این ظلم برطرف گردد؟ آیا لوازمش را درک می‌کنند؟ امروز اگر بعضی از لوازم عدالت در میان مؤمنین هم گفته شود، ممکن است این نگرانی به وجود بیاید که «نکنند نتوانیم تحمل کنیم!» همان‌طور که در روایات آمده است که برخی نمی‌توانند تحمل کنند.<sup>۱</sup>

---

۱. پس از ظهور برخی به حضرت اعتراض خواهند کرد و خواهند گفت ایشان پسر پیغمبر نیست؟ مگر می‌شود پسر پیغمبر اینقدر با شدت برخورد کند؟ (امام باقر(ع): «...حَتَّى يَقُولَ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ: لَيْسَ هَذَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ لَوْ كَانَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ لَرَحِمَ...» غیبت نعمانی، باب ۱۳، حدیث ۱۱۳) همچنین امام صادق(ع) در مورد حضرت مهدی(ع) می‌فرماید: «زمین را از عدل و داد پر می‌کند همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده است، و به قدری از ظالمان می‌کشد که آدم جاهل می‌گوید: اگر او از فرزندان محمد(ص) بود، رحم می‌کرد و این قدر با شدت برخورد نمی‌کرد؛ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَ يَقْتُلُ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ لَوْ كَانَ هَذَا مِنْ ذُرِّيَةِ مُحَمَّدٍ لَرَحِمَ» غیبت طوسی، ص ۱۸۸. امام باقر(ع) می‌فرماید: «فَبَيْنَا صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ قَدْ حَكَمَ بَعْضُ الْأَحْكَامِ وَ تَكَلَّمَ بِبَعْضِ السُّنَنِ إِذْ خَرَجَتْ حَارِجَةً مِنَ الْمَسْجِدِ يُرِيدُونَ الْخُرُوجَ عَلَيْهِ فَيَقُولُ لِأَصْحَابِهِ انْطَلِقُوا

هرچند خودِ درکِ ظلم هم مرحله‌ای است که باید جامعه پس از رشد به آن برسد و این‌گونه نیست که مردم هر جامعه‌ای به سهولت بتوانند درکِ درستی از ظلم داشته باشند. ممکن است مظلومی در جامعه وجود داشته باشد ولی مردم آن را درک نکنند و اساساً آن را ظلم تلقی نکنند. چنان‌که امروزه در تمام دنیا، به‌ویژه در جوامع غربی، بسیاری از مردم درکِ صحیحی از ظلم ندارند که بخواهند خواهان عدالت باشند. لذا اگر با رشد فهم و بصیرت عمومی، مردم، بسیاری از ظلم‌هایی را که تاکنون درک نمی‌کرده‌اند، درک و احساس کنند و دردمند عدالت شوند، یک مرحله ارتقا پیدا کرده‌اند؛ و با این رشد، ما یک قدم به ظهور نزدیک شده‌ایم، ولی باز کافی نخواهد بود.

بعد از درکِ ظلم، باید درکِ صحیحی از عدالت هم پدید بیاید. اجرای عدالت به معنای واقعی کلمه، مستلزم «فراگیر» و «پایدار» بودن آن است. فراگیر بودن عدالت، نه

داشتن درکِ درستی از ظلم، لازم است ولی کافی نیست

بعد از درکِ ظلم، باید درکِ صحیحی از عدالت هم پدید بیاید

---

قَبْلَ حَقُوقِهِمْ فِي التَّمَارِينِ قَبْلَ تَوْنِهِ بِهِنَّ أُسْرَى قَبْلَ أَمْرِ بِهِنَّ فَيَذْبُحُونَ؛ هنگامی که حضرت مهدی(ع) برخی احکام را اجرا کند و برخی از سنت‌ها را بازگو نماید، گروهی از مسجد خارج می‌شوند که قصد خروج و قیام بر علیه حضرت دارند، پس حضرت دستور می‌دهد آنها را اسیر کرده و گردن بزنند. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶.

تنها موجب دشمنی‌های فراوان منفعت‌طلبان و ظالمان «کلان» می‌شود، بلکه از ناحیه کسانی هم که تحمل از دست دادن منافع «اندک» خود را ندارند، مورد عناد قرار می‌گیرد.

عدالت تنها در صورت فراگیر بودن، پایدار خواهد ماند. اجرای عدالت در بخشی از امور، تنها به روشن شدن آدرس عدالت‌طلبان حقیقی می‌انجامد که نتیجه طبیعی آن، قرار گرفتن این عدالت‌طلبان در مقابل حملات ناجونمردانه ظالمان خواهد بود؛ همان اتفاقی که در کربلا افتاد. حادثه کربلا در حقیقت، انتقامی بود که از عدالت علی(ع) گرفته شد.

می‌دانیم که امام عصر(ع) زمانی ظهور خواهند کرد که ظلم فراگیر شده باشد، مردم از ظلم خسته شده باشند و منتظر کسی باشند که آنها را از این ظلم برهاند، اما باید مردم آمادگی پذیرش عدالت و لوازم آن را هم داشته باشند. همچنین باید ریشه‌های مظالم را هم، هرچند به صورت اجمالی، بشناسند. تنها در این صورت است که اگر امام زمان(ع) ظهور کنند، موجی از اقبال به ایشان به وجود خواهد آمد و مردم دنیا از ایشان تبعیت کرده، و حکومت حق به سهولت در جهان مستقر خواهد شد.

فلسفه جنگ صفین:  
پایدار نبودن عدالت  
غیرفراگیر

شرط ظهور = ظلم  
فراگیر + آمادگی  
پذیرش عدالت +  
شناخت ریشه ظلم

اما نگاه عامیانه این است که تصور کنیم که تشدید ظلم، «موجی» را در اقبال به حضرت ایجاد خواهد کرد و بدون آمادگی عمومی برای پذیرش عدالت و لوازم آن، حکومت حضرت تنها بر آن موج استوار خواهد شد. این یک تصور سطحی است. مگر خدا دنبال موج می‌گردد که بخواهد حکومت حق را بر روی موج «نارضایتی مردم از ظلم» سوار کند؟

اساساً خدا به امواج گذرا اهمیت نمی‌دهد و همیشه دین را بر روی امواج جلو نمی‌برد. اگر هم زمانی از امواج اجتماعی برای پیشبرد بخشی از امور دین بهره بگیرد، خودش زمینه‌های شکستن آن امواج را با امتحانات سهمگین فراهم خواهد آورد. برای درک دقیق‌تر این سخن، باز هم برگردیم و نگاهی به تاریخ صدر اسلام بیندازیم:

در اواخر عمر شریف پیامبر و در زمانی که نیروهای قدرتمندی دور پیامبر(ص) را گرفته بودند، موج بزرگی از گرایش به اسلام پدید آمد: «وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا، فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ...» و [هنگامی که] ببینی مردم گروه گروه در دین خدا داخل می‌شوند، پس پروردگارت را

خدا به امواج گذرای جامعه تکیه نمی‌کند

مثال ۱: موج گرایش به اسلام در اواخر عمر شریف پیامبر(ص)



تسبیح و حمد گوی.»<sup>۱</sup> اگر مصداق این افواج، همان گروه‌هایی باشند که اواخر دوران رسالت به اسلام گرویدند، معلوم است که خلوص سابقان در اسلام را نداشتند. بنابراین شاید بتوان این افواج را همان امواجی دانست که مفید بودند اما گرایش بسیاری از آنها به اسلام ناب، ثابت و پایدار نماند.

اگرچه به وجود آمدن این موج، برای تثبیت نام دین و استقرار جامعه دینی و آغاز تمدن اسلامی مؤثر بود، اما پس از رحلت پیامبر(ص)، خداوند امتحان زمان امیرالمؤمنین(ع) را مانند سدّی در مقابل این موج قرار داد و بسیاری از کسانی که به گونه‌ای اصیل به اسلام نگرویده بودند، فرو ریختند و ایمان خود را از دست دادند.

تا آنکه پس از فراز و فرودهای بسیار، در اواخر خلافت امیرالمؤمنین(ع) کار به جایی رسید که مردم آماده مقابله با معاویه و اجرای فرمان حضرت در مورد نبرد با او،

مثال ۲: موج گرایش  
به امیرالمؤمنین(ع)  
در اواخر عمر  
شریف آن حضرت

---

۱. سوره نصر، آیه ۲. سوره نصر پیش از فتح مکه نازل شده است و آیه مذکور، مژده فراگیر شدن اسلام و گرویدن مردم به اسلام، را می‌دهد. برای توضیح بیشتر رجوع کنید به تفسیر المیزان، ذیل همین سوره.

که از خلیفه مورد اتفاق مسلمین تبعیت نمی کرد، شدند، که زمان شهادت حضرت فرا رسید.

ما اگر سطحی نگر باشیم، به خدا خواهیم گفت:

«خدایا! شما که وقت شناس هستی، مردم تازه بخش هایی از حقانیت علی (ع) را فهمیده اند و حاضر شده اند پای رکابش جمع شوند. بعد از سالها اذیت کردن، حالا تازه می خواهند از آقا تبعیت کنند، الان وقت خوبی برای شهادت علی (ع) نیست.» لابد خداوند هم جواب خواهد داد: «خُب، وصی او - امام حسن (ع) - که هست. امام، امام است، فرقی نمی کند. اگر واقعاً حقیقت اسلام را فهمیده اند و ولایت پذیر شده اند، ولایتِ وصیش را بپذیرند.»

می بینید که خدا بنای همراهی با هر موجی را ندارد؛ به همین دلیل سر بزنگاه، علی ابن ابی طالب (ع) را برداشت و برد. مردم هم با امام حسن مجتبی (ع) همراهی نکردند و زمین خوردند. این روش خدا است که در امتحانات، گاهی ضد جوّ و مخالف موج عمل می کند.

خداوند هم در قرآن کریم وعده داده است که از مؤمنین امتحان بگیرد و به صرف فریادها و ادعاهای مؤمنانه آنها اتکا نکند. خداوند جوّ مسلمانی را با امتحانی که از ایمانشان می گیرد مورد امتحان قرار می دهد: «أَحْسِبِ النَّاسُ

از زبان قرآن

أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَأَمْنَا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ \* وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ؛ آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟! بی تردید ما کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم (و اینها را نیز امتحان می‌کنیم)، تا خدا آنان را که راست گفته‌اند معلوم دارد و دروغگویان را [نیز] معلوم دارد.<sup>۱</sup> و در جای دیگر نیز نفوذ ایمان در اعماق جان را مطلوب برشمرد و ادعای بی‌جا را نپذیرفت: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ؛ عرب‌های بادیه‌نشین گفتند: «ایمان آورده‌ایم» [ای پیامبر به آنها] بگو: شما ایمان نیاورده‌اید، بلکه بگویند اسلام آورده‌ایم اما هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است!»<sup>۲</sup>

آیا این بد است که خدا به آگاهی، اعتقاد راسخ، و یقین شایسته انسان ارزش می‌دهد و به موج اعتنا نمی‌کند؟ می‌خواهد من و تو از روی آگاهی و اعتقاد، طرفدار امام

چرا خدا به موج  
اعتنا نمی‌کند؟

---

۱. سوره عنکبوت، آیه ۳ و ۲. همچنین: سوره بقره، آیه ۲۱۴؛ سوره آل عمران، آیه ۱۴۲ و سوره توبه، آیه ۱۶.  
۲. سوره حجرات، آیه ۱۴.

زمان (ع) شویم و شاهد اقامه حق باشیم، نه از روی جوّزدگی.

صحبت از این بود که «ظلم فراگیر» بدون «آمادگی پذیرش عدالت» برای ظهور کافی نیست و به همین دلیل برخی از ظلم‌گریزی‌ها بی‌فایده است و علامت آمادگی ظهور نیست. یک دسته از ظلم‌گریزی‌های بی‌فایده، مواردی است که معلول جوّ و موج هستند.

فرض دیگری هم برای ظلم‌گریزی‌های بی‌فایده وجود دارد و آن اینکه مثلاً شخصی با کلاه‌برداری یا گران‌فروشی پولی جمع کرده و خانه‌ای برای خودش ساخته است. بعد یک پادشاه یا یک کلاه‌بردار زورگوی دیگری آمده و خانه او را غصب کرده است. آن شخص اول که دیگر دستش به جایی نمی‌رسد تا خانه‌اش را پس بگیرد، حالا حق طلب شده و بگوید: «کی امام زمان می‌آید تا حق را به حق‌دار برساند؟ کی امام زمان می‌آید تا حق من را از این آقا بگیرد؟» امام زمان برای این جور حق‌طلبی‌ها نمی‌آید.

باید به چنین حق‌طلبی گفت: «تو که خودت مدام به اطرافیان و جامعه‌ات ظلم می‌کنی؛ و هر ظلمی را به این دلیل که ظاهراً به نفع دنیای خودت هست، می‌پذیری و

انواع ظلم‌گریزی بی‌فایده: ۱. در اثر موج

۲. ظالمان حق‌طلب! / «حق» خود طلبان

پذیرفته‌ای، حالا تا ظلمی علیه خودت صورت گرفته، حق طلب شده‌ای؟ این «حق طلبی» نیست، «حق خودطلبی» است.»

تفاوت حق طلبی و  
حق خودطلبی/  
حق طلبی  
خودخواهانه

اساساً دنبال حق «خود» بودن یک چیز است، طرفدار حق و عدالت بودن چیز دیگری است. خیلی‌ها که دم از حق و عدالت می‌زنند، در واقع دنبال حق «خود»شان هستند، نه اینکه دلشان برای حق و عدالت سوخته باشد. آنها تا جایی از حق و عدالت صحبت می‌کنند و حاضرند برایش مایه بگذارند، که حق و منفعت خودشان در میان باشد.

حقوق بشر غرب  
دنبال تقویت  
خودخواهی‌ها، نه  
تأمین حقوق

این‌گونه حق طلبی هم به درد نمی‌خورد. همچنان که در غرب وقتی دم از حقوق بشر زده می‌شود، غرض و نتیجه، تقویت خودخواهی‌های انسان‌ها است نه تأمین حقوق انسان‌ها.

حضرت امام(ره) در فرمایشی به خوبی به تفاوت حق طلبی و حق خودطلبی اشاره می‌فرمایند:

«باید اشخاصی که می‌خواهند صحبت کنند ببینند که آیا حق را می‌خواهند برای حق؟ بزرگتر چیزی که انسان اگر آن را داشته باشد کمال بزرگ دارد این است که حق را برای حق بخواهد. از حق خوشش بیاید برای اینکه حق

است. و از باطل متنفر باشد برای اینکه باطل است. اگر حق به دست دشمنش هم اجرا شد، این مالکیت را داشته باشد بر نفس خودش که آن حق را تعریف کند. و اگر باطل از فرزندش یا دوستانش وجود پیدا کرد، این مالکیت را داشته باشد که از او تنفر داشته باشد و اظهار تنفر کند. کسانی که حق را برای حق خواهند اندک‌اند، بسیار اندک. کسانی که باطل را برای باطل بودنش بغض بر آن دارند و تنفر از آن دارند اندک‌اند، و بسیار اندک. انسان خودش هم نمی‌تواند بفهمد که چه کاره است.»<sup>۱</sup>

حضرت آیت الله بهجت(ره) نیز در کلامی به تفاوت کسی که منتظر رسیدن به حق و نیاز خود است، و منتظر حقیقی که منتظر برپایی حق است اشاره می‌فرماید:

«اشخاصی را می‌خواهند که تنها برای آن حضرت باشند. کسانی منتظر فرج هستند که برای خدا و در راه خدا منتظر آن حضرت باشند، نه برای برآوردن حاجات شخصی خود!»<sup>۲</sup>

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۱۴۵.

۲. در محضر بهجت، ج ۲، شماره ۲۷۶.

## د) نعمت، بی دلیل فراوان می شود

نگاه عوامانه دیگری که به مفاهیم مهدویت وجود دارد مربوط به این حقیقت است که پس از ظهور، نعمت فراوان خواهد شد، برکات نازل می شوند، مریض ها شفا پیدا می کنند، بی خانه ها خانه دار می شوند، امنیت کامل برقرار می شود و خلاصه همه امور سامان می یابند. همه این گزاره ها درست و مطابق با روایات مربوط به دوران ظهور است،<sup>۱</sup> اما اگر نگاه ما به همین آثار، یک نگاه عامیانه باشد، کار به تلقی های نادرستی خواهد کشید.

وفور نعمت در زمان  
ظهور

---

۱. رسول الله (ص): «...پس در آن هنگام مهدی من زمین را از عدل و داد پر می کند و از آسمان بارانی می بارد که زمین گیاهان خود را می رویند و امت من در ولایت او چندان نعمت و رفاه خواهند داشت که قبل از آن هیچ گاه مانند آن نبوده باشد؛ فِيمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا وَ تُمْطِرُ السَّمَاءُ مَطْرًا تُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ تُنْعِمُ أُمَّتِي فِي وِلَايَتِهِ نِعْمَةً لَمْ تُنْعَمْ بِمِثْلِهَا قَطُّ» ملاحم سید ابن طاووس، ص ۱۳۹. و در روایت دیگر آمده است: «امت من در زمان او (مهدی) چنان زندگی خواهند داشت که قبل از آن، هیچ گاه مانند آن زندگی نکرده باشند؛ وَ تَعِيشُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ عَيْشًا لَمْ تَعِشْهُ قَبْلَ ذَلِكَ فِي زَمَانٍ قَطُّ» ملاحم سید ابن طاووس، ص ۱۶۵. همچنین بنابر روایات، فقر در جامعه مهدوی ریشه کن می شود تا جایی که دارنده زکات، نیازمندی پیدا نمی کند که زکات او را قبول کند (امام صادق (ع): وَ يُطْلَبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يُصِلُهُ بِمَالِهِ وَ يَأْخُذُ مِنْهُ زَكَاتَهُ فَلَا يَجِدُ أَحَدًا يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ).

اینکه ما به عظمت منزلت امام زمان(ع) نزد خداوند متعال و اینکه ایشان به اذن خدا می توانند مشکلات زندگی بشر را به سهولت حل کنند، اعتقاد داشته باشیم، یقیناً اعتقاد ارزشمندی است؛ و بخشی از معرفت و اعتقاد ما به امام معصوم(ع) را تشکیل می دهد، اما همین اعتقاد نیز می تواند دچار نگاه عامیانه شود.

---

اسْتَعْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۱. برای دیدن روایات مربوطه نگاه کنید به: نجم الدین طوسی، نشانه هایی از دولت موعود، بوستان کتاب، ۱۳۸۵، ص ۲۵۲، ذیل عنوان: «ریشه کن شدن فقر از جامعه» در خصوص امنیت کامل و گسترده در آن زمان نیز روایات بسیار زیبایی در این زمینه وجود دارد که تعدادی از آنها در فصل سوم منبع پیشین، با عنوان «امنیت» آمده است.

روایات دیگری که به تفصیل و زیبایی، نعمت های فراوان دوران حضرت را ذکر کرده و کیفیت آنها را برشمرده اند در کتاب های مربوطه آمده است. از آن جمله می توانید نگاه کنید به بخش سوم کتاب نشانه هایی از دولت موعود نوشته ایت الله نجم الدین طوسی، که احادیث مربوط به: «شکوفایی دانش و صنعت، رشد معنویت و اخلاق، امنیت، شکوفایی اقتصادی و رفاه اجتماعی، بهداشت و درمان» را جمع آوری، طبقه بندی و توضیح داده است. (نجم الدین طوسی، نشانه هایی از دولت موعود، بوستان کتاب، ۱۳۸۵) همچنین نگاه کنید به فصل بیست و یکم کتاب ارزنده «امام مهدی(ع) از تولد تا بعد از ظهور» نوشته سید محمد کاظم قزوینی موسوی(ره)، ترجمه لطیف راشدی، انتشارات مسجد مقدس جمکران.



انتظار فرج، صرفاً  
برای حل مشکلات  
شخصی، انتظاری  
سطحی است

اگر انتظار ما برای ظهور و تشریف‌فرمایی حضرت، صرفاً به این دلیل باشد که مشکلات شخصی ما حل شود، معلوم است که چنین انتظاری بسیار سطحی و عامیانه خواهد بود. اگرچه حضرت حتی در دوران غیبت نیز گرفتاری‌های مؤمنان را برطرف می‌کنند و آنها را مورد عنایت و تفقد قرار می‌دهند،<sup>۱</sup> اما درخواست فرج تنها برای رفع چنین مشکلاتی، سطحی انگاشتن قیام منجی است.

---

۱. در کتاب احتجاج طبرسی، در ضمن توقیعی که از امام زمان (عج) به شیخ مفید ره فرستاده شده است آمده است: «... فَإِنَّا نَحِيْطُ عِلْمًا بِأَيَّانِكُمْ وَ لَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ - وَ مَعْرِفَتِنَا بِالذُّلِّ الَّذِي أَصَابَكُمْ مُدَّ جَنَحٍ كَثِيرٍ مِنْكُمْ إِلَى مَا كَانَ السَّلْفُ الصَّالِحُ عَنْهُ شَاسِعاً وَ نَبَذُوا الْعَهْدَ الْمَأْخُوذَ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاغَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ اللَّأَعْدَاءُ؛ در عین حال از اخبار و اوضاع شما کاملاً آگاهیم و چیزی از آن بر ما پوشیده نمی‌ماند. ما از لغزشهایی که از برخی شیعیان سر می‌زند از وقتی که بسیاری از آنان میل به بعضی از کارهای ناشایسته‌ای نموده‌اند که نیکان گذشته از آنان احتراز می‌نمودند و پیمانی که از آنان برای توجّه به خداوند و دوری از زشتی‌ها گرفته شده و آن را پشت سر انداخته‌اند اطلاع داریم، گویا آنان نمی‌دانند که ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم، و اگر جز این بود از هر سو گرفتاری به شما رو می‌آورد و دشمنانتان، شما را از میان می‌بردند.» احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۷

بله، اگر بدانیم رفع مشکلات معیشتی ما در گرو رفع مشکلات کلانی است که عالم گرفتار آن است و بنا است منجی عالم این گرفتاری‌ها را به صورت ریشه‌ای برطرف فرمایند، به نگاه عمیق‌تری رسیده‌ایم. اما اساساً هدف کلیدی ظهور و حضور حضرت رفع مشکلات خرد و کلان جامعه نیست. رفع این مشکلات، تنها مقدمه‌ای برای نائل آمدن به اهداف بالاتر انسانی و معنوی است.

کسانی که می‌خواهند غیر عامیانه به این موضوع نگاه کنند، باید بدانند که هم برطرف شدن سختی‌های زندگی مقدماتی دارد، که اهم آنها برچیده شدن بساط کفر است (که همیشه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم موجب ظلم می‌گردد)، و هم برطرف شدن مشکلات، خود مقدمه‌ای برای رسیدن به اهداف مهم‌تری است؛ مانند فراغت و فرصت یافتن بندگان خدا برای عبودیت پروردگار و کسب کمالات معنوی.

ضمن آنکه باید بدانیم اساساً پس از ظهور، تمامی مشکلات برطرف نخواهند شد و برخی از مشکلات و حتی مظلومیت‌های حضرت باقی می‌ماند. حضرت امام (ره) در این باره اشاره روشن دارند:

رفع مشکلات،  
مقدمه‌ای برای  
اهداف بالاتر انسانی  
و معنوی

نگاه صحیح به  
برطرف شدن  
مشکلات و فور  
نعمت

اساساً بعد از ظهور،  
همه مشکلات  
برطرف نمی‌شوند

«و ما نباید توقع داشته باشیم که صبح کنیم در حالی که همه چیز سر جای خودش باشد. در زمان حضرت صاحب - سلام الله علیه - هم که ایشان با تمام قدرت می‌خواهند عدل را اجرا نمایند، با این ترتیب نمی‌شود که هیچ کس حتی خلاف پنهانی هم نکند. و بالاخره همانها هم که مخالف هستند حضرت صاحب را شهید می‌کنند. و در روایات، قریب به این معنا دارد که بعضی فقهای عصر با ایشان مخالفت می‌کنند.»<sup>۱</sup>

هرچند دوران طلایی و زیبای ظهور با وضعیتی که امروزه انسان‌ها تجربه می‌کنند، بسیار متفاوت است، اما این تصور هم که در آن زمان «دنیا جای خود را با بهشت عوض خواهد کرد»، یک تصور عامیانه است. تا دنیا باقی است، سختی‌ها و مشکلات دنیا هم وجود خواهند داشت. خالق انسان می‌فرماید: «ما انسان را در رنج و زحمت آفریدیم؛ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»<sup>۲</sup> و امیر مؤمنان (ع)

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۰۳.

۲. سوره بلد، آیه ۴. در آیه دیگری نیز خداوند متعال حرکت انسان به سوی خودش را توأم با سختی و رنج می‌داند و می‌فرماید: «ای انسان! تو با تلاش و رنج بسوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد؛ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَأْتَهُ»

می فرماید: «دنیای خانه سختی‌ها و محنت‌هاست؛ الدُّنْيَا دَارٌ

الْمَحْنِ»<sup>۱</sup>

تمام این نگرش‌های عوامانه می‌توانند حرف‌های درستی در بر داشته باشند، اما وقتی نگاه عمیقی به این حرف‌ها نداشته باشیم، ممکن است در ذیل هر کدام از آنها تصورات و برداشت‌های نادرستی شکل بگیرد. نباید با اشاره‌هایی که درباره ظهور و حکومت حضرت وجود دارد، بدون تحلیل برخورد کرد. بلکه باید با بهره‌گیری از عموم معارف دینی به تفسیر آنها پرداخت.

ویژگی‌های مطرح شده درباره ظهور، تنها بخش‌هایی از آن کوهستان با عظمتی است که از زیر آب دریا بیرون

ضرورت تحلیل  
گزاره‌های مربوط به  
ظهور

---

سوره انشقاق، آیه ۶. در تفسیر نمونه ذیل این آیه آمده است: «(کدح) (بر وزن مدح) به معنی تلاش و کوششی است که با رنج و تعب همراه باشد، و در جسم و جان اثر بگذارد ... این آیه اشاره به یک اصل اساسی در حیات همه انسانها است، که همواره زندگی آمیخته با زحمت و رنج و تعب است» مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۳۰۰.

۱. غررالحکم، حدیث ۲۲۳۹. همچنین امیرالمؤمنین در توصیف دنیا فرمودند: «سرابی است پوشیده از بلا و گرفتاری؛ دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْضُوفٌ» نهج البلاغه، خطبه ۲۶۶. و فرمودند: «دنیا آکنده از مصیبت‌ها و پیش‌آمدهای ناگوار است؛ الدُّنْيَا مَلِيئَةٌ بِالْمَصَائِبِ طَارِقَةٌ بِالْفَجَائِعِ وَ التَّوَابِتِ» غررالحکم، حدیث ۲۲۴۱.

بخش هایی از کتاب انتظار عامیانه، انتظار عامیانه، انتظار عارفانه

انتظار عامیانه ○ ۵۳

آمده و به صورت جزیره‌ای خودنمایی کرده است. ما نباید فقط به همین گوشه بیرون آمده از دریا نگاه کنیم، بلکه باید غواصی کرده و به کمک معارف دینی، با تمام مختصات آن کوهستانی که قرار است تماماً از زیر آب بیرون بیاید، آشنا شویم.

## بدون نگاه عامیانه

وقتی با نفی برخی از موارد نگاه عامیانه، به موضوع منجی نگاه کنیم، فضاهای تازه‌ای برای تفکر در مقابل ما گشوده خواهد شد. مثلاً اگر بپذیریم که ساز و کار ظهور و حکومت امام زمان(ع)، یک ساز و کار طبیعی و مطابق با سُنن الهی و دستورات دینی است، که همه انبیا، اولیا و امامان معصوم ما آنها را پذیرفته و رعایت می‌کرده‌اند، طبیعتاً باید بپذیریم که تداوم حکومت امام زمان(ع) هم امری طبیعی و ناشی از همان سُنن و احکام خواهد بود؛ ولی با تحقق برخی از شرایط و سُنن الهی که تاکنون فرصت تحقق نداشته‌اند.

اتفاقاً درک ساز و کار ظهور و حکومت آن حضرت هم برمی‌گردد به شناخت همین بخش از شرایط و سُنن و داشتن یک تحلیل انسانی، اجتماعی و سیاسی از آنها. مثل اینکه آن احکامی که تاکنون امکان اجرا نداشته‌اند، کدام‌ها هستند؟ در زمان ظهور چرا و چگونه فرصت اجرای آن احکام پدید می‌آید؟ به چه دلیل و با کدام ساز و کار طبیعی و اجتماعی، حکومتی که از ابتدای خلقت تاکنون امکان تحقق نداشته، امکان تحقق پیدا می‌کند؟ تمام معجزات و

با نفسی نگاه‌های عامیانه، باب تازه‌ای برای تفکر گشوده می‌شود

درک ساز و کار ظهور و حکومت حضرت

کرامات حضرت و عنایات خداوند متعال نیز در همین راستا قابل توجیه است.

وقتی ساز و کار حکومت، یک ساز و کار طبیعی و مبتنی بر یک سری قواعد و سنن الهی شد، باید ادامه و بقای آن حکومت نیز تا روز قیامت، مبتنی بر یک سری قواعد و سنن الهی باشد. در چنین وضعیتی، سؤال‌های مهمی مطرح خواهد شد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

اگر آدم‌ها به صورت اجباری و یا با معجزه آدم‌های خوبی نمی‌شوند، پس می‌توانند از اختیار خود استفاده کنند و باز آدم‌های بدی بشوند. ولی ما می‌شنویم که در زمان ظهور و حکومت حضرت، آدم‌ها اکثراً خوب می‌شوند. این امر چگونه اتفاق می‌افتد؟ چه عاملی باعث خوب شدن اکثریت آدم‌ها می‌شود؟ چرا این خوبی‌ها پایدار می‌مانند؟ چرا بدی‌های آدم‌های بد پنهان می‌شود و آنها نمی‌توانند ضرر چندانی به جامعه بزنند؟<sup>۱</sup> سرنوشت این آدم‌های بد

برخی سؤالات که  
با نفی نگاه عامیانه  
پدید می‌آیند

---

۱. دلیل شدن نفاق در دولت کریمه حضرت که در روایات آمده است (تُدَلُّ بِهَا النَّفَاقَ وَ أَهْلَهُ؛ ص ۱۸۰ همین کتاب) یکی از معانیست، این است که منافقین وجود دارند، اما چون در جامعه ذلیل هستند، نمی‌توانند ضرر چندانی به جامعه بزنند. حضرت امام (ره) می‌فرماید: «بله، در زمان حضرت صاحب- سلام الله علیه- حکومت واحد

که از بد بودن خود دست برنمی دارند، چه می شود و آنها در جامعه مهدوی چگونه زندگی خواهند کرد و بدی های خود را چگونه بروز خواهند داد؟ امام زمان (ع) با مشکل فساد و نفاق چگونه برخورد خواهند نمود؟ آیا ما همین الان هم می توانیم به سوی چنین جامعه خوبی حرکت کنیم؟ تا چه حد؟ آیا می توانیم از قواعدی که منجر به ایجاد چنین تحولی در زندگی بشر می شوند، برای حل مشکلات امروز جامعه خود استفاده کنیم؟ اساساً آیا این قواعد طبیعی بدون حضور امام معصوم قابل بهره برداری هستند؟ یا بخشی از آن هست و بخشی نیست؟ نقش حضور امام در جامعه و نقش حاکمیت او در تحقق سعادت بشر دقیقاً چیست؟

وقتی نگاه عامیانه را کنار بگذاریم، سؤال ها یکی یکی می جوشند، و فکرها به کار می افتند. جدا از معارف و برکات فراوانی که در اثر پی گیری این سؤال ها نصیب ما

نفس جوشش این  
سؤال ها برکات  
مهمی دارد

---

می شود. ... یک عدالت اجتماعی در همه عالم می آید، اما نه اینکه انسانها بشوند یک انسان دیگر. انسانها همانها هستند که یک دسته شان خوب اند، یک [دسته] بد. متنها آنهايي که بد هستند، دیگر نمی توانند که کارهای خلاف بکنند.» صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۰.



خواهد شد، نفس جوشش این گونه سؤال‌ها، به معنی جدی گرفته شدن امر ظهور و راسخ شدن اعتقاد ما به فرج خواهد بود. ضمن اینکه همه ما در اثر جوشش این سؤال‌ها و سپس نزدیک شدن به پاسخ آنها، وظایف خود را در این زمان و برای زمینه‌سازی ظهور، بهتر خواهیم شناخت.

شاید بسیاری از مشکلات موجود در جامعه فعلی ما، ناشی از بی توجهی به همان سنن الهی باشد که در زمان ظهور عامل حل مشکلات و سعادت بشر می‌شود. شاید بدون برخی از اقدام‌های عالمانه منتظرین، اساساً بستر و زمینه‌های اجتماعی و مقدمه‌ساز ظهور فراهم نشود. شاید بخشی از انتظار ما هم باید به اقدام عالمانه تبدیل شود. شاید ما هم تا حدودی، مانند آنان که انتظار را دست‌مایه سستی و فرار از تکلیف جهاد قرار داده‌اند، بی‌همتی و جهالت خودمان را با انتظار توجیه می‌کنیم.

## آثار سوء نگاه عامیانه

طبیعتاً نگاه عامیانه، آثار سوء فراوانی در ابعاد فردی و اجتماعی خواهد داشت. دیگر زمان آن نیست که نگاه‌های عامیانه به عنوان حداقل‌های قابل تحمل، موجب دل‌خوشی بشوند. به عبارت دیگر، در شرایط کنونی عوام‌زدگی آسیب‌های اندکی ندارد.

یکی از آثار سوء نگاه عامیانه به موضوع منجی و مهدویت، عدم اشاعه فرهنگ اصیل انتظار در جهان بشریت است. وقتی ما سطحی نگاه کردیم، و تئوری‌های حکومت آقا امام زمان(ع) را به صورت علمی بیان نکردیم و تحلیلی عالمانه از موضوع مهدویت و منجی ارائه ندادیم، کم‌کم این موضوع به یک امر خیالی و یا خرافاتی تبدیل شده و مانند یک سدّ بزرگ سبب می‌شود که نتوانیم فرهنگ اصیل انتظار را، به‌ویژه در میان نخبگان، اشاعه دهیم و ذهن‌ها را به صورت دقیق متوجه این موضوع کنیم.

در چنین شرایطی، خیلی‌ها موضوع منجی و مهدویت را به دلیل غیرعقلانی بودن، نخواهند پذیرفت. اندیشمندان و فرهیختگان، مهدویت را امری موهوم و به دور از عقلانیت تلقی خواهند کرد و ترویج انتظار، به محافل

۱. عدم اشاعه فرهنگ اصیل انتظار

جدی گرفته نشدن حکومت مهدوی در مجامع علمی، میان نخبگان سیاسی و مدیران جامعه

مذهبی و مساجد محدود شده و دین و دنیا همچنان از یکدیگر جدا خواهند ماند. کما اینکه هم اکنون نیز جامعه ما از جدی گرفته نشدن امر ظهور و حکومت امام زمان (ع) در مجامع علمی و دانشگاهی و نیز در میان نخبگان سیاسی و مدیران جامعه رنج می برد. در حالی که ما می توانیم با تأمل جدی در شیوه حکومت حضرت، به رفع مشکلات جامعه و بهبود برنامه ریزی ها و تدبیر بهتر امور کمک کنیم. سخن گفتن اندیشمندان و سیاسیون از حکومت مهدوی شروع خوبی است، اما اگر این آغاز در ادامه با تأمل جدی و عمیق شدن در شیوه حکومت مهدوی و توجه به نتایج این تأمل، در برنامه ریزی امور همراه نشود، دچار آسیب و آفت خواهد شد.

یکی دیگر از آثار سوء این نگاه عامیانه، بستری است که برای انحراف و بهره برداری دشمنان از موضوع مهدویت ایجاد می شود. در بستر این «نگاه عامیانه به مفهوم منجی»، خیلی ها احساس می کنند با چند تا ظاهر سازی ساده می توانند خودشان را همان منجی یا مرتبط با او معرفی کنند. کم نیستند انواع ادعاهای دروغین ارتباط با منجی که

۲. ایجاد بستری برای  
انحراف مهدویت

هر از گاهی خبری از آنها به گوش می‌رسد.<sup>۱</sup> پدیده «بهائیت» را هم باید از جنس همین مشکلات قلمداد کرد.

۱. اصل ارتباط و ملاقات برخی از خوبان در دوران غیبت کبری با امام زمان(ع)، از امور روشن و غیر قابل انکاری است که توسط امام خامنه‌ای و مراجع عظیم‌الشأنی چون حضرت آیت الله بهجت(ره) مورد تأیید قرار گرفته است(چند نمونه در انتهای همین پاورقی آمده است) لیکن خوبی برطرف شدن نگاه عامیانه به موضوع منجی این است که معیارهایی به دست می‌آید که بر اساس آن داستان‌های راست و دروغ تا حدی از همدیگر قابل تشخیص خواهند بود و اساساً زمینه سوء استفاده از داستان‌ها و ادعاهای دروغین از بین می‌رود.

امام خامنه‌ای فرموده‌اند: «خیلی از بزرگان ما در همین دوران غیبت، آن عزیز و محبوب دل‌های عاشقان و مشتاقان را از نزدیک، زیارت کرده‌اند. بسیاری از نزدیک با او بیعت کرده‌اند. بسیاری از او سخن دلگرم‌کننده شنیده‌اند. بسیاری از او نوازش دیده‌اند و بسیار دیگری بدون اینکه او را بشناسند، از او لطف و نوازش و محبت دیده و او را نشناخته‌اند.» (بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور؛ ۰۳/۰۹/۱۳۷۸) و در جای دیگری هم فرموده‌اند: «ممکن است یک انسان سعادت‌مندی، چشمش، دلش این ظرفیت را پیدا کند که به نور آن جمال مبارک روشن شود، اما یک چنین کسانی اهل ادعا نیستند؛ اهل گفتن نیستند؛ اهل دکان‌داری نیستند. این کسانی که دکان‌داری می‌کنند به این وسیله، انسان می‌تواند به طور قطع و یقین بگوید این‌ها دروغ‌گو هستند؛ مفت‌ری هستند.» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمی‌ی شعبان، ۲۷/۰۵/۱۳۸۷).

نمونه‌ها و موارد دیگری از نظرات صاحب‌نظران و بزرگان که دلالت بر امکان ملاقات و یا وقوع ملاقات برای برخی از خوبان با حضرت

داشته باشد، فراوان است. لیکن به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم. آیت‌الله بهجت فرموده‌اند(ره): «در زمان غیبت هم عنایات و الطاف امام زمان(عج) نسبت به معجبان و شیعیانش زیاد دیده شده؛ باب لقا و حضور بالکلیه مسدود نیست؛ بلکه اصل رؤیت جسمانی را هم نمی‌شود انکار کرد.» در محضر بهجت، ج ۱، نکته شماره ۲۸۹ و نیز فرموده‌اند: «مهم این است که در وقت تشرّف از آن حضرت سؤال کنید که ...؛ ما به کسانی که برای سفر حجّ با ما خداحافظی کرده‌اند، این تذکر را داده‌ایم که اگر عینک بزنید ممکن است به خدمت آن حضرت برسید، و ملاقات حاصل شود.» در محضر بهجت، ج ۳، نکته شماره ۲۲. و در جای دیگر: «یکی از امور مهم بلکه از اهم امور این است که بدانیم چه کار کنیم تا مثل کسانی از علما و متشرعه و صلحای تابع علما باشیم که فرج شخصی و ارتباط خاص با حضرت ولی عصر(ع) داشته‌اند.» در محضر بهجت، ج ۳، شماره ۱۳۲۱. در کتاب استفتانات ایشان آمده است: سوال: در توقیع شریف خطاب به جناب علی بن محمد سمری -رحمه‌الله- آمده است: «وسیأتی من یدعی المشاهده... فکذبوه» این جمله با ملاحظه قضایایی که در کتاب های بحارالانوار و غیره تحت عنوان: «فی من فاز بلقاء الحجّة علیه السلام [پیرامون کسانی که موفق به دیدار حضرت حجت شده اند]» نقل گردیده است، چگونه قابل توجیه است؟ پاسخ: به قرینه مقام، منظور در توقیع، نحو مشاهده در نیابت خاصه است. [یعنی روایت مربوط به دوران غیبت صغری است و لذا داستان ها و ملاقات هایی که در بحارالانوار و برخی کتب دیگر آمده، می‌تواند صحیح باشد.] (استفتانات حضرت آیت الله بهجت(ره)، سوال ۱۹۷۶) همچنین آیت الله مکارم شیرازی در خصوص داستان ملاقت امام زمان(ع) و دستور ایشان در مورد احداث مسجد جمکران، فرموده اند: «داستان مسجد مقدّس جمکران در بیداری بوده» (استفتانات جدید، ج ۱، ص ۴۹۶) و در استفتانات

در روایات هم این مطلب آمده است که در عصر ظهور، پرچم‌های انحرافی زیادی که ادعا می‌کنند «منجی» هستند، برافراشته می‌شوند.<sup>۱</sup> این انحراف‌ها در چه بستری پدید می‌آید و رونق می‌گیرد؟ آیا غیر از این است که نگاه

---

ایشان آمده است: «سؤال ۱۵۱۱- آیا شرط ملاقات با حضرت، علم و تقواست، یا مصلحت و زمان و مکان؟ جواب: شرط اصلی لیاقت ملاقات با آن حضرت، تقوا در سطح عالی است. ولی گاه به خاطر مصلحت اسلام و مسلمین، چهره نورانی خود را به افراد غیر لایق، حتی غیر شیعه و غیر مسلمانان، نیز نشان می‌دهد.» (مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۳، ص ۵۴۲). برای مطالعه بیشتر در این زمینه و ملاحظه استدلال‌ها و نظرات دیگر علماء و بزرگان، به کتاب‌هایی که در این رابطه نگاشته شده است مراجعه فرمایید. از آن جمله: «دیدار در عصر غیبت؛ از نفی تا اثبات، جواد جعفری، موسسه آینده روشن - پژوهشکده مهدویت، ۱۳۸۹» و «فراز ابر، تحلیلی پیرامون تشریف به محضر امام زمان(ع)، م- سحاب، موسسه توسعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۸۸»

۱. در روایات آمده است: دوازده نفر ادعای ارتباط با حضرت و یا ادعای مهدویت می‌کنند و هرکدامشان دیگری را تکذیب می‌کند. (امام صادق(ع): لَا يَقُومُ الْقَائِمُ عَ حَتَّى يَقُومَ اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا كُلُّهُمْ يُجْمَعُ عَلَيَّ قَوْلَ إِنَّهُمْ قَدْ رَأَوْهُ فَيَكْذِبُونَهُمْ؛ غیبت نعمانی، ص ۲۷۷) و در روایت دیگری آمده است: دوازده نفر که از سادات نیز هستند خروج کرده [ادعای مهدویت کرده] و همگی به خود دعوت می‌کنند. (امام صادق(ع): لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ حَتَّى يَخْرُجَ اثْنَا عَشَرَ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ كُلُّهُمْ يَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۴۳۷).

عامیانه به موضوع منجی، بستر رواج چنین انحرافات است؟

زمینه‌ای برای  
انحراف دوستان

نگاه عامیانه، علاوه بر اینکه می‌تواند بستری برای بهره‌برداری دشمنان فراهم کند، می‌تواند زمینه‌ای برای انحراف دوستان نیز پدید بیاورد. یکی از انحراف‌هایی که ممکن است در بحث منجی و مهدویت به وجود بیاید، این است که مردم را صرفاً بر روی بحث رابطه عاطفی شخصی با امام زمان(ع) متمرکز کنند. این رابطه عاطفی خوب است و باید بیشتر هم بشود، که البته با افزایش معرفت و دقت در انجام وظایف الهی، رابطه عاطفی بیشتر هم خواهد شد، ولی صرفاً توجه دادن به این رابطه عاطفی و تمام آرمان منتظران را یک دیدار مخفیانه و رسیدن به خدمت حضرت قرار دادن، بدون توجه به لوازم و حقایق اجتماعی آن، بستر یک انحراف است؛ انحرافی که می‌تواند از درونش بسیاری از ضدیت‌ها با مرام امام زمان(ع)، که همان اسلام ناب است، بیرون بیاید.<sup>۱</sup>

---

۱. آیت‌الله بهجت فرموده‌اند: «لازم نیست که انسان در پی این باشد که به خدمت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تشرّف حاصل کند، بلکه شاید خواندن دو رکعت نماز سپس توسّل به ائمه

سومین اثر منفی نگاه عامیانه، «رخوتی» است که در میان منتظران ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، نگاه عامیانه عامل ترک وظایف و نشناختن آنها توسط منتظران خواهد شد. این خیلی بد است که ما به عنوان یک منتظر هر وقت به یاد امام زمان(ع) می‌افتیم، آهی بکشیم و بگوییم: «ان شاء الله آقا بیاید» و بعد دوباره به زندگی پُر اشتباه خود ادامه بدهیم. این یک آفت و آسیب است که منتظر بودن ما، در زندگی ما هیچ تغییری ایجاد نکند. طبیعتاً وقتی به موضوع انتظار، سطحی نگاه کنیم، نمی‌توانیم تکالیف مُبعث از آن را برای خود استخراج کنیم و در وجود خود بعثتی بیابیم و مسئولیتی احساس کنیم.

۳. ایجاد رخوت در  
میان منتظران

---

علیهم السلام بهتر از تشرّف باشد؛ زیرا هر کجا که باشیم آن حضرت می‌بیند و می‌شنود، و عبادت در زمان غیبت افضل از عبادت در زمان حضور است؛ و زیارت هر کدام از ائمه اطهار علیهم السلام مانند زیارت خود حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در محضر بهجت، ج ۱، شماره ۲۷۷. و نیز فرموده‌اند: «آیا درست است که ما راحت بنشینیم و نظاره‌گر باشیم و برادران و خواهران ایمانی ما در دست ظالمان گرفتار باشند؟! ... آیا می‌شود رییس و مولای ما حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف معزول باشد، و ما خوشحال باشیم؟!» همان، ج ۲، شماره ۲۶۷.



۴. دشمنی با امام  
زمان (عج) بعد از  
ظهور

و در نهایت، بدترین اثر منفی نگاه عامیانه، تأثیری است که ممکن است در عاقبت به خیری منتظران داشته باشد. به عبارت دیگر، ممکن است منتظرانی که عامیانه به موضوع منجی و مهدویت نگاه می‌کنند، بعد از ظهور، جزو دشمنان امام زمان (ع) قرار بگیرند. کما اینکه در روایات هم به این مطلب تصریح شده است که بعضی‌ها در برابر آن حضرت می‌ایستند و می‌گویند: «ایشان امام زمان نیست، ایشان نمی‌تواند فرزند پیغمبر باشد»<sup>۱</sup> در حالی که قبلاً به نوعی انتظار حضرت را می‌کشیدند.

چرا کسانی که قبلاً انتظار حضرت را می‌کشیده‌اند، بعد از ظهور به مخالفت با ایشان برمی‌خیزند؟ چون آنها یک تصور خیالی و موهوم از امام زمان (ع) داشته‌اند و زمانی که وجود واقعی و نازنین حضرت را می‌بینند که با

چگونه کسانی که  
قبلاً منتظر حضرت  
بوده‌اند، دشمن او  
می‌شوند؟

---

۱. عن الباقر (ع): «... حَتَّى يَقُولَ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ لَيْسَ هَذَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ...» غیبت نعمانی، ص ۲۳۱. امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که قائم خروج می‌کند کسی که بنظر خویش از اهل این کار بود از این کار بیرون می‌رود و کسی که همانند پرستندگان آفتاب و ماه است در این کار داخل می‌شود؛ إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ خَرَجَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَرَى أَنَّهُ مِنْ أَهْلِهِ وَ دَخَلَ فِي سُنَّةِ عَبْدَةِ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ» غیبت نعمانی، ص ۳۱۷. روایات مشابه دیگری که بر مخالفت برخی از اهالی جبهه حق با آن حضرت دلالت دارد در پاورقی صفحه ۳۷ ذکر شد.

آن تصویر خیالی آنها سازگاری ندارد، با ایشان مخالفت می کنند. کسانی که نگاه عامیانه دارند و در این نگاه عامیانه شان تصلب پیدا کرده اند، به حدی که برخی رگه های انحراف در آنها مشاهده می شود، نه تنها به درد حضرت نمی خورند، بلکه بعد از حضور حضرت موجب دردمندی او هم خواهند شد.<sup>۱</sup>

این گروه به ویژه به این دلیل که از قبل هم اطلاعاتی داشته اند، دیگر خودشان را صاحب ادعا می دانند؛ مثلاً می گویند: «نه، ایشان امام زمان نیستند؛ ما می دانیم، ما

---

۱. «فضیل می گوید از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: هنگامی که قائم ما قیام کند، بیش از آنچه که پیامبر با جهل و نادانی جاهلیت روبرو شد، با جهل و نادانی مردم روبرو خواهد شد. عرض کردم: چگونه چنین است؟ فرمود: وقتی رسول الله (ص) به سوی مردم آمد، آنها سنگ و صخره و چوب و مجسمه های چوبی را می پرستیدند اما هنگامی که قائم ما قیام کند، مردم کتاب خدا را برای او تاویل می کنند و با استدلال به آن در برابر امام می ایستند؛ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ، اسْتَقْبِلَ مِنْ جَهْلِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَ مِنْ جَهَالِ الْجَاهِلِيَّةِ. قُلْتُ: وَ كَيْفَ ذَاكَ؟ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَ أَتَى النَّاسَ وَ هُمْ يَعْبُدُونَ الْحِجَارَةَ وَ الصُّخُورَ وَ الْعِيدَانَ وَ الْخَشَبَ الْمَنْحُوتَةَ، وَ إِذَا قَائِمَنَا إِذَا قَامَ، أَتَى النَّاسَ وَ كُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ يَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِه» غیبت نعمانی، ص ۲۹۶.

می‌شناسیم، ما منتظر بودیم، حالا هم ما هستیم که تشخیص می‌دهیم که آیا ایشان همان آقا هستند یا خیر.»

البته بعضی از افراد هم به دلیل خودساخته نبودن و تعارض فرمان‌های حضرت با منافعشان، که این تعارض هم می‌تواند به نوعی ریشه در همان تصور اشتباه نسبت به منجی داشته باشد، با حضرت مخالفت می‌کنند.

کما اینکه در مورد یهودیان مدینه نیز همین اتفاق افتاد. یهودیان مدینه نیز تا پیش از بعثت رسول اکرم(ص)، مدام به اهل مدینه فخر می‌فروختند که پیامبر موعود خواهد آمد و نشانه‌هایش هم چنین و چنان است. اما همین‌که دعوت پیامبر به مدینه رسید و تعدادی از اهالی مدینه اسلام آوردند، بنای مخالفت را گذاشتند و بهانه آوردند که: «این فرد، آن پیامبر موعود نیست.»<sup>۱</sup>

بعضی‌ها به دلیل منافعشان مخالفت می‌کنند

مخالفت یهودیان منتظر با رسول خدا(ص)

---

۱. «وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ، فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ؛ و هنگامی که از طرف خداوند، کتابی برای آنها(یهود) آمد که موافق نشانه‌هایی بود که با خود داشتند، و پیش از این، نوید پیروزی بر کافران می‌دادند (که با کمک پیامبر موعود، بر دشمنان پیروز گردند). اما هنگامی که این کتاب، و پیامبری را که از قبل شناخته بودند نزد آنها آمد، به او کافر شدند، لعنت خدا بر کافران باد!» سوره بقره، آیه ۸۲.

البته این «مخالفتِ پس از موافقت» نیز، ریشه در همان تصویرهای اشتباهی داشت که یهودیان نسبت به پیامبر موعود داشتند. آنها تصور می کردند پیامبر موعود از میان آنها برانگیخته خواهد شد و یا لاقبل به آنها نزدیک خواهد بود. آنها هرگز تصور نمی کردند که ظهور او مشکلی برای منافع آنها ایجاد کند. اگر آنها تصویر درستی از پیامبر آخرالزمان داشتند، شاید پیش از آمدنش هم خود را برای مخالفت و دشمنی با او مهیا می کردند.

در خصوص مهدی موعود هم، چون نگاه بعضی از مدعیان انتظار، نگاه نادرستی است و تصور اشتباهی از منجی دارند، بعد از ظهور حضرت نمی توانند با ایشان کنار بیایند. آنها وقتی امام زمان را می بینند، درمی یابند که هرگز منتظر چنین کسی نبوده اند. این به دلیل ذهنیت اشتباهی است که داشته اند و این ذهنیت نادرست، تنها به این دلیل برایشان پدید آمده است که عالمانه به موضوع منجی نگاه نمی کرده اند.

اگر بخواهیم آثار منفی تک تک آن نگاه های عامیانه را ذکر کنیم بحث به درازا خواهد کشید. اما یکی دیگر از موارد مهمی که ذکرش لازم است، این است که اگر اعتقاد ما به معجزات ظهور و مطلق دیدن آن در اصلاح امور، در

نگاه عامیانه به معجزات هنگام ظهور= زیر سؤال رفتن کارآمدی دین

حد و اندازه‌های نگاه عامیانه که مشخصاتش قبلاً ذکر شد. باقی بماند، اساس کارآمدی دین و اعتقادات دینی ما زیر سؤال خواهد رفت. به این معنا که عده‌ای خواهند گفت: «دیدید دین خدا اجرایی نبود؟ دیدید کار هیچ کدام از پیامبران نگرفت؟ و نتوانستند مردم را در زیر پرچم توحید و ایمان به خدا جمع کنند و یک حکومت فراگیر و ماندگار برپا کنند؟ آخر سر هم خدا آمد و با معجزه همه چیز را درست کرد.»

آیا واقعاً امام زمان(ع) می‌آیند که بگویند: «ای انسان! ما از آدم شدن تو ناامید شده‌ایم، لذا خودمان با یک عنایت معنوی، قلب تو را منقلب می‌کنیم؟» آیا واقعاً این گونه است؟ پس اینکه مردم تا به حال این همه زجر می‌کشیدند تا خودسازی کنند، کار بیهوده‌ای انجام می‌دادند؟ در حالی که همان‌طور که پیشتر هم اشاره شد، خیلی طبیعی است که مسأله ظهور و اقبال مردم به حکومت آن حضرت و تداوم این اقبال، نباید پدیده‌ای خارج از قواعد و سنن الهی باشد. اگر قرار باشد این اقبال و تداوم آن، با معلق شدن برخی از قواعد و سنن الهی به وجود بیاید، آن‌گاه معلوم می‌شود که اساساً دین خدا، ظرفیت اجرایی شدن در قالب همین قواعد و سنت‌های طبیعی را که تاکنون در عالم برقرار بوده، ندارد

ظهور، پدیده‌ای  
خارج از قواعد و  
سنن الهی نیست

و در نتیجه از همین الان غیر عملی بودن احکام خدا به اثبات خواهد رسید.

البته در یک تحلیل عالمانه از مسأله ظهور، همه قواعد طبیعی حیات بشر که یقیناً عنصر «معنویت» هم در اوج آن جای دارد، در نظر گرفته خواهند شد. عنصر «معجزه» هم در یک گوشه‌ای از آن منظومه جایگاهی دارد. عنصر «نصرت الهی» و عنصر «عنایت معنوی حضرت» هر کدام جایگاه خودشان را دارند، نمی‌خواهیم اینها را رد کنیم. این نیست که امام زمان(ع) از عنایت معنوی و اثر معجزه‌آسا در نگاه و کلام برخوردار نباشند. عنایت معنوی هم جزء همین ساز و کار طبیعی است. منتها باید تئوری‌های علمی آن را استخراج کنیم و تبیین درستی از اینکه مثلاً «چگونه یک رهبر الهی با نورش جامعه را نجات می‌دهد» داشته باشیم و جایگاه و نقش این نور را در آن مجموعه و منظومه تمام عواملی که همگی در کنار یکدیگر باعث نجات جامعه می‌شوند، روشن کنیم. به‌ویژه که ما فراموش نمی‌کنیم که با وجود حضور نورانی و بی‌مانند رسول خدا(ص) و سپس امیرالمؤمنین(ع) و دیگر امامان، به دلیل فراهم نبودن عوامل دیگر، هیچ‌گاه آن حکومت نمونه و نجات‌بخش به طور کامل مستقر نشد و تداوم نیافت.

در یک نگاه عالمانه، باید همه عوامل را در کنار هم دید

## علاقه عامیانه

غیر از «نگاه عامیانه» می توان از «علاقه عامیانه» نیز سخن گفت. البته باید بین این دو تفاوت قائل بود. تا اینجا به برخی از مصادیق نگاه عامیانه در مورد انتظار و برخی آثار سوء آنها اشاره شد. علاقه عامیانه نیز، اگرچه قابل احترام تر است، ولی ممکن است دچار آسیب هایی گردد که بعضاً جبران ناپذیر هم هستند.

منظور از علاقه عامیانه، علاقه های سطحی و یا بدون پشتوانه ای است که هر لحظه در معرض از بین رفتن قرار دارد. گاهی از اوقات می توانیم تعبیر علاقه های عامیانه را در مواردی استفاده کنیم که علاقه ای بر مبنای نظری غلط و شناخت ناصحیح استوار شده باشد. طبیعتاً این مبنای غلط ناشی از همان نگاه عامیانه است که ذکر شد.

اصطلاح «علاقه عامیانه» در روایتی به صراحت مورد استفاده قرار گرفته و نکوهش شده است؛ آنجا که امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «مَوَدَّةُ الْعَوَامِّ تَنْقَطِعُ كَانْقِطَاعِ السَّحَابِ، وَتَنْقَشُ كَمَا يَنْقَشُ السَّرَابُ؛ دوستی عوام و عامیانه بریده

علی (ع): علاقه عامیانه پایدار نیست

می‌شود مانند بریده شدن ابر، و زایل می‌شود چنان‌که سراب زایل می‌شود.<sup>۱</sup> در این کلام شریف، به مهم‌ترین آسیب علاقه‌های عامیانه که قطع‌شدنی بودن آن است، اشاره شده است.

اما جای نگاه مثبت به این‌گونه علاقه‌ها هم هست؛ آنجا که علاقه عامیانه به معنای یک علاقه فطری طبیعی و هرچند ابتدایی گرفته شود. در بسیاری از عوام، ارادت و معرفت آنها نسبت به اولیای الهی، با همین نوع علاقه آغاز می‌شود. علاقه‌های فطری و ابتدایی موجود در جان جامعه را باید محترم شمرد. اینها سرمایه‌های لازم برای ارتقای همان علاقه‌ها و اعتقادات و علامت سلامت و صفای باطن افراد هستند. باید هم‌زمان، هم آن علاقه باصفای عامیانه را که در میان خیلی‌ها رواج دارد، تحسین و حتی در بین اهلس ترویج نمود؛ و هم آن علاقه‌ها را با نگاه عالمانه تعمیق کرد و افزایش داد. چرا که گاهی این‌گونه علاقه‌ها آغاز یک شور و شعور عمیق هستند و نباید به‌سادگی از کنار آنها گذشت و آنها را بی‌مقدار شمرد.

نگاه مثبت به علاقه  
عامیانه/ لزوم تحسین  
علاقه‌های ابتدایی و  
فطری

---

۱. غرالحکم، حدیث ۱۱۲۹.



هر کم سوادى جزء  
عوام نيست

گاهی از اوقات نیز علاقه‌های عموم مردم با قضاوتی ناصحیح دست کم گرفته می‌شوند، در حالی که در میان عوام، افرادی با معرفت‌های عمیق و ایمان راسخ پیدا می‌شوند که نخبگان حسرت آن را دارند. روشن است که آنهایی را که به‌ظاهر از سواد و معلومات کافی برخوردار نیستند، نباید عوام بدانیم و علاقه‌های آنها را نباید در زمره علاقه‌های عامیانه و انقطاع‌پذیر تلقی کنیم.

نگاه عالمانه، به  
معنای نفی رابطه  
عاطفی نیست

از طرف دیگر، نباید تصور کرد که اگر به مباحث عقلانی و علمی در موضوع مهدویت و امام زمان(ع) پرداخته می‌شود، به این معنی است که برخورد عقلانی در این عرصه، در مقابل برخورد عاطفی با موضوع امام زمان(ع) است. این اشتباه است که ما این دو موضوع را مقابل یکدیگر تلقی کنیم. کما اینکه بعضی‌ها با کوتاه‌نظری، در کنار توصیه به برخورد علمی با موضوع امام زمان(ع)، موج عاطفی‌گرایی به امام زمان(ع) را، مورد هجمه قرار می‌دهند و اساساً گرایش عاطفی به امام زمان(ع) را امری غیر اصیل و کم‌ارزش تلقی می‌کنند. در حالی که، نه می‌توان این موج عاطفی را خاموش کرد و نه اساساً چنین چیزی مطلوب است.

نه تنها برخورد عالمانه و عاقلانه با موضوع منجی، هیچ‌گونه منافاتی با گرایش عاطفی به امام زمان(ع) ندارد، بلکه هنگامی که عقل‌ها روشن شوند، عاطفه‌ها هم شعله و رتر خواهد شد؛ و معرفت، مایهٔ تحکیم و تعمیق همین رابطهٔ عاطفی قرار خواهد گرفت؛ و آن را از سطح عامیانه ارتقا خواهد داد.

رشد عقل، شعله‌ور شدن عاطفه را به دنبال دارد

یک وقت تصور نشود که فهمیدن عقلانی و منطقی امام زمان(ع)، کلاسش بالاتر از گریه کردن است. اگر کسی فهمش دربارهٔ امام زمان(ع) بالا رفت، به جای اشک، خون گریه خواهد کرد. فکر نکنیم اگر عالم شدیم، گریه را کنار می‌گذاریم؛ دعای ندبهٔ عوام را کنار می‌گذاریم. نه، اتفاقاً اگر عالم شویم، تازه دعای ندبه‌خوان می‌شویم، تازه می‌فهمیم برای چه باید گریه کنیم. این اثر عجیب معرفت است.

گاهی برخی از سر ناآگاهی می‌گویند: «آقا! گریه برای امام زمان بس است. حالا دیگر نوبت معرفت است.» غافل از اینکه اگر معرفت بالا برود، اشک هم زیاد می‌شود. لذا اگر کسی آگاهی پیدا کرد، اما اشک و سوز و آهش بیشتر

علم، خشیت را افزایش می‌دهد/ علم بدون اشک نشانهٔ ضعف انسانیت

نشد، باید در آدمیت و انسانیت خود تردید کند. این یک اصل مهم است که علم، خشیت را افزایش می‌دهد؛<sup>۱</sup> به همین دلیل است که خداوند متعال می‌فرماید: «فقط بندگان عالم خدا هستند که از خدا خشیت دارند.»<sup>۲</sup>

منتها بخشی از این رابطه عاطفی که ابتدائاً پدید می‌آید، نتیجه فطرت‌های سالم است و بخشی از آن، نتیجه آگاهی‌های کلی و ابتدایی است که ممکن است برخی از این آگاهی‌ها، سطحی هم باشند. سخن در این است که باید این آگاهی‌های کلی و ابتدایی تفصیل و تکامل پیدا کند، تا آن رابطه عاطفی پایدار شود و در این سطح حداقلی باقی نماند.

حتی باید گفت این سطح متوسط رابطه عاطفی موجود در جامعه با امام زمان(ع)، آن‌چنان‌که باید باشد نیست. وضعیت موجود، بسیار پایین‌تر از حد مطلوب و

رابطه عاطفی جامعه با امام زمان(عج) بسیار پایین‌تر از سطح مطلوب است

---

۱. امیرالمؤمنین علی(ع): «إِذَا زَادَ عِلْمُ الرَّجُلِ زَادَ أَدْبُهُ وَ تَضَاعَفَتْ خَشِيَّتُهُ لِرَبِّهِ؛ چون دانش آدمی فزونی گیرد، ادبش افزون می‌شود و ترسش از پروردگارش دو چندان می‌گردد.» غرر الحکم، حدیث ۷۹۱. و نیز آن حضرت فرموده‌اند: «سَبَبُ الْخَشْيَةِ الْعِلْمُ؛ سبب ترس و خشیت [از خداوند] علم است.» همان، حدیث ۷۸۷.

۲. إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاء. سوره فاطر، آیه ۲۸.

مورد انتظار است. این موج بسیار لذت بخشی که الحمدلله برای دعای ندبه‌ها در کشور ما به راه افتاده، تازه آغاز راه است نه سرانجام راه. معلوم نیست ما از نقطه صفر چقدر فاصله گرفته باشیم. بله، از نقطه صفر عبور کرده‌ایم و دیگر منفی نیستیم، اما تا نقطه مطلوب هم خیلی فاصله داریم.

درست است که دعای ندبه خواندن‌ها آغاز شده و مراسم‌های دعای ندبه رونق گرفته است، ولی آن دعای ندبه‌ای که باید برای امام زمان(ع) خوانده شود و به محبت بسیار بالایی احتیاج دارد، که در خود دعا هم اشاره‌های روشنی به آن شده است،<sup>۱</sup> با این دعای ندبه‌هایی که ما

---

۱. «إِلَى مَتَى أَحَارُ فَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَ إِلَيَّ مَتَى وَ أَيْ خَطَابُ أَصْفُ فَيْكَ وَ أَيْ نَجْوَى عَزِيْزٍ عَلَيَّ أَنْ أَجَابَ دُونَكَ وَ أَنَاغَى عَزِيْزٍ عَلَيَّ أَنْ أُبْكِيكَ وَ يَخْذُلُكَ الْوَرَى عَزِيْزٍ عَلَيَّ أَنْ يُجْرِي عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَاطِيلٌ مَعَهُ الْعَوِيلُ وَ الْبُكَاءُ ... هَلْ قَدَيْتَ عَيْنٌ فَسَاعَدَتْهَا عَيْنِي عَلَيَّ الْقَدَى ... مَتَى نَنْتَفِعَ مِنْ عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى؛ تا کی سرگردان تو باشم ای مولای من؟ و تا کی و تا کی و به چه زبانی وصف تو گویم و راز دل کنم؟ گران و ناگوار است بر من که پاسخ از دیگری جز تو بشنوم و گفتگو کنم، گران است بر من که بر تو بگریم ولی مردم تو را واگذارند ... آیا کمک‌کاری هست که با او فریاد و گریه را طولانی کنم؟ ... آیا چشمی هست که خوار فراق در آن خلیده و گریان باشد تا چشم پر خار من نیز باریش دهد؟ کی می‌شود که سیراب گردیم از آب و وصل تو که تنشگی ما بداراز کشید؟» اقبال

می‌خوانیم، خیلی متفاوت است. شرح این تفاوت را باید در فرصت دیگری مورد گفت‌وگو قرار داد.

در عین حال، این گرایش ابتدایی به حضرت نیز یک گرایش بسیار معنادار و باارزش است. نام مقدس آقا امام زمان(ع) هر اثر و حلاوتی را در دل‌ها ایجاد کند بسیار قابل احترام است، ولی گلایه از این است که ما بخواهیم این گرایش را در همین حدّ مقدماتی و حداقلی نگه داریم و به آن بسنده کنیم. اینجا است که باید منتظر آسیب‌های عوام‌زدگی باشیم.

اگر کسی عواطف دینی خود را در سطح مقدماتی نگه دارد، در حالی که موقعیت اقتضا دارد که او رشد بیشتری داشته باشد، آن‌گاه چه بسا این ایستایی موجب انحراف او گردد. چنین شخصی ممکن است کم‌کم خودش به مقابله با دین خودش برخیزد؛ چرا که پس از مدت زمانی که از پدید آمدن آن عواطف اولیّه دینی می‌گذرد، مقدماتی و سطحی بودن آن عواطف را لمس می‌کند و در نتیجه سعی می‌کند از این سطحی بودن فاصله بگیرد. آن‌گاه اگر این

چرا باید عواطف  
دینی را رشد دهیم؟

---

الاعمال سیدبن طاووس، ص ۲۹۸، همچنین: مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

فاصله گرفتن، به سمت عمیق شدن جهت پیدا نکند، ممکن است به سمت حذف و مقابله سوق پیدا کند. لذا باید به اعماق و ژرفای عواطف دینی رفت و این گرایش ابتدایی را که به امام زمان(ع) پدید آمده، عمق بخشید. باید مراقب باشیم تا مودت عامیانه کار دستان نهد و در لحظه‌ای که به آن محتاجیم، از دستان نرود.

نمونه‌ای از علاقه‌های عامیانه را می‌توان اهمیت دادن به دیدار حضرت، بدون توجه به ظهور و بدون توجه به فلسفه غیبت و انتظار دانست. کسانی که چنین علاقه‌های عامیانه‌ای دارند، کسانی هستند که خود را مشتاق دیدار حضرت می‌دانند اما نه توجهی به بیرون آمدن حضرت از پرده غیبت دارند و نه به فواید و برکات فراوانی که بر ظهور حضرت مترتب است، اعتنایی دارند. هرچند با چنین علاقه‌ای نیز باید محترمانه برخورد کرد، اما سؤال این است که چگونه می‌توان ادعای عاشقی و تمنای دیدار داشت، ولی به آرمان‌های حضرت بی‌اعتنا بود؟

حضرت آیت‌الله بهجت(ره) می‌فرماید:

«آیا می‌شود رییس و مولای ما حضرت ولی عصر(ع)

محزون باشد، و ما خوشحال باشیم؟! او در اثر ابتلای دوستان، گریان باشد و ما خندان و خوشحال باشیم، و در

نمونه‌ای از علاقه‌های عامیانه: اشتیاق دیدار بدون توجه به فلسفه غیبت و انتظار

کلام آیت‌الله بهجت(ره)

عین حال خود را تابع آن حضرت بدانیم؟!<sup>۱</sup> «اشخاصی را می‌خواهند که تنها برای آن حضرت باشند. کسانی منتظر فرج هستند که برای خدا و در راه خدا منتظر آن حضرت باشند، نه برای برآوردن حاجات شخصی خود!»<sup>۲</sup> «تنها پیدا کردن و دیدن حضرت مهم نیست ... هر کدام در فکر حوایج شخصی خود هستیم، و به فکر آن حضرت - که نفعش به همه برمی‌گردد و از اهمّ ضروریات است - نیستیم!»<sup>۳</sup>

این آدم‌ها که تنها مشتاق «دیدن» حضرت هستند و به مصائب عالم بشریت و رسالت آن حضرت کاری ندارند، معمولاً گرهی از کار حضرت باز نمی‌کنند. هرچند ممکن است در صورتی که صادق باشند، حضرت به درد ایشان بخورد.

در دعای ندبه صدا می‌زنیم:

تقاضای دیدار در  
دعای ندبه، فردی  
نیست

«مَتَى تَرَانَا وَ تَرَاكَ، وَ قَدْ نَشَرْتَ لَوَاءَ النَّصْرِ تُرِي؟ أَتَرَانَا نَحْفُؤُ  
بِكَ وَ أَنْتَ تَأْمُمُ الْمَلَأُ، وَ قَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا؟ كَيْ مَي شُود كِه تُو

- 
۱. در محضر بهجت، ج ۲، شماره ۲۶۷
  ۲. در محضر بهجت، ج ۲، شماره ۲۷۶
  ۳. در محضر بهجت، ج ۲، شماره ۲۶

ما را ببینی و ما تو را ببینیم، در حالی که پرچم نصرت و پیروزی را برافراشته باشی و همه آن را ببینند؟ آیا می شود روزی را ببینیم که گرداگردت را گرفته باشیم، در حالی که تو امام و رهبر مردم باشی و زمین را پر از عدل و داد کرده باشی؟<sup>۱</sup>

یعنی عاشق دیدن توام، در حالی که تو امام هستی و حاکمیت جهانی داری. نه اینکه کاش من بتوانم تو را در یک گوشه ای ببینم. هرچند باید اذعان کرد که معمولاً اشتیاق دیدار حضرت، ولو به صورت فردی، در هر دلی قرار بگیرد، آن دل به ظهور و نجات عالم هم اشتیاق پیدا خواهد کرد و این دو لازم و ملزوم یکدیگر هستند، اما در مقام تبلیغ یکسویه برای دیدار امام زمان(ع)، رهنمی هایی انجام می گیرد که نیاز به هوشیاری دارد.

---

۱. اقبال الاعمال سیدبن طاووس، ص ۲۹۸، همچنین: مفاتیح الجنان، دعای ندبه.



در دعای سلامتی  
حضرت هم اصلاً  
تقاضای دیدار نیست

در دعای سلامتی آقا امام زمان هم همین قصه وجود دارد:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبَائِهِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَحَافِظًا، وَقَاعِدًا وَنَاصِرًا، وَدَلِيلًا وَعَيْنًا، حَتَّىٰ تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا؛

خدایا! برای ولیّ خود، حجّت بن الحسن، که دروذهای تو بر او و بر پدرانش باد، در این ساعت و در هر ساعت، ولیّ و نگهبان، و رهبر و یاور، و راهنما و دیده‌بان باش، تا اینکه او را از روی میل و رغبت مردم، در روی زمین سکونت دهی و زمانی دراز او را بر روی زمین بهره‌مند سازی.<sup>۱</sup>

در این دعای مشهور، اصلاً برای دیدن حضرت دعا نمی‌کنیم، برای سلامتی حضرت دعا می‌کنیم. دعا می‌کنیم حضرت سلامت باشند، تا اینکه فرج ایشان برسد و از حکومتشان بهره‌مند گردند. این اوج یک خلوص عاشقانه و عارفانه است، که دیگر خود را در نظر نمی‌گیرد و تنها محبوب خود را مد نظر قرار می‌دهد.

---

۱. کافی، ج ۴، ص ۱۶۲.

در دعای عهد هم، که مستحب است هر روز صبح خوانده شود و حضرت امام(ره) معتقد بودند خواندن آن در سرنوشت انسان تأثیر دارد،<sup>۱</sup> قبل از اینکه تقاضای دیدار کند و صدا بزند:

«اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلِعَةَ الرَّشِيدَةَ؛ خدایا! آن صورت زیبا را به من نشان بده.»<sup>۲</sup>

بلافاصله قبلش دعا کرده:

«اللَّهُمَّ اِنْ حَالِ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ ... فَاخْرِجْنِي مِنْ قُبْرِي مُؤْتَرّاً كَفْتَنِي، شاهراً سِنْفِي، مُجَرِّداً قَنَاتِي؛ خدایا! اگر هم مُردم، من را زنده کن تا پای رکابش پیکار کنم.»

یعنی آن چیزی که برای من مهم است، رکاب حضرت است، حکومت حضرت است، حاکمیت حق است. همین معنا در بخش های دیگر دعای عهد و همچنین دعاهاى دیگر مربوط به آن حضرت کاملاً مشهود است.

۱. برداشت هایی از سیره امام خمینی، ج ۳، ص ۴۲. برای تفصیل مطلب

نگاه کنید به پاورقی صفحه ۲۲۶

۲. مفاتیح الجنان، دعای عهد. و نیز: مصباح کفعمی، ص ۵۵۰.

## علاقه عاشقانه

عشق در ادبیات  
فارسی جنبه معنوی  
و عرفانی دارد

«عشق» واژه‌ای است که در ادبیات کهن فارسی، اکثراً به محبت شدید اطلاق می‌شود. و معمولاً چنین محبتی بیشتر جنبه معنوی و عرفانی دارد تا جنبه زمینی و مادی؛ چرا که علائق مادی و زمینی معمولاً آن‌چنان اوج نمی‌گیرند و یا اگر اوج هم بگیرند، فرود آمدنشان بسیار سریع اتفاق می‌افتد. بنابراین خوب است ما هم این لفظ را در غیر از این معنا استفاده نکنیم. حتی در روابط عاطفی عادی نیز از به کار بردن آن اجتناب کنیم.

صرف‌نظر از معنای لغوی لفظ عشق در زبان عربی، وقتی به ترجمه عشق در ادبیات غنی و عارفانه فارسی نگاه می‌کنیم، آن را اصطلاحی برای محبت شدید می‌یابیم که شاخص اصلی آن، از خودگذشتگی است. اگر محبتی آن قدر زیاد شود که اصرار بر فدا شدن برای معشوق را در پی داشته باشد، آن‌گاه عاشقی پدید آمده است. به این ترتیب یکی از بهترین کاربردهای این لفظ، علاقه شدیدی است که می‌توان به امام زمان ارواح‌ناله‌الهداء داشت.

صرف نظر از اینکه نمی شود به امام زمان، «کم» علاقه داشت و هر کسی با آن حضرت ارتباط قلبی و عاطفی برقرار کند به مرور زمان به محبت شدید او گرفتار خواهد شد، اساساً ما نیازمندیم که به کسی عاشقانه مهر بورزیم و با عشق او، زندگی و وجود خود را گرم کنیم. این محبت خیلی شدید، به کسی جز امام زمان (ع) نمی تواند تعلق بگیرد، و به ایشان هم نمی تواند که تعلق نگیرد. یعنی نه می توان کسی را به اندازه او دوست داشت و نه می توان او را به این اندازه دوست نداشت. اگر محبت ما به آن حضرت تا این حد شدید نیست، معلوم می شود که ما در روح خودمان مشکل داریم. و الا او دوست داشتنی تر از این حرف ها است.

از آنجایی که محبت شدید جز از راه معرفت، عمل صالح و ایمان قاطع به دست نمی آید، پس مهم ترین راه جلوگیری از آسیب های علاقه عامیانه، علاقه عاشقانه داشتن به آن حضرت است. بنابراین تنها راه نجات از عوام زدگی عاطفی را باید در علاقه عاشقانه به امام زمان (ع) جست و جو کرد. چون کسی که عزم عاشق شدن می کند و از خود، انتظار علاقه عاشقانه به حضرت دارد، مجبور است

ضرورت علاقه عاشقانه به امام زمان (ع):  
۱. ما نیازمندیم به کسی عاشقانه مهر بورزیم

۲. علاقه عاشقانه، مهم ترین راه جلوگیری از آسیب های علاقه عامیانه

به تقویت بنیان‌های این عشق پردازد و علم و عمل کافی برای این منظور را به دست بیاورد.

اساساً یکی از مهم‌ترین شاخص‌های علاقه عامیانه، سطحی بودن و کم بودن آن است، که نتیجه طبیعی بی‌معرفتی‌ها و بی‌تقوایی‌هاست. برای پرهیز از آسیب‌های محبت باید آن را افزایش داد. که فرمود: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ؛ آنان که ایمان آورده‌اند، محبت و عشقشان به خدا بیشتر و قوی‌تر است.»<sup>۱</sup>

تا اینجا به دو ضرورت و فایده برای لزوم علاقه عاشقانه به امام زمان(ع) اشاره کردیم. یکی نیاز ما به این محبت شدید برای گرمابخشی به زندگی خودمان بود؛ و دیگری کارکرد علاقه عاشقانه، به عنوان مهم‌ترین راه برای جلوگیری از آسیب‌های علاقه عوامانه به حضرت و تنها راه نجات از عوام‌زدگی در ارتباط با ایشان بود. پیش از اینکه به یکی دو فایده مهم دیگر هم اشاره کنیم، جا دارد به ضرورت دوم، که نیاز خودمان به این علاقه عاشقانه به امام زمان(ع) بود، کمی بیشتر پردازیم.

جمع‌بندی

---

۱. سوره بقره، آیه ۱۶۵.

ما نیازمندیم با عشق زندگی کنیم. با عشقی که بتواند انگیزه‌ای قوی برای تمام اجزای زندگی ما باشد. به دلیل آن درس بخوانیم، کار کنیم، تشکیل زندگی بدهیم و... اگر چنین عشقی پشت سر انگیزه رفتارهای ما نباشد زود دلسرد می‌شویم، از آسیب‌های فراوان زندگی که تعدی به حقوق دیگران و تجاوز از فرمان‌های الهی است، در امان نخواهیم بود، اخلاقمان بد می‌شود و تعادل روحی نخواهیم داشت.

هر کسی به خاطر مدرک تحصیلی درس بخواند، هر کس به عشق مال، به عشق جاه، به عشق دنیا و... درس بخواند، به جای اینکه با این درس خواندن قلبش نورانی شود، رفته‌رفته قلبش مکدر و سیاه خواهد شد. این ما حاصل بسیاری از روایات و سخنان علمای اخلاق است.<sup>۱</sup>

توضیح بیشتر در مورد نیاز ما به عشق:

انگیزه‌های سطحی قلب انسان را مکدر می‌کند

---

۱. به چند نمونه اشاره می‌شود: رسول خدا(ص) فرمودند: «ارزش هر عملی به نیت آن است؛ إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۸۳ و فرمودند: «هر کسی علمی بیاموزد برای این که با نادانان مجادله کند، یا بر دانایان فخر بفروشد، یا توجه مردم را به سوی خود جلب کند، جایگاهش دوزخ باشد؛ مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا لِيَمَارَى بِهِ السُّفَهَاءَ أَوْ لِيُبَاهِيَ بِهِ الْعُلَمَاءَ أَوْ لِيُقْبَلَ بِوُجُوهِ النَّاسِ إِلَيْهِ فَهُوَ فِي النَّارِ» عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۰۷. و در روایتی دیگر فرمودند: «با علم را فرا بگیرد برای اینکه نظر مردم را متوجه خود کند تا او را بزرگ

بدارند، پس خود را برای دوزخ آماده کند؛ أَوْ يَصْرِفُ وُجُوهَ النَّاسِ إِلَيْهِ لِيُعْظَمُوهُ فَلْيَتَّبِعُوا مَعَهُ مِنَ النَّارِ» تحف العقول، ص ۴۳.

در روایت عبرت‌آموز دیگری نیز رسول خدا(ص) فرمودند: «هر که دانش را برای خدا بیاموزد، به هیچ بابی از آن نرسد مگر این که بیش از پیش خود را حقیرتر بیند، با مردم افتاده تر شود، ترسش از خدا بیشتر گردد و در دین کوشا تر شود. چنین کسی از علم بهره مند می‌شود. پس، باید آن را بیاموزد. اما کسی که دانش را برای دنیا و منزلت یافتن نزد مردم و موقعیت یافتن نزد سلطان و حاکم فرا گیرد، به هیچ بابی از آن نرسد مگر این که خود بزرگ بین تر شود و بر مردم بیشتر بزرگی فروشد و از خدا بیشتر غافل شود و از دین بیشتر فاصله گیرد. چنین کسی از دانش سود نمی‌برد؛ بنا بر این، باید [از تحصیل دانش] خودداری ورزد و علیه خود حجت و پشیمانی و رسوایی در روز قیامت فراهم نیاورد؛ مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِلَّهِ لَمْ يُصِبْ مِنْهُ بَابًا إِلَّا أَرْزَادَ فِي نَفْسِهِ ذَلًّا وَ فِي النَّاسِ تَوَاضَعًا وَ لِلَّهِ خَوْفًا وَ فِي الدِّينِ اجْتِهَادًا وَ ذَلِكَ الَّذِي يَنْتَفِعُ بِالْعِلْمِ فَلْيَتَعَلَّمْهُ وَ مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِلدُّنْيَا وَ الْمُنْزَلَةَ عِنْدَ النَّاسِ وَ الْخُطُوبَةَ عِنْدَ السُّلْطَانِ لَمْ يُصِبْ مِنْهُ بَابًا إِلَّا أَرْزَادَ فِي نَفْسِهِ عِظَمَةً وَ عَلَى النَّاسِ اسْتِظَالَهَ وَ بِاللَّهِ اغْتِرَارًا وَ مِنَ الدِّينِ جَفَاءً فَذَلِكَ الَّذِي لَا يَنْتَفِعُ بِالْعِلْمِ فَلْيَكْفُ وَ لِيُمْسِكْ عَنِ الْحُجَّةِ عَلَى نَفْسِهِ وَ النَّدَامَةَ وَ الْخِزْيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.» میزان الحکمه، حدیث ۱۳۶۹، و روضه الواعظین، ج ۱، ص ۱۱.

امیرالمؤمنین نیز فرمودند: «از علم هر آنچه که برایتان پیش می‌آید فرا گیرید و زندهار که آن را برای چهار کار بیاموزید: برای فخر فروشی بر علما، یا ستیزه کردن با نادانان، یا خودنمایی در مجالس، یا جلب کردن توجه مردم به خود و ریاست کردن بر آنها؛ خذُوا مِنَ الْعِلْمِ مَا بَدَأَ لَكُمْ وَ إِيَّاكُمْ أَنْ تَطْلُبُوهُ لِحِصَالِ أَرْبَعٍ لِيُبَاهُوا بِهِ الْعُلَمَاءُ أَوْ تَمَارُوا بِهِ

باید به یک عشقی درس خواند و زندگی کرد که آن عشق بتواند جای این انگیزه‌های رایج و معمولی را بگیرد.

از طرفی بالاخره ما هم تفریح می‌خواهیم؛ باید شاد باشیم. بهترین نوع تفریح و تفریح روح هم، آن است که کسی را عمیقاً دوست داشته باشیم، به‌صورتی که این دوست داشتن تمام وجودمان را پُر کند و آتشان بزند. اگر حرارت عشق و محبت، وجود کسی را آتش نزند، می‌رود پای آتش منقل می‌نشیند. کسی که وجودش را شراب محبت و ایمان گرم نکند، به شراب انگور پناه می‌آورد. چه چیزی می‌خواهد وجود تو را آتش بزند؟ چه چیزی می‌خواهد انرژی جوانی تو را به کار بگیرد؟

ما ابله هم نیستیم تا بی‌دلیل به کسی تا این حد علاقه‌مند شویم. کمبود محبت هم که نداریم تا فریب علاقه‌های اندک را بخوریم و آنها را زیاد تصور کنیم. پس عشق به‌سادگی به دست نمی‌آید. اما عاشق شدن، خیلی برای انسان‌ها مهم و ارزشمند است. مردم در آرزوی رسیدن به چنین علاقه‌های عاشقانه‌ای است که پای

اما بالاخره ما هم تفریح نیاز داریم

عشق به‌سادگی به دست نمی‌آید، ولی عاشق شدن نیازی ضروری است

---

السُّهَاءُ أَوْ تَرَأَوْا فِي الْمَجَالِسِ أَوْ تَصْرِفُوا وَجُوهَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ  
لِلتَّرَوُّسِ» ارشاد مفید، ج ۱، ص ۲۲۹.



فیلم‌های عشقی می‌نشینند و اگرچه به عشق نرسیده‌اند، مدام در حسرت آن، ترانه‌های عاشقانه زمزمه می‌کنند.

روشن است که یکی از مهم‌ترین راه‌های عاشق شدن و رسیدن به عشق، یافتن معشوق دلبری است که لایق عشق ما باشد. و نه تنها بتواند این عشق را باثبات نگه دارد، بلکه هر لحظه هم بتواند گرمای آن را افزایش دهد. خداوند متعال هم راهی برای عاشق شدن قرار داده و تمهیدی برای آسان کردن دستیابی به عشق اندیشیده است و آن این است که موجود نازنینی به نام «امام» را برای هر عصری قرار داده، تا بتوان به او عشق ورزید؛ و این یکی از مهم‌ترین خاصیت‌های یک امام است.

آخرین امام هم که ما در دوران غیبت او به سر می‌بریم، از این ویژگی سرشار است. امام زمان(ع)، چنان‌که در اشارات و کلمات خود اهل بیت(ع) هم دیده می‌شود، یکی از دوست‌داشتنی‌ترین اولیای خدا هستند.<sup>۱</sup> طبیعی

وجود امام، تمهید  
خداوند برای  
دستیابی ما به عشق

آخرین امام،  
دوست‌داشتنی‌ترین  
اولیای خدا

---

۱. رسول الله(ص): «...پس در این هنگام خداوند مردی از اهل بیت من را می‌فرستد که ساکنین زمین و ساکنین آسمان او را دوست دارند؛ ...فَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي يُحِبُّهُ سَاكِنُ الْأَرْضِ وَ سَاكِنُ السَّمَاءِ» معجم احادیث امام مهدی، ج ۱، ص ۸۴ و شرح احقاق الحق مرعشی نجفی، ج ۱۳، ص ۱۵۲.

است که اگر محبت چنین امامی در دل کسی بیفتد،  
سوزناک‌ترین نغمه‌های عاشقانه را سر خواهد داد.

اگر تمام نامه‌ها و ترانه‌های عاشقانه عالم را جمع  
کنید، اگر هر کسی به هر کسی عشق ورزیده و عشقش را  
در قالب نامه یا ترانه‌ای ابراز کرده، دروغ یا راست، با مبالغه  
یا غیر آن، همه را جمع کنید، و مضامین عاشقانه آنها را  
بررسی کنید، سپس بهترین‌هایش را گزینش کرده، و با  
مضامین دعای ندبه مقایسه کنید، خواهید دید که بلندترین  
مضامین آنها نیز به گرد کلمات عاشقانه این دعا نخواهد  
رسید. مگر کسی می‌تواند به کسی این قدر محبت پیدا کند  
که یک نفر می‌تواند به امام زمان(ع) محبت پیدا کند؟

عاشقانه‌ترین  
ترانه‌های دنیا به گرد  
عبارات عاشقانه  
دعای ندبه نمی‌رسد

---

رسول خدا(ص) در ضمن نقل گفتگوی خود با خداوند در شب  
معراج، می‌فرماید: «پس به جلو رفتم (و نظر کردم)، دیدم علی بن  
ابی طالب و حسن و حسین و ... و حجت قائم مانند ستاره  
درخشانی در وسط آنها بود؛ فَتَقَدَّمْتُ أَمَامِي وَإِذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ  
الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَ... وَالْحُجَّةُ الْقَائِمُ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ فِي وَسْطِهِمْ.  
فَقُلْتُ: يَا رَبِّ مَنْ هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ: هَؤُلَاءِ الْأَئِمَّةُ وَهَذَا الْقَائِمُ يُحِلُّ حَلَالِي وَ  
يُحَرِّمُ حَرَامِي وَ يَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي يَا مُحَمَّدُ أَحِبَّهُ فَإِنِّي أُحِبُّهُ وَأُحِبُّ مَنْ  
يُحِبُّهُ» غیبت نعمانی، ص ۹۳.

اگر کسی عاشق امام  
زمان (عج) نشد، باید  
خودش را سرزنش  
کند

اگر کسی به حضرت این عشق را پیدا نکرد، باید خودش را سرزنش کند. با گفتن زبانی و ادعای الکی هم نمی شود عاشق شد؛ باید به جایی برسیم که از صمیم قلب به امام زمان (ع) بگوییم: «بی همگان به سر شود، بی تو به سر نمی شود/ داغ تو دارد این دلم، جای دگر نمی شود»<sup>۱</sup> اگر در گفته خود صادق نباشیم، فرشته ها در جواب ما می گویند: «تو راست نمی گویی، اصلاً ایشان باشد یا نباشد، تو زندگی ات را می کنی و دلت را هزار جا فرستاده ای. آن قدر دلگرمی های الکی برای خودت درست کرده ای که نوبت به ایشان نمی رسد، چه برسد به اینکه دلت وقف آقا شده باشد.»

۳. نقش عشق به امام  
زمان (عج) در ترویج  
دین

یکی از مهم ترین فواید و ضرورت های این عاشقی آن است که برای ترویج دین، بعد از بیان منطق و عقلانیت دین، باید آتش عشقی را که دین در تو ایجاد کرده، به دیگران نشان بدهی. تا همه ببینند این دینی که داری، چقدر توانسته تو را سرشار کند و چقدر از دینت لذت می ببری؟

---

۱. مولوی، غزلیات دیوان شمس، غزل ۵۵۳.

چقدر از نمازت، از عبادت و ولایت لذت می‌بری، که حالا می‌خواهی دیگران را هم به این دین دعوت کنی؟  
دیگران با زبان بی‌زبانی از شما می‌پرسند: شما که امام زمان را می‌شناسی و به او علاقه داری، مولای تو چقدر وجود تو را تسخیر کرده است؟ این ولایتی که از آن دم می‌زنی، اثرش در تو تا چه حد عمیق بوده است؟ زندگی تو را با دیگران چقدر متفاوت کرده است؟ چقدر بانشاطتر، با انرژی‌تر و با آرامش بیشتری زندگی می‌کنی؟ اگر ما که مدعی انتظار هستیم، به این پرسش‌ها پاسخ درخوری ندهیم، نه تنها مبلغ خوبی برای حضرت نخواهیم بود، بلکه وجود ما و ادعای ما ضد تبلیغ برای وجود نازنین او خواهد بود.

یکی دیگر از اثرات عمق پیدا کردن علاقه‌های ما به آن حضرت، بر اساس همان روایتی که به قطع‌شدنی بودن علاقه عامیانه اشاره دارد،<sup>۱</sup> این است که امام زمان(ع) ما را

۴. مورد پسند امام زمان(عج) واقع شدن

---

۱. روایت مذکور در صفحه ۷۱: امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: «مَوَدَّةُ الْعَوَامِّ تَنْقُطُ كَانْقِطَاعِ السَّحَابِ، وَتَنْقَشُ كَمَا يَنْقَشُ السَّرَابُ؛ دوستی عوام بریده می‌شود مانند بریده شدن ابر، و زایل می‌شود چنان که سراب زایل می‌شود.» غررالحکم، حدیث ۱۱۲۹.

به عنوان یک یار و یاور می‌پسندد و انتخاب می‌کند. زیرا می‌بیند علاقه‌مان به حضرت تضمین شده و پایدار است. معلوم نیست آن حضرت، کسی را که علاقه ناپایداری دارد، برای یاری خود برگزیند.

بنابراین نه می‌توان این علاقه را دست کم گرفت و نه باید کم بودن آن را تحمل کرد. علاقه عاشقانه، عصاره تمام معرفت و کمال معنوی یک منتظر است. البته در کنار عشق به حضرت، علاقه وافر به «فرج» نیز در دل منتظر موج می‌زند، که آن هم باید در جای خود مورد بررسی قرار بگیرد. این علاقه و اشتیاق به ظهور، خود از مبانی و ابعاد خاصی برخوردار است که در بخش‌های بعدی در این باره با هم سخن خواهیم گفت.

هر چقدر حضور در این بار عام، ابتدائاً اجباری و سهل است، حضور در آن بار خاص، اختیاری و سخت است. و خوبان عالم برای راه‌یابی به آن بارگاه عظیم تمناها و تضرع‌های فراوان دارند.

بخش هایی از کتاب انتظار عامیانه، انتظار عامیانه، انتظار عارفانه

bayamanavi.ir



# انتظار عالمانه

مقدمه ۱: درک احساس انتظار

مقدمه ۲: انواع انتظار

کشف عناصر انتظار

۱. اعتراض به وضع موجود

۲. آگاهی از وضع مطلوب

۳. اعتقاد و امید به تحقق وضع مطلوب

۴. اشتیاق به وضع مطلوب

۵. اقدام برای تحقق وضع مطلوب



بخش هایی از کتاب انتظار عامیانه، انتظار عامیانه، انتظار عارفانه

bayamanavi.ir



## مقدمه ۱: درک احساس انتظار

نقش و ارزش آگاهی  
در زندگی ما

ما با درک و اندیشه زاده شده‌ایم و بخش هایی از روح ما از جنس چیزی به نام «عقل» است. نور آگاهی بر هر چه بتابد، روشنایی پیدا کرده و بهتر قابل رؤیت خواهد بود. خوبی هایی که نسبت به آنها آگاهی پیدا می کنیم، راحت تر به دست می آیند و بیشتر حفظ می شوند. همچنان که آگاهی از بدی ها موجب می شود تا مبارزه با آنها با سهولت بیشتری ممکن گردد. با روشنایی علم، می توانیم آنچه را در خود داریم بهتر بیابیم و شکوفا سازیم.

با اندیشیدن می توان  
احساس انتظار را  
درک کرد

یکی از روش های کسب علم، اندیشیدن است که طرق گوناگونی هم دارد. اندیشیدن می تواند تجربیات را برای ما تثوریزه کرده و احساسی را که درون خود مشاهده می کنیم به ادراکی نو تبدیل کند. همچنان که هر ادراکی هم می تواند به تولد یک احساس تازه در روحمان منجر شود. به عبارت دیگر؛ هم با اندیشیدن می توان نسبت به یک احساس خودآگاهی پیدا کرد و هم این خودآگاهی می تواند احساس تازه ای را در ما ایجاد کند. به هر حال، ما باید تلاش کنیم تا احساس انتظار را در وجود خود ادراک کنیم و درک خود را از این احساس افزایش دهیم.

یکی از روش‌های بهتر فهمیدن و درک بهتر مفاهیم انسانی، تجزیه آنها برای رسیدن به عناصر اصلی تشکیل دهنده آنهاست. شبیه آنچه که در شیمی برای معرفی مواد انجام می‌شود. عناصر اصلی یک مفهوم، عوامل پیدایش آن هم هستند، که گاهی از اوقات در صورت نبودن هر یک از آن عوامل، تحقق آن مفهوم نیز ممکن نخواهد بود و یا دچار نقصان فاحش خواهد شد. این روش می‌تواند ما را به راه‌های تحقق و یا زوال یک مفهوم رهنمون سازد. بر این اساس، در صورتی که بتوانیم عناصر تشکیل دهنده یک پدیده در روح انسان را به درستی تشخیص دهیم، تعریف نسبتاً دقیقی از آن پدیده به دست آورده‌ایم.

توجه به عناصر  
تشکیل دهنده یک  
مفهوم برای درک  
بهتر آن

احساس «انتظار» نیز از آن جمله مفاهیم انسانی است که در روح همه ما انسان‌ها قابل تجربه است، و درک آن کار دشواری نیست. بسته به مضاف الیه آن، که منتظر چه چیزی باشیم، حالات و درجات گوناگونی به خود می‌گیرد. احساس انتظار، خود منتظر است تا بهتر درک شود. و ما ارزش‌ها و آثارش را بیشتر بشناسیم و آن را کامل‌تر کنیم. برای درک بهتر مفهوم انتظار می‌توان عناصر تشکیل دهنده آن را شناخت و با این روش تعریف

دقیق‌تری از آن به دست آورد. هر منتظری می‌تواند با تأمل در انتظار خود، دریابد چه عواملی مایه شکل‌گیری حالت انتظار در او شده است؛ و یا انتظار او مرکب از چه حالات و ویژگی‌هایی می‌باشد. ویژگی‌هایی که هر کجا در کنار هم جمع شوند، احساس انتظار را در انسان پدید می‌آورند. انتظار آن موعودی که عالمی را متحول خواهد کرد، اگر در قلب کسی حلول کند، قطعاً او را منقلب کرده و قدرت بی‌نظیر انتظار را در او به نمایش خواهد گذاشت. انتظار فرج، انرژی فوق‌العاده‌ای به منتظر می‌دهد و نگاه او را به هستی دگرگون خواهد ساخت. و البته گاهی باید ابتدا نگاه انسان به هستی، به نوعی دگرگون شود تا آن انتظار پدید بیاید.

به هر حال، نباید از کنار مفهوم انتظار و مصداق مهم آن، یعنی انتظار موعود، به‌سادگی عبور کرد. نمی‌توان نسبت به عدم وجود احساس انتظار در درون خویش و در میان افراد جامعه، بی‌اعتنا بود. زیرا فقدان انتظار موعود،

نباید نسبت به مفهوم  
انتظار، بی‌اعتنا بود

موجب رکود و رخوت جان‌هاست. حتی دور دیدن فرج، در کلام معصوم، باعث قساوت قلب شمرده شده است.<sup>۱</sup>

۱. در کتاب کافی به نقل از علی بن یقطين آمده است که: امام موسی بن جعفر (ع) به من فرمودند: «شيعه دويست سال است که با آرزوها تربيت می‌شود؛ إِنَّ الشَّيْعَةَ تُرَبِّي بِالْأَمَانِيِّ مِنْذُ مَا تَنِي سَنَةً» یعنی شيعه هر لحظه آرزومند است که آقای خودش را ببیند و عمرش با آرزو سپری می‌شود. در ادامه روایت آمده است که علی بن یقطين در گفتگویی که با پدرش داشته، پدر می‌پرسد: «چطور وعده رسول خدا (س) در مورد به حکومت رسیدن فرزندان عباس محقق شد، اما وعده حضرت در مورد فرج آل محمد محقق نشد؟» - ببینید چقدر شيعيان سخن رسول خدا (ص) را جدی گرفته بودند، به طوری که لحظه شماری می‌کردند... و مدام پیگیر ظهور و فرج بودند - علی بن یقطين در پاسخ می‌گوید: «اگر به ما گفته بودند که امر فرج تا دويست سال یا سی صد سال دیگر اتفاق نمی‌افتد، در آن صورت مردم قسی القلب می‌شدند.» یعنی اگر مؤمنین ظهور را نزدیک نبینند و بگویند تا ظهور خیلی مانده است، قساوت قلب پیدا خواهند کرد. سپس می‌فرماید: «بلکه بگویند چقدر ظهور سریع و نزدیک است.» «قَالَ يَقِطِينُ لِأَبْنِهِ عَلِيٍّ: مَا بَالُنَا ... فَقَالَ لَهُ عَلِيٌّ: ... وَإِنَّ أَمْرَنَا لَمْ يَحْضُرْ فَعَلَّلْنَا بِالْأَمَانِيِّ وَ لَوْ قَبِلْنَا لَنَا إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَكُونُ إِلَيَّ مَا تَنِي سَنَةً أَوْ ثَلَاثِمِائَةَ سَنَةٍ لَقَسَّتْ الْقُلُوبُ وَ لَرَجَعَتْ عَائِمَةُ النَّاسِ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ لَكِنَّ قَالُوا مَا أَسْرَعَهُ وَ مَا أَقْرَبَهُ تَأَلَّفَا لِقُلُوبِ النَّاسِ وَ تَقْرِيْبًا لِلْفَرَجِ.» کافی، ج ۱، ص ۳۶۹ و غیبت نعمانی، ص ۲۹۵. سید احمد فهري در شرح این روایت (ترجمه غیبت نعمانی، سید احمد فهري، ص ۳۸۴) می‌گوید: «پاسخی که علی پدرش داده است پاسخ متینی است و آن را از امام موسی بن جعفر گرفته است.» و سپس به روایتی از صدوق اشاره می‌کند که یقطين همین سؤال را از امام کاظم (ع) پرسیده و



# انتظار عارفانه

نگاه عارفانه

انتظار وصال

نسبت انتظار فرج و انتظار وصال

انتظار عرفانی، موجب فرج شخصی

جمع بندی

از انتظار وصال خدا  
تا تمنای وصال امام(ع)



بخش هایی از کتاب انتظار عامیانه، انتظار عامیانه، انتظار عارفانه

bayamanavi.ir

## نگاه عارفانه

نگاه عارفانه یعنی...

نگاه عارفانه، یعنی راه یافتن به اسرار معنوی مفاهیم دینی؛ و تحلیل ظواهر دین به بواطنی که عمق معنایی آن ظواهر را به ما نشان می دهند. عرفان از یک آگاهی عمیق خیر می دهد؛ معرفتی است که عموماً با عقل نظری قابل دریافت نیست و نیاز به شهود قلبی و باطنی دارد. می توان از عارفانه ها سخن گفت، و می شود عارفانه سرود، اما آنچه به زبان علم عرفان و یا ذوقیات عرفانی می آید، نمی ازیم است. مهم آن است که بتوانیم با ادراک عارفانه، راه را برای احساس عرفانی باز نماییم؛ و با عرفان نظری، به سمت عرفان عملی حرکت کنیم.

ممکن است ما با گفت و گوی عرفانی، عارف نشویم ولی شمیم یک نگاه ژرف به عالم، لذت معنوی خاصی دارد که از آن مستغنی نیستیم. آب دریایی است که اگر نمی توانیم در آن شناگر شویم، لاقط دست و رویی در آن بشوییم، تا خُنکای یک زیّ عارفانه، جان ما را طراوت بخشد.

از طرف دیگر، همان طور که غفلت از شیوع انتظار عامیانه، ممکن است جامعه را در نوعی عوام زدگی فروبرد

غفلت از نگاه عرفانی، توقع ما را از انتظار کاهش می دهد

و اندیشمندانه نگرستن به مفهوم انتظار را به تأخیر بینگند، غفلت از بُعد عرفانی مفهوم انتظار نیز ممکن است سطح توقع ما را از معنای انتظار پایین آورده و ارزش واقعی انتظار را در نگاه ما تنزل دهد. ضمن آنکه نگاه عارفانه به انتظار، عمق معنوی و زیبایی عرفانی انتظار را برای ما به تصویر می‌کشد؛ و نیاز ما را به یک حیات عرفانی تأمین کرده، و عطش معنوی جامعه را برای فرو غلتیدن در عرفان‌های موهوم، از بین می‌برد.

به علاوه، شاید در یک نگاه عارفانه به انتظار، دریابیم که چرا منتظران واقعی آن‌همه سوز و گداز دارند؛ و برای شرفیابی به محضر ظهور مولا، این همه تهذیب نفس می‌کنند و در مسیر تقوایشگی گام برمی‌دارند. همچنین راز ارزش عظیم انتظار را باید در این نگاه عارفانه جست‌وجو کرد. تنها در بستر یک نگاه عارفانه است که می‌توان فهمید چرا باید برترین و بافضیلت‌ترین عبادت امت پیامبر(ص)، انتظار فرج باشد.<sup>۱</sup>

درک ارزش عظیم  
انتظار در سایه نگاه  
عارفانه

۱. رسول خدا(ص): «أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ» مناقب این شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۲۵ و کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲،



افزایش آثار معنوی  
انتظار، در سایه نگاه  
عارفانه

و دست آخر اینکه، اگر این نگاه در رگ‌های اندیشه و احساس جامعه جریان یابد، آثار معنوی انتظار بیش از پیش نمایان خواهد شد و دل‌های بیشتری از خداجویان، بیدار خواهد شد.

اساساً به همه اجزای دین باید عارفانه نگاه کرد؛ به گونه‌ای که نگاه به باطن معانی و مفاهیم دینی عادت همیشگی ما شود؛ و مشی عرفانی، یک سلیقه مربوط به گروهی خاص تلقی نشود. حضرت امام (ره) در کتاب سرالصلوة خود می‌نویسند: «و محصل مقصود ما از این فصل آن است که نماز، بلکه جمیع عبادات، را غیر از این صورت و قشر و مجاز باطن و لب و حقیقتی است. و این از طریق عقل معلوم است و از طریق نقل شواهد کثیره دارد، که ذکر جمیع آن از حوصله این اوراق خارج است و ما به ذکر بعض از آن این اوراق را متبرک می‌کنیم...»<sup>۱</sup>

---

ص ۶۴۴. برخی روایات دیگر در این زمینه در پاورقی صفحه ۱۰۱ آمده است.

۱. سر الصلاة (معراج السالکین و صلاة العارفين)، متن، ص ۶ و ۷.

## انتظار وصال

انتظار فرج و گشایش، صرفاً به دلیل غیبت امام زمان(ع) پیش نیامده است، بلکه می‌توان برای انتظار فرج، معنایی مستقل از شرایط اجتماعی و تاریخی هم در نظر گرفت. انتظار، ابتدائاً مفهومی است انسانی و عرفانی. مفهومی است دائمی و همیشگی. انتظار، مفهومی نیست که با آغاز دوران غیبت متولد شده باشد و با آمدن منجی موعود و گشایش در حیات فردی و اجتماعی بشر، به پایان برسد. بلکه مفهومی است که می‌توان برای آن معنایی فرازمانی و فرامکانی در نظر گرفت؛ معنایی که متعلق به اصل حیات بشر و رابطه تکوینی او با خداوند متعال است. برای درک معنای دائمی انتظار، ابتدا باید به فلسفه خلقت مراجعه کنیم؛ آنجایی که معلوم می‌شود انسان اساساً برای ملاقات با پروردگار خود آفریده شده است، و حیات و هستی او تنها در ارتباط با حضرت حق معنا پیدا می‌کند. حتی باغ‌های بهشتی نیز پاسخ نهایی حقیقت وجود انسان نیستند. اگر انسان به عطش پنهان در اعماق وجود خود بنگرد، درمی‌یابد که تنها دیدار با حضرت حق و هم‌جواری با آن ذات مقدس است که او را آرام می‌کند؛ و الا تمام

انتظار مفهومی  
فرازمانی و فرامکانی  
است

توجه به فلسفه  
خلقت برای درک  
معنای انتظار



# جوانی و انتظار

آینده‌گرایی جوان

آرمان‌گرایی جوان

جامعه‌گرایی جوان

عدالت‌گرایی جوان

جوان و عناصر پنج‌گانه انتظار



بخش هایی از کتاب انتظار عامیانه، انتظار عامیانه، انتظار عارفانه

bayamanavi.ir

جوانی نزدیک‌ترین  
سن به کمالات  
روحی

دوران جوانی دوران ناپخته‌گی نیست اگرچه دوران کم تجربه‌گی است. جوانان در کمال پختگی گرایش‌های فطری قرار دارند؛ و در اوج تازگی و طراوت روحی و آمادگی برای دریافت‌های معنوی و اتصال به خدا هستند، اگرچه گرایش‌های ناب فطری آنان شکوفا نشده باشد و به خودآگاهی نرسیده باشند. جوان‌ها با بدی‌ها نسبتی ندارند، مگر آنکه شرایط آنها را به اشتباه بیندازد؛ و یا عواملی آنها را فریب بدهد. مانند فریبی که حضرت آدم ابوالبشر از ابلیس خورد. نمی‌خواهم بگویم جوان انسان کاملی است، ولی جوانی نزدیک‌ترین سن به کمالات روحی است.

امام صادق(ع):  
سرعت جوانان به  
خیر از هر گروهی  
بیشتر است

جوانان اگر خوب به خود نگاه کنند بیشترین تناسب را با خوبی‌ها دارند. مگر نشنیده‌ای که امام صادق(ع) به کسی که نگران وضع دین‌داری مردم شهرش بود، فرمودند: «بر تو باد به جوانان، زیرا سرعت و شتاب آنها به سوی هر خیری، از هر گروهی بیشتر است؛ عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ»<sup>۱</sup>

---

۱. اسماعیل بن عبد الخالق می‌گوید: شنیدم امام صادق(ع) به ابو جعفر آخول فرمود: به بصره رفتی؟ عرض کرد: آری. فرمود: شوق و شتاب مردم به این امر(ولایت و امامت ما) و پذیرش آنها را چگونه دیدی؟

نمی‌شود آغاز دین‌داری، ابتدای جوانی باشد، و این دو در آغاز پیوندی که خدا خواسته است برقرار شود، با هم تناسب نداشته باشند. اتفاقاً وقتی دقت می‌کنی می‌بینی جوانی و دین‌داری و معنویت خیلی هم به هم می‌آیند. مهم‌ترین مفاهیم دینی در دوران جوانی، نه تنها قابل پذیرش‌اند بلکه مورد اشتیاق جوان هستند.

یکی از مفاهیم نورانی دین انتظار است که تناسب فراوانی با جوان دارد، به طوری که حتی می‌توان گفت اساساً انتظار یکی از خصلت‌های دوران جوانی است. و بیشتر برای جوانان، شورآفرین و معرفت‌افزاست. چند نمونه از تناسب جوان و انتظار را مرور می‌کنیم:

تناسب جوانی و  
دین‌داری

تناسب جوانی و  
انتظار

---

عرض کرد: به خدا قسم آنان اندکند، کارهایی کرده‌اند اما کم است. حضرت فرمود: بر تو باد به جوانان؛ زیرا این گروه در پذیرش هر نوع خوبی شتاب بیشتری دارند؛ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ لِأَبِي جَعْفَرٍ الْأَحْوَلِ وَ أَنَا أَسْمَعُ: أَتَيْتَ الْبَصْرَةَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ. قَالَ: كَيْفَ رَأَيْتَ مُسَارَعَةَ النَّاسِ إِلَيَّ هَذَا الْأَمْرَ وَ دُخُولَهُمْ فِيهِ؟ قَالَ: وَ اللَّهُ إِنَّهُمْ لَلْقَلِيلُ وَ لَقَدْ فَعَلُوا وَ إِن ذَلِكْ لَلْقَلِيلُ. فَقَالَ: عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَيَّ كُلِّ خَيْرٍ. کافی، ج ۸، ص ۹۳.

## آینده‌گرایی جوان

اگر آینده‌گرایی  
جوان را با مهدویت  
پیوند نزنیم...

جوان، نگاه به آینده دارد و به شدت «آینده‌گرا»ست؛ و معلوم است با مهدویت که مربوط به آینده است راحت‌تر ارتباط برقرار می‌کند. اما باید این آینده را به روشنی برای او ترسیم کنیم. اگر مهدویت را به عنوان آینده‌ای روشن و دلخواه جوان به او معرفی نکنیم، او برای آینده خود و جهان پیرامونش کاخی خیالی برای خود درست خواهد کرد و یا برایش درست خواهند کرد. قشنگ‌ترین تخیلاتش را همین آینده خیالی تشکیل خواهد داد و آن‌گاه می‌داند چه اتفاقی می‌افتد؟ هر نوع زندگی که داشته باشد و دست به هر نوع زندگی‌ای که می‌زند، احساس شکست خواهد کرد. اگر آینده‌گرایی جوان را با مهدویت پیوند نزنیم، او باید انرژی خود را از امید به چه چیزی بگیرد؟

گریه شوف سلمان  
فارسی

می‌دانید انتظار فرج با سلمان فارسی چه کرد؟ وقتی پیامبر به او وعده رجعتش در حکومت حضرت مهدی(ع) را داد، از شدت شوق گریه کرد و گفت: «وقتی از نزد رسول خدا(ص) بلند شدم، دیگر از آن روز به بعد برایم

بخش هایی از کتاب انتظار عامیانه، انتظار عامیانه، انتظار عارفانه

۳۳۸ ○ انتظار عامیانه، انتظار عالمانه، انتظار عارفانه

فرقی نمی‌کرد که چه وقت از دنیا بروم؛ فُقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْ  
رَسُولِ اللَّهِ وَ مَا يُبَالِي سَلْمَانَ مَتَى لَقِيَ الْمَوْتَ أَوْ لَقِيَهُ<sup>۱</sup> جوان هم  
آینده‌گراست و باید آینده‌گرایی جوان با چنین آینده‌روشنی  
پُر شود.

این آینده با اینکه مربوط به حیات دنیا می‌شود اما او  
را از آخرت جدا نمی‌کند و معنویتی بس نورانی دارد.  
انتظار، روح جوان را با آینده پیوند می‌زند و از محدود  
شدن به زمان حال نجات می‌دهد.

نجات جوان از  
محدود شدن به زمان  
حال

---

۱. بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۷، به نقل از کتاب المحتضر (شیخ  
حسن بن سلمیان)، ص ۱۵۲. متن کامل روایت را در پاورقی ص ۲۲۵  
ببینید.





# فهرست‌ها

فهرست آیات

فهرست روایات

فهرست ادعیه

فهرست بیانات امام خمینی

فهرست بیانات امام خامنه‌ای

فهرست بیانات آیت الله بهجت

فهرست منابع

فهرست تفصیلی



بخش هایی از کتاب انتظار عامیانه، انتظار عامیانه، انتظار عارفانه

bayamanavi.ir

## فهرست آیات

سوره	آیه	صفحه
بقره	۲	۲۶۵
ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ		
بقره	۸۲	۶۷
وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ		
بقره	۱۴۳	۲۸۳
لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ		
بقره	۱۶۵	۸۵
وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ		
بقره	۲۵۷	۱۸۷
وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ		
مائده	۵۱	۱۲۶
إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ		
مائده	۵۴	۱۲۲
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ		
مائده	۵۴	۳۴۹
يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ		
مائده	۹۹	۲۲
مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ		
مائده	۱۰۵	۱۹۰
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ		

سوره	آیه	صفحه
اعراف	۱۵۷	۱۸۹
		يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ
توبه	۳۳	۱۵۹
		لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ
توبه	۳۳	۱۵۹
		هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ
توبه	۶۴	۱۷۵
		يَخَذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَخِرُوا إِنْ أَلَّ اللَّهُ مَخْرَجَ مَا تَخَذَرُونَ
توبه	۷۳	۱۸۵
		يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ
۱۷ و ۱۸		
رعد	۱۱	۲۴۰ و
		إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ
کهف	۱۱۰	۳۱۸
		فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا.
قصص	۵۶	۲۱
		إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ
عنکبوت ۳ و ۲	۴۲	
		أَحْسِبُ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ﴿۳﴾ وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ
احزاب	۲۳	۳۰۳
		مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ، فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ «يَنْتَظِرُ»
احزاب	۲۳	۳۰۳
		فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ «يَنْتَظِرُ»
فاطر	۲۳	۲۲
		إِنَّ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ

سوره	آیه	صفحه
فاطر	۲۸	۷۵
إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ		
فاطر	۴۳	۱۸
فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا		
غافر	۶۰	۲۳۰
ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ		
محمد	۷	۲۴۰
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّصَرُوهَا اللَّهُ يَنْصُرْكُمْ وَ يثبتْ أقدامكم		
حجرات	۱۴	۴۳
قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ		
قمر	۵۵	۳۱۷
فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ		
انشقاق	۶	۵۱
يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ		
بلد	۴	۵۱
لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ		
نصر	۲	۴۰
وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا، فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ...		

## فهرست روایات

### صفحه

### • رسول الله (ص)

- ۲۸۸ أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي أَنْتَظِرُ الْفَرَجَ
- ۱۰۱ أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي أَنْتَظِرُ الْفَرَجَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
- ۳۰۲ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتَظِرُ الْفَرَجَ
- ۳۰۲ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ ذِكْرُ الْمَوْتِ
- ۱۸۵ أَكْرَهُ أَنْ يَتَحَدَّثَ النَّاسُ وَيَقُولُوا إِنَّ مُحَمَّدًا قَدْ وَضَعَ يَدَهُ فِي أَصْحَابِ
- ۲۳۱ أَكْبَرُ الْكِبَائِرِ سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ
- ۲۹۹ إِنَّ أَشَدَّ شَيْعَتِنَا لَنَا حُبًّا يَكُونُ خُرُوجُ نَفْسِهِ كَشُرْبِ أَحَدِكُمْ فِي يَوْمِ الصَّيْفِ الْمَاءَ الْبَارِدَ الَّذِي يَنْتَفِعُ بِهِ الْقُلُوبُ، وَ إِنَّ سَائِرَهُمْ لَيَمُوتُ كَمَا يُعْبِطُ أَحَدَكُمُ عَلَى فِرَاشِهِ كَأَقْرَمَ مَا كَانَتْ عَيْنُهُ بِمَوْتِهِ
- ۳۱۸ إِنَّ اللَّهَ لَيُعَذِّبُ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ كَمَا تُغَذِّي الْوَالِدَةُ وَلَدَهَا بِاللَبَنِ
- ۸۷ أَوْ يَصْرِفُ وَجْهَهُ النَّاسِ إِلَيْهِ لِيُعْظِمُوهُ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ
- ۲۹۶ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ
- ۳۲۴ الزُّمُوا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ... فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، لَا يَنْفَعُ عَبْدًا عَمَلُهُ إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا وَ لَا يَتَنَا

- ۸۹ فَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عَتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي يُحِبُّهُ سَاكِنُ الْأَرْضِ وَ سَاكِنُ السَّمَاءِ
- ۹۰ فَتَقَدَّمْتُ أَمَامِي وَإِذَا عَلِيٌّ مِنْ أَبِي طَالِبٍ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَ... وَالْحِجَّةُ الْقَائِمُ كَأَنَّهُ كَوَكَبٌ دَرَى فِي وَسْطِهِمْ، فَقُلْتُ: يَا رَبَّ مَنْ هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ: هَؤُلَاءِ الْأَنْبِيَاءُ وَ هَذَا الْقَائِمُ يُحِلُّ حَلَالِي وَ يُحَرِّمُ حَرَامِي وَ يَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي يَا مُحَمَّدُ أَحِبِّهِ فَإِنِّي أَحِبُّهُ وَ أَحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ
- ۱۱۵ فَلَا تَزَالُ بَعْدِي مَحْزُونَةٌ مَكْرُوبَةٌ بَاكِيَةٌ؛ تَتَذَكَّرُ انْقِطَاعَ الْوَحْيِ عَنْ بَيْتِهَا مَرَّةً، وَ تَتَذَكَّرُ فِرَاقِي أُخْرَى
- ۴۷ فَيَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا وَ تُمْطِرُ السَّمَاءُ مَطْرًا تُخْرِجُ الْأَرْضَ نَبَاتَهَا وَ تُنْعِمُ أُمَّتِي فِي وِلَايَتِهِ نِعْمَةً لَمْ تُنْعَمْ بِمِثْلِهَا قَطُّ
- ۲۲۵ قَالَ سَلْمَانَ فَسَكَتُ ثُمَّ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ اذْعُ اللَّهُ لِي بِإِدْرَاكِهِمْ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: يَا سَلْمَانَ...
- ۱۹۹ كُلُّ مَا هُوَ آتٍ قَرِيبٌ
- ۳۳ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَمْتَلِي الْأَرْضُ ظُلْمًا وَ عُدْوَانًا، ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عَتْرَتِي فَيَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَ عُدْوَانًا
- ۱۶۶ مَعَاشِرَ النَّاسِ! آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وَجُوهًا فَنَرُدُّهَا عَلَى أَذْبَارِهَا. مَعَاشِرَ النَّاسِ! النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي مَسْئُوكُمْ، ثُمَّ فِي عَلِيٍّ ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمُهَدِيِّ الَّذِي .... مَعَاشِرَ النَّاسِ! قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَ أَفْهَمْتُكُمْ وَ هَذَا عَلِيٌّ يُفْهِمُكُمْ بَعْدِي.

۳۶۰ ○ انتظار عامیانه، انتظار عالمانه، انتظار عارفانه

۸۶ مَن تَعَلَّمَ عِلْمًا لِيُمَارِيَ بِهِ السُّفَهَاءَ أَوْ يُبَاهِيَ بِهِ الْعُلَمَاءَ أَوْ لِيُقْبَلَ بِوَجْهِهِ  
النَّاسِ إِلَيْهِ فَهُوَ فِي النَّارِ

۸۷ مَن طَلَبَ الْعِلْمَ لِلَّهِ لَمْ يُصَبْ مِنْهُ بَابًا إِلَّا اِزْدَادَ فِي نَفْسِهِ ذُلًّا ...

۲۶۴ مَن قَارَفَ ذَبَابًا فَارْفَهُ عَقْلٌ لَا يَرْجِعُ إِلَيْهِ أَبَدًا

۲۷۳ مَن مَاتَ وَ لَمْ يَغْزُ، وَ لَمْ يُحَدِّثْ بِهِ نَفْسَهُ، مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِّنْ نِّفَاقِ

۲۹۸ الْمَوْتِ رِيحَانَةُ الْمُؤْمِنِ

۳۲۹ النَّظَرُ إِلَى الْعَالَمِ عِبَادَةٌ وَ النَّظَرُ إِلَى الْإِمَامِ الْمَقْسُطِ عِبَادَةٌ

۴۷ وَ تَعِيشُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ عَيْشًا لَمْ تَعِشْهُ قَبْلَ ذَلِكَ فِي زَمَانٍ قَطُّ

۱۳۴ يَخْرُجُ أَنَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ يَعْنِي سُلْطَانَهُ

۱۳۳ يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ

۲۳۱ يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَ لَا إِلَى أَمْوَالِكُمْ وَ لَكِنَّ يَنْظُرُ إِلَى  
قُلُوبِكُمْ وَ أَعْمَالِكُمْ

#### • امام علی(ع)

۱۷۲ ... فَقَامَ رَجُلٌ آخَرَ فَقَالَ: ثُمَّ مَا يَكُونُ بَعْدَ هَذَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ: ثُمَّ  
إِنَّ اللَّهَ يُفْرَجُ الْفِتْنَ بَرَجُلٍ مِّنْ أَهْلِ الثَّبِيتِ كَتَفْرِيجِ الْإِدِيمِ بِأَبِي ابْنِ خَيْرَةَ  
الْإِمَاءِ يَسُومُهُمْ حَسَنًا وَ يَسْفِيهِمْ بِكَأْسِ مُصَبَّرَةٍ فَلَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ هَرَجًا  
هَرَجًا يَضَعُ السَّيْفَ عَلَى غَائِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ...



فهرست‌ها ○ ۳۶۱

- ۳۳۱ ...فَعِنْدَ ذَٰلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدَىٰ عَلَىٰ أَفْوَاهِ النَّاسِ وَيُشْرَبُونَ حَبَّهُ، فَلَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرُهُ
- ۲۶۰ اجْتَنَابُ السَّيِّئَاتِ أَوْلَىٰ مِنْ اكْتِسَابِ الْحَسَنَاتِ
- ۷۵ إِذَا زَادَ عِلْمُ الرَّجُلِ زَادَ أَدْبُهُ وَ تَضَاعَفَتْ خَشْيَتُهُ لِرَبِّهِ
- ۳۲۱ اذْهَبْ. وَقَعَتْ عَلَيْكَ عَيْنٌ مِنْ عُيُونِ اللَّهِ... تِلْكَ يَدُ اللَّهِ الَّتِي يُبْعَثُ بِهَا حَيْثُ يَشَاءُ
- ۲۹۵ اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّكَ إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا
- ۲۹۸ أَفْضَلُ تَحَقُّقِ الْمُؤْمِنِ الْمَوْتُ
- ۱۹۹ الْأَمْرُ قَرِيبٌ وَالْإِصْطِحَابُ قَلِيلٌ
- ۲۵۸ إِنَّا لَنَفْرَحُ لِفَرَحِكُمْ وَ نَحْزَنُ لِحُزْنِكُمْ وَ نَمْرَضُ لِمَرَضِكُمْ وَ نَدْعُو لَكُمْ
- ۱۰۱ اُنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اُنْتَظَارُ الْفَرَجِ
- ۲۵۹ أَوْصِيكُمْ بِأَهْلِ بَيْتِي وَ أَهْلِ وَادِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ
- ۳۱۸ بِالدُّنْيَا تُحَرِّزُ الْآخِرَةَ
- ۱۱۳ ثُمَّ رَجَعَ إِلَى صِفَةِ الْمَهْدِيِّ ع فَقَالَ: أَوْسَعُكُمْ كَهْفًا وَ أَكْثَرُكُمْ عِلْمًا وَ أَوْصَلَكُمْ رَحِمًا... هَاهُ وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ شَوْقًا إِلَى رُؤْيَتِهِ
- ۳۲۹ جُلُوسُ سَاعَةٍ عِنْدَ الْعُلَمَاءِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ وَ النَّظَرُ إِلَى الْعَالَمِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ اِعْتِكَافِ سَنَةٍ فِي الْبَيْتِ الْحَرَامِ

- ۲۰۰ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا بَعَثَهُمُ اللَّهُ فَأَقْبَلُوا مَعَهُ يُلْبَسُونَ  
زَمْرًا زَمْرًا... هَلَكْتَ الْمَحَاضِيرُ وَ نَجَا الْمُقْرَبُونَ
- ۸۷ خُذُوا مِنَ الْعِلْمِ مَا بَدَأَ لَكُمْ وَ إِيَّاكُمْ أَنْ تَطْلُبُوهُ لِخِصَالِ أَرْبَعٍ لُبَّهَا هُوَ بِهِ  
الْعُلَمَاءُ أَوْ تَمَارُوا بِهِ السُّفَهَاءُ أَوْ تَرَاءُوا بِهِ فِي الْمَجَالِسِ أَوْ تَصْرَفُوا وَجْهَهُ  
النَّاسِ إِلَيْكُمْ لِلتَّرُؤُسِ
- ۵۲ دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ
- ۳۵ دَعُونِي وَ التَّمَسُّوا غَيْرِي...
- ۵۲ الدُّنْيَا دَارُ الْمِحَنِ
- ۵۲ الدُّنْيَا مَلِينَةٌ بِالْمَصَابِ طَارِقَةٌ بِالْفَجَائِعِ وَ التَّوَابِ
- ۱۹۹ رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً تَفَكَّرَ فَاعْتَبَرَ وَ اعْتَبَرَ فَأَبْصَرَ فَكَانَ مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الدُّنْيَا عَنْ  
قَلِيلٍ لَمْ يَكُنْ وَ كَانَ مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الْآخِرَةِ عَمَّا قَلِيلٍ لَمْ يَزَلْ وَ كُلُّ مَعْدُودٍ  
مُنْقَضٍ وَ كُلُّ مُتَوَقَّعٍ آتٍ وَ كُلُّ آتٍ قَرِيبٌ دَانٍ
- ۳۱۸ ضَاعَ مَنْ كَانَ لَهُ مَقْصَدٌ غَيْرَ اللَّهِ
- ۲۳۱ عَلَى قَدْرِ النَّبِيَّةِ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ الْعَظِيمَةِ
- ۱۹۹ فَاحْذَرُوا عِبَادَ اللَّهِ الْمَوْتَ وَ قُرْبَهُ وَ أَعِدُّوا لَهُ عِدَّتَهُ فَإِنَّهُ يَأْتِي بِأَمْرٍ عَظِيمٍ وَ  
خَطْبٍ جَلِيلٍ بَخِيرٍ لَا يَكُونُ مَعَهُ شَرٌّ أَبَدًا أَوْ شَرٌّ لَا يَكُونُ مَعَهُ خَيْرٌ أَبَدًا
- ۳۶ قَاتَلَكُمْ اللَّهُ لَقَدْ مَلَأْتُمْ قَلْبِي قَيْحًا وَ سَخَنْتُمْ صَدْرِي غَيْظًا وَ جَرَعْتُمُونِي نُغْبَ  
التَّهْمَامِ أَنْفَاسًا

فهرست‌ها ○ ۳۶۳

- ۲۳۷ لَا تَكُنْ مِمَّنْ يُرْجُو الْآخِرَةَ بَغَيْرِ عَمَلٍ وَ يُرْجَى التَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمَلِ
- ۱۹۹ لَا غَائِبَ أَقْرَبَ مِنَ الْمَوْتِ
- ۱۶۰ لَوْ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ ثَبَّتَ قَدَمَاهُ، أَقَامَ كِتَابَ اللَّهِ كُلَّهُ وَ الْحَقُّ كُلَّهُ
- ۲۲۸ مَنْ أَحَبَّ شَيْئًا لَهَجَ بِذِكْرِهِ
- ۲۶۶ مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْذُأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ
- ۹۲ و ۷۱ مَوَدَّةُ الْعَوَامِّ تَنْقُطُ كَانْقِطَاعِ السَّحَابِ، وَ تَنْقَشُ كَمَا يَنْقَشُ السَّرَابُ
- ۱۹۹ وَ الْقَرِيبُ كُلُّ مَا هُوَ آتٍ وَ الْأَقْرَبُ هُوَ الْمَوْتُ
- ۳۱۹ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُخْتَبِرُ عِبَادَهُ بِأَنْوَاعِ الشَّدَائِدِ، وَ يَتَعَبَّدُهُمْ بِأَنْوَاعِ الْمَجَاهِدِ، وَ يَنْتَلِيهِمْ بِضُرُوبِ الْمَكَارِهِ؛ إِخْرَاجًا لِلتَّكْبِيرِ مِنْ قُلُوبِهِمْ، وَ إِسْكَانًا لِلتَّدْلِيلِ فِي نَفْسِهِمْ، وَ لِيَجْعَلَ ذَلِكَ أَبْوَابًا فَتْحًا إِلَى فَضْلِهِ، وَ أَسْبَابًا ذُلًّا لِعَفْوِهِ
- ۱۶۰ وَ لَوْ حَمَلَتْ النَّاسَ عَلَى تَرْكِهَا وَ حَوَّلَتْهَا إِلَى مَوَاضِعِهَا وَ إِلَى مَا كَانَتْ فِيهِ عَهْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص لَتَفَرَّقَ عَنِّي جُنْدِي حَتَّى أَتَقَى وَ حُدِي أَوْ قَلِيلٌ مِنْ شَيْعَتِي الَّذِينَ عَرَفُوا فَضْلِي وَ فَرَضَ إِمَامَتِي مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ...
- ۲۰۰ هَلَكْتَ الْمَحَاضِيرُ وَ نَجَا الْمُقْرَبُونَ

● حضرت زهرا(ع)

- ۳۰۹ يَا أَبَتَاهُ، قَدْ شَغَلْتَنِي لِدَّةُ خِدْمَتِهِ عَنْ مَسْأَلَتِهِ، لَا حَاجَةَ لِي غَيْرِ النَّظَرِ إِلَيْ
- وَ جَهَّهُ الْكَرِيمِ فِي دَارِ السَّلَامِ

● امام سجاد(ع)

۳۶۴ ○ انتظار عامیانه، انتظار عالمانه، انتظار عارفانه

المؤمن من ... لا يعمل شيئاً من الخير رياءً ولا يتركه حياءً

ولا يتنا ولا يترأء من أعدائنا

۲۵

۲۲۴

• امام باقر(ع)

...حَتَّى يَقُولَ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ: لَيْسَ هَذَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ لَوْ كَانَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ۶۵و۳۷  
لَرَحِمَ ...

...كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ اسْتَقَامَتْ لِأَخِي عَفْوًا لَأَسْتَقَامَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ ص ۲۶  
حِينَ أُدْمِيتَ رَبَاعِيَتُهُ وَشُجَّ فِي وَجْهِهِ...

إِذَا قَامَ سَارَ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص إِلَّا أَنَّهُ يُبَيِّنُ أَنَارَ مُحَمَّدٍ وَيَضَعُ السَّيْفَ ۱۷۱  
عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ هَرَجًا هَرَجًا حَتَّى رَضِيَ اللَّهُ

إِذَا قَامَ قَاتِمْنَا عَ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ ۲۳

أَعْلَمَ بِأَنَّكَ لَا تَكُونُ لَنَا وَلِيًّا حَتَّى لَوْ اجْتَمَعَ عَلَيْكَ أَهْلُ مِصْرِكَ وَقَالُوا ۳۴۹  
إِنَّكَ رَجُلٌ سَوْءٌ لَمْ يَحْزَنْكَ ذَلِكَ وَ لَوْ قَالُوا إِنَّكَ رَجُلٌ صَالِحٌ لَمْ يَسْرُكَ  
ذَلِكَ

إِنَّكُمْ لَنْ تَنَالُوا وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ ۳۲۵

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَ ۳۲۶  
لَمْ يَنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ

ثُمَّ يَدْخُلُ الْكُوفَةَ فَيَقْتُلُ بِهَا كُلَّ مُنَافِقٍ مُرْتَابٍ ۱۸۶

- ۳۲۶ ذَرُوهُ الْأَمْرِ وَ سَنَامُهُ وَ مِفْتَاحُهُ وَ بَابُ الْأَشْيَاءِ وَ رِضَا الرَّحْمَنِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الطَّاعَةُ لِلْإِمَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ: مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا
- ۱۷۱ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى وَ سُنَّةٌ مِنْ عِيسَى وَ سُنَّةٌ مِنْ يُوسُفَ وَ سُنَّةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ ص ... وَ أَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ ص فَالْقِيَامُ بِسِيرَتِهِ وَ تَبْيِينُ أَثَارِهِ ثُمَّ يَضَعُ سَفْفَهُ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ فَلَا يَزَالُ يُقْتَلُ أُعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ
- ۱۸۳ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قُلْتُ لَهُ: صَالِحٌ مِنَ الصَّالِحِينَ سَمَّهَ لِي - أُرِيدُ الْقَائِمَ ع - فَقَالَ: اسْمُهُ اسْمِي. قُلْتُ: أَيْسِيرَ بِسِيرَةِ مُحَمَّدٍ ص؟ قَالَ: هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ يَا زُرَّارَةُ...
- ۲۶۷ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ ع، قَالَ يَوْمًا لِأَصْحَابِهِ: أَيْدِخِلْ أَحَدَكُمْ يَدَهُ فِي كُمِ صَاحِبِهِ فَيَأْخُذْ حَاجَتَهُ مِنَ الدَّنَانِيرِ؟ قَالُوا: لَا. قَالَ: فَلَسْتُمْ إِذَا بِأَخْوَانِ
- ۳۷ فَبَيْنَمَا صَاحِبٌ هَذَا الْأَمْرَ قَدْ حَكَّمَ بِبَعْضِ الْأَحْكَامِ وَ تَكَلَّمَ بِبَعْضِ السُّنَنِ إِذْ خَرَجَتْ خَارِجَةً مِنَ الْمَسْجِدِ يُرِيدُونَ الْخُرُوجَ عَلَيْهِ فَيَقُولُ لِأَصْحَابِهِ انْطَلِقُوا فَيَلْحَقُونَهُمْ فِي التَّمَارِينِ فَيَأْتُونَهُ بِهِمْ أَسْرَى فَيَأْمُرُ بِهِمْ فَيَذْبُحُونَ
- ۲۶۶ قِيلَ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع: إِنَّ أَصْحَابَنَا بِالْكَوْفَةِ لَجَمَاعَةٌ كَثِيرَةٌ فَلَوْ أَمَرْتَهُمْ لِأَطَاعُوكَ وَ اتَّبَعُوكَ قَالَ: يَجِيءُ أَحَدَكُمْ إِلَى كَيْسٍ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ مِنْهُ حَاجَتَهُ؟ فَقَالَ: لَا. فَقَالَ: هُمْ بِدِمَانِهِمْ يُبْخَلُّ. ثُمَّ قَالَ: ... إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتْ الْمُرَاةِلَةُ وَ أَتَى الرَّجُلُ إِلَى كَيْسٍ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ فَلَا يَمْنَعُهُ
- ۳۲۱ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) يَقُولُ: مَا لِلَّهِ آيَةٌ أَكْبَرُ مِنِّْي

○ ۳۶۶ انتظار عامیانه، انتظار عالمانه، انتظار عارفانه

- ۳۲۵ مَنْ كَانَ لِلَّهِ مُطِيعًا فَهُوَ لَنَا وَلِيٌّ وَمَنْ كَانَ لِلَّهِ غَاصِبًا فَهُوَ لَنَا عَدُوٌّ وَمَا تَنَالُ  
وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ
- ۳۲۰ نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ وَنَحْنُ بَابُ اللَّهِ وَنَحْنُ لِسَانُ اللَّهِ وَنَحْنُ وَجْهُ اللَّهِ وَنَحْنُ  
عَيْنُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَنَحْنُ وَاةُ أَمْرِ اللَّهِ فِي عِبَادِهِ
- ۳۲۰ نَحْنُ وَجْهُ اللَّهِ نَتَقَلَّبُ فِي الْأَرْضِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ
- ۲۵۱ و ۲۵۰ النَّوْمُ أَوَّلُ النَّهَارِ خُرْقٌ وَالْقَائِلَةُ نِعْمَةٌ وَالنَّوْمُ بَعْدَ الْعَصْرِ حُمُقٌ

• امام صادق (ع)

- ۱۱۲ ... سَيِّدِي غَيْبَتِكَ نَفْتٌ رُقَادِي وَضَيِّقَتِي عَلَى مَهَادِي وَأَسْرَتِي مَنَى رَاحَةِ  
فُؤَادِي سَيِّدِي غَيْبَتِكَ أَوْصَلَتْ مُصَابِي بِفَجَائِعِ الْأَبَدِ وَفَقَدْتُ الْوَاحِدِ بَعْدَ  
الْوَاحِدِ يُفْنِي الْجَمْعُ وَالْعَدَدُ...
- ۳۳۶ ... عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ
- ۳۳ ...الَّذِي يَمْلَأُهَا عَدَلًا كَمَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا
- ۱۳۰ احذروا على شبابكم الغلاة لا يفسدوهم
- ۶۵ إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ خَرَجَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَرَى أَنَّهُ مِنْ أَهْلِهِ وَدَخَلَ فِي  
سُنَّةِ عَبْدَةِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ
- ۳۲ إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ،  
يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ
- ۳۱۸ اعْلَمُ أَنَّ بِلَايَاهُ مُحَسُّوَةٌ بِكَرَامَاتِهِ الْأَبَدِيَّةِ وَمِحْنُهُ مُورِثَةٌ رِضَاً وَقُرْبَهُ وَ لَوْ  
بَعْدَ حِينٍ

۳۱۹ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَىٰ إِلَىٰ دَاوُودَ، يَا دَاوُودُ، إِلَىٰ كَمْ تَذْكُرُ الْجَنَّةَ وَلَا تَسْأَلُنِي الشُّوقَ إِلَيَّ؟! قَالَ: يَا رَبِّ، مَنِ الْمُشْتَاقُونَ إِلَيْكَ؟ قَالَ: إِنَّ الْمُشْتَاقِينَ إِلَيَّ الَّذِينَ صَفَّيْتَهُمْ مِنْ كُلِّ كَدْرٍ، وَأَنْبَهْتَهُمْ بِالْحَذَرِ، وَخَرَقْتَ مِنْ قُلُوبِهِمْ إِلَيَّ خَرْقًا يَنْظُرُونَ إِلَيَّ

۲۳۰ إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبٍ سَاهٍ فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ ثُمَّ اسْتَيْقِنِ الْإِجَابَةَ

۱۳۲و۶۶ إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ، اسْتَقْبَلَ مِنْ جُهَلِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ جُهَالِ الْجَاهِلِيَّةِ...

۲۳۲ إِنَّمَا قَدَّرَ اللَّهُ عَوْنَ الْعِبَادِ عَلَىٰ قَدْرِ نِيَّاتِهِمْ فَمَنْ صَحَّتْ نِيَّتُهُ تَمَّ عَوْنُ اللَّهِ لَهُ وَ مَنْ قَصُرَتْ نِيَّتُهُ قَصُرَ عَنْهُ الْعَوْنُ بِقَدْرِ الَّذِي قَصَرَ

۲۹۲ الْبِكَاءُونَ خَمْسَةَ آدَمَ وَ يَعْقُوبُ وَ يُوسُفُ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع فَأَمَّا آدَمُ فَبَكَى عَلَى الْجَنَّةِ حَتَّى صَارَ فِي خَدَيْهِ أَمْثَالُ الْأَوْدِيَةِ...

۲۳۱ الدُّعَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ بَعْدَ مَا أُتِرِمَ إِبْرَامًا فَكَثُرَ مِنَ الدُّعَاءِ

۲۱۴ سُبْحَانَ اللَّهِ أَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يُظَهِّرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْحَقَّ وَ الْعَدْلَ فِي الْبِلَادِ وَ يُحْسِنَ حَالَ عَامَّةِ النَّاسِ وَ ...

۱۲۵ الْعَامِلُ بِالظُّلْمِ وَ الْمُعِينُ لَهُ وَ الرَّاضِي بِهِ شُرَكَاءُ ثَلَاثَتُهُمْ

۳۳۵ عَلَيْكَ بِأَلَا حُدَاتٍ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَيَّ كُلِّ خَيْرٍ

و ۲۰۱ عَنْ أَبِي الْمُرْهَبِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: هَلَكْتَ الْمَحَاضِيرُ. قُلْتُ: وَمَا

۲۰۴ الْمَحَاضِيرُ؟ قَالَ: الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَا الْمُقْرَبُونَ

۱۸۴ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْخَضْرَمِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: لَسِيرَةٌ عَلَيَّ ع فِي أَهْلِ الْبَصْرَةِ كَانَتْ خَيْرًا لِشِيعَتِهِ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ...

۳۶ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ الصَّيرَفِيِّ قَالَ: كُنْتُ بِالْكُوفَةِ فَيَأْتِينِي إِخْوَانٌ كَثِيرَةٌ وَكَرِهْتُ الشُّهُرَةَ فَتَخَوَّفْتُ أَنْ أَشْتَهَرَ بِدِينِي. فَأَمَرْتُ غُلَامِي كُلَّمَا جَاءَنِي رَجُلٌ مِنْهُمْ يَطْلُبُنِي قَالَ: لَيْسَ هُوَ هَاهُنَا. قَالَ فَحَجَجْتُ تِلْكَ السَّنَةَ فَلَقِيتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع، فَرَأَيْتُ مِنْهُ تَقَلُّا وَتَغَيَّرًا فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَهُ...

۲۱۰ عَنْ عَمَّارِ السَّابَاطِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: الْعِبَادَةُ مَعَ الْإِمَامِ مِنْكُمْ الْمُسْتَسْرِرُ فِي السِّرِّ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ أَفْضَلُ أَمْ الْعِبَادَةُ فِي ظُهُورِ الْحَقِّ وَدَوْلَتِهِ مَعَ الْإِمَامِ الظَّاهِرِ مِنْكُمْ؟ فَقَالَ ع: يَا عَمَّارُ الصَّدَقَةُ فِي السِّرِّ...

۲۳۳ فَلَمَّا طَالَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ الْعَذَابُ ضَجُّوا وَبَكَوا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا. فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى وَهَارُونَ...

۱۸۴ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع جَالِسًا فَسَأَلَهُ مُعَلَّى بْنُ خُنَيْسٍ: أَيْسِيرُ الْقَائِمُ ع بِخِلَافِ سِيرَةِ عَلِيِّ ع؟ قَالَ: نَعَمْ وَذَلِكَ أَنَّ عَلِيًّا سَارَ بِالْمَنِّ وَالْكَفِّ لِأَنَّهُ عَلِمَ أَنَّ شِيعَتَهُ سَيُظْهِرُ عَلَيْهِمْ [مِنْ بَعْدِهِ] وَإِنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ، سَارَ فِيهِمْ بِالسَّيْفِ وَالسَّبِيِّ وَذَلِكَ أَنَّهُ يَعْلَمُ أَنَّ شِيعَتَهُ لَمْ يُظْهِرْ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا

۱۵۶ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يُمَحَّصُوا وَيُمَيَّزُوا وَيُغْرَبَلُوا وَيَخْرُجُ فِي الْغُرَبَالِ خَلْقٌ كَثِيرٌ

۱۸۶ لَا يَقْتُلُ أَحَدًا مِنْهُمْ إِلَّا كَافِرٌ أَوْ مُنَافِقٌ

۶۲ لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ حَتَّى يَخْرُجَ اثْنَا عَشَرَ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ كُلُّهُمْ يَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ



- ۶۲ لَا يَوْمُ الْقَائِمِ عَ حَتَّى يَوْمِ اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا كُلُّهُمْ يُجْمَعُ عَلَى قَوْلِ إِيْنَهُمْ قَدْ رَأَوْهُ فَيَكْذِبُونَهُمْ
- ۲۲۳ اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْاِمَامَ الْهَادِيَ الْمُهْدِيَ الْقَائِمَ بِاَمْرِكَ...
- ۳۵۰ مَا ضَعْفَ بَدَنٌ عَمَّا قَوِيَتْ عَلَيْهِ النَّبِيَّةُ
- ۲۵۰ نَوْمَةُ الْغَدَاةِ مَسْوْمَةٌ تَطْرُدُ الرَّزْقَ وَ تَصْفُرُ الْوَنَ وَ تُغَيِّرُهُ وَ تُقَبِّحُهُ وَ هُوَ نَوْمٌ كُلُّ مَسْوومٍ. اِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى يُقَسِّمُ الْاَرْزَاقَ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ اِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ اِيَّاكُمْ وَ تِلْكَ النُّوْمَةُ
- ۳۲۴ وَ اللّٰهُ لَوْ اَنَّ رَجُلًا صَامَ النَّهَارَ وَ قَامَ اللَّيْلَ ثُمَّ لَقِيَ اللّٰهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِغَيْرِ وَّلَايَتِنَا اَهْلَ الْبَيْتِ لَلْقِيَهُ وَ هُوَ عَنْهُ غَيْرُ رَاضٍ اَوْ سَاخِطٌ عَلَيْهِ
- ۴۷ وَ يَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَ يَأْخُذُ مِنْهُ زَكَاتَهُ فَلَا يَجِدُ اَحَدًا يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ. اسْتَغْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ
- ۳۲۶ وَ لَا يَتَنَا وَ لَا يَأِيُّهُ اللّٰهُ اَلَّتِي لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ اِلَّا بِهَا
- ۱۵۶ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَا يَكُونُ فَرَجًا حَتَّى تُغْرَبُوا ثُمَّ تُغْرَبُوا ثُمَّ تُغْرَبُوا يَقُولُهَا ثَلَاثًا حَتَّى يَذْهَبَ الْكُدْرُ وَ يَبْقَى الصَّفْوُ
- ۱۹۹ يَا عَيْسَى سَمِعْتُ فِكْلُ مَا هُوَ اَتٍ قَرِيْبٌ
- ۳۷ يَمَلُّ اَلْاَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ يَقْتُلُ حَتَّى يَقُوْلَ الْجَاهِلُ لَوْ كَانَ هَذَا مِنْ ذُرِّيَةِ مُحَمَّدٍ لَرَحِمَ

• امام کاظم (ع)

۳۷۰ ○ انتظار عامیانه، انتظار عالمانه، انتظار عارفانه

- ۱۵۷ أَمَا وَاللَّهِ يَا أَبَا إِسْحَاقَ مَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى تُمَيِّزُوا وَتُمَحَّصُوا وَحَتَّى لَأَ يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَقْلُ ثُمَّ صَعَرَ كَفَّهُ
- ۱۰۰ إِنَّ الشَّيْعَةَ تُرَبَّى بِالْأَمَانِيِّ مِنْذُ مَائَتَيْ سَنَةٍ
- ۱۰۱ قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع: مَا بَالُ مَا رَوَى فِيكُمْ...

### • امام رضا (ع)

- ۲۵۸ أَمَا عَلِمْتَ أَنَا مَعَاشِرَ الْأَيْمَةِ تُعْرَضُ عَلَيْنَا أَعْمَالُ شَيْعَتِنَا صَبَاحًا وَ مَسَاءً، فَمَا كَانَ مِنَ التَّقْصِيرِ فِي أَعْمَالِهِمْ سَأَلْنَا اللَّهَ تَعَالَى الصَّفْحَ لِصَاحِبِهِ وَ مَا كَانَ مِنَ الْعُلُوِّ سَأَلْنَا اللَّهَ الشُّكْرَ لِصَاحِبِهِ
- ۲۵۷ الْإِمَامُ، الْأَبِيسُ الرَّفِيقُ وَ الْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَ الْأَخُ الشَّقِيقُ وَ الْأُمُّ الْبِرَّةُ بِالْوَالِدِ الصَّغِيرِ
- ۲۵۷ لِلْإِمَامِ عَلَامَاتٌ. يَكُونُ ... وَ يَكُونُ أُشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَ أُمَّهَاتِهِمْ
- ۲۰۶ و ۲۹۷ مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ وَ لَمْ يَسْتَقِ إِلَى لِقَائِهِ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ
- ۱۵۷ وَ اللَّهُ مَا يَكُونُ مَا تَمْدُونُ أَعْيُنَكُمْ إِلَيْهِ حَتَّى تُمَحَّصُوا وَ تُمَيِّزُوا...

### • امام جواد (ع)

- ۳۲۴ إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَهُ وَ أَصْلُهُ وَ فِرْعُهُ وَ مَعْدِنُهُ وَ مَاوَاهُ وَ مُنْتَهَاهُ
- ۱۵۷ أَنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ وَ ارْتِدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ بِإِيمَانَتِهِ

### • امام هادی (ع)

- ۳۰۰ الْإِمَامُ الْهَادِي (ع): قِيلَ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى (ع): مَا بَالُ هَؤُلَاءِ الْمُسْلِمِينَ يَكْرَهُونَ الْمَوْتَ؟ قَالَ: لِأَنَّهُمْ جَهَلُوا فِكْرَهُوهُ ...

بِمَوالاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ

۳۲۵

• امام حسن عسکری(ع)

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ قَضَى بَيْنَ النَّاسِ بِعِلْمِهِ كَقَضَاءِ دَاوُدَ عَ لَا يُسْأَلُ الْبَيِّنَةَ

۳۳

الإمام العسکری(ع): دَخَلَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ(ع) عَلِيَّ مَرِيضٍ مِنْ أَصْحَابِهِ وَ هُوَ يَبْكِي وَ يَجْزَعُ مِنَ الْمَوْتِ ، فَقَالَ لَهُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ ، تَخَافُ مِنَ الْمَوْتِ لِأَنَّكَ لَا تَعْرِفُهُ ...

۳۰۱

عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَ انْتِظَارِ الْفَرَجِ فَإِنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي انْتِظَارُ الْفَرَجِ وَ لَا تَرَالُ شَيْعَتُنَا فِي حُزْنٍ حَتَّى يَظْهَرَ وَ لَدِي الَّذِي بَشَّرَ بِهِ النَّبِيُّ ص يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا فَاصْبِرْ ... وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَيَّ جَمِيعِ شَيْعَتِنَا وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

۱۰۱

وَ اللَّهُ لَيَغَيِّبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ النَّهْلِكَةِ إِلَّا مَنْ يُثْبِتُهُ اللَّهُ عَلَيَّ الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَ وَفَّقَهُ لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ

۲۳۲

• امام مهدی(ع)

... فَإِنَّا نَحِيطُ عِلْمًا بِأَبْنَائِكُمْ وَ لَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ - وَ مَعْرِفَتِنَا بِالذُّلِّ الَّذِي أَصَابَكُمْ مُذْ جَنَحَ كَثِيرٌ مِنْكُمْ إِلَى مَا كَانَ السَّلْفُ الصَّالِحُ عَنْهُ شَاسِعًا وَ تَبَدُّوا الْعَهْدَ الْمَأْخُودَ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لَذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ السَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ

۴۹

أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ

۲۳۰

- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّاصِرُ لِلْحَقِّ الدَّاعِي إِلَى كَلِمَةِ  
الصِّدْقِ... وَبَعْدُ فَقَدْ كُنَّا نَنْظُرُكَ مُنْجَاتِكَ ...  
۲۵۷
- فَإِنَّا نَحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يُعْرَبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ ... إِنَّا غَيْرُ  
مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لَذِكْرِكُمْ  
۲۵۸
- فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَ لَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ  
۲۶۰
- لِلْأَخِ السَّدِيدِ وَ الْوَلِيِّ الرَّشِيدِ الشَّيْخِ الْمُفِيدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ  
التُّعْمَانِ ... بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَا بَعْدُ سَلَامٌ عَلَيْكَ ... وَ نُعَلِّمُكَ ...  
أَنَّهُ قَدْ أَدِنَ لَنَا فِي تَشْرِيفِكَ بِالْمُكَاتَبَةِ  
۲۵۶
- وَ أَمَا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالسَّمْسِ إِذَا غَيْبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ  
السَّحَابِ وَ إِنِّي لِأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ  
۱۴۰
- وَ لَوْ أَنَّ أَشْيَاءَنَا وَفَقَّهَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتَهُ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَقَاءِ  
بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ  
بِمُشَاهَدَتِنَا  
۱۴۵

## فهرست ادعیه

### صفحه

- ۸۲      اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْبِي وَبَيْتَهُ الْمَوْتُ ... فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرّاً كَفْنِي،  
شاهراً سِنْفِي، مُجَرِّداً قَنَاتِي
- ۱۸۰      اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعَزُّ بِهَا الْأِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُدَلِّ بِهَا  
النُّفَاقَ وَ أَهْلَهُ
- ۷۶      إِلَيَّ مَتَى أَحَارُ فَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَ إِلَيَّ مَتَى وَ أَيُّ خِطَابٍ أَصِفُ فَيْكَ وَ  
أَيُّ نَجْوَى ...
- ۲۶۸      إِنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَأَلَكُمْ
- ۳۲۹      أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي
- ۲۱۶ و ۱۱۴      أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ
- ۱۱۹      أَيْنَ قَاصِمِ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ؟ أَيْنَ هَادِمِ أُبَيْيَةِ الشَّرْكِ وَ النُّفَاقِ؟
- ۱۱۵      أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ
- ۲۱۶      أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا
- ۱۱۲      سَيِّدِي غَيْبَتُكَ نَفَتْ رُقَادِي

عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ اُرَى الْخَلْقَ وَ لَا تُرَى وَ لَا اَسْمَعُ لَكَ حَسِيْسًا وَ لَا  
نَجْوَى عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ تُحِيْطَ بِكَ دُوْنِي الْبَلْوَى وَ لَا يَنَالِكَ مِنِّي ضَجِيْحٌ  
وَ لَا شَكْوَى...

اللّٰهُمَّ اِرْنِي الطَّلَعَ الرَّشِيْدَةَ وَ الْعُرَةَ الْحَمِيْدَةَ وَ اَكْحُلْ نَاظِرِي بِنَظْرَةِ مَنْسِي  
اِلَيْهِ

اللّٰهُمَّ اَكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَةَ عَنْ هَذِهِ الْاُمَّةِ بِحُضُوْرِهِ وَ عَجِّلْ لَنَا ظُهُوْرَهُ اِنْهَمُّ  
يُرُوْنَهُ بَعِيْدًا وَ نَرَاهُ قَرِيْبًا

اللّٰهُمَّ اِنَّا نَشْكُو اِلَيْكَ فَقَدْ نَبِيْنَا وَ غَيْبَةَ وَّلِيْنَا وَ كَثْرَةَ عَدُوْنَا وَ قَلَّةَ عَدَدِنَا

اللّٰهُمَّ اِنَّا نَشْكُو اِلَيْكَ فَقَدْ نَبِيْنَا وَ غَيْبَةَ اِمَامِنَا

اللّٰهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بِنِ الْحَسَنِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى اَبَائِهِ...

مَتَى تَرَانَا وَ نَرَاكَ، وَ قَدْ نَشَرْتَ لِرِوَاءِ النَّصْرِ تُرَى؟ اَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَ

اَنْتَ تَأْمُ الْمَلَأُ، وَ قَدْ مَلَأْتَ الْاَرْضَ عَدْلًا؟

## فهرست بیانات امام خمینی

### صفحه

- ۲۷ و شما آقایان اگر توقع دارید که در یک شب همه امور بر طبق اسلام و احکام خداوند تعالی متحول شود یک اشتباه است، و در تمام طول تاریخ بشر چنین معجزه‌ای روی نداده است و نخواهد داد. و آن روزی که ان شاء الله تعالی مصلح کل ظهور نماید، گمان نکنید که یک معجزه شود و یک‌روزه عالم اصلاح شود؛ بلکه با کوششها و فداکاریها ستمکاران سرکوب و منزوی می‌شوند.
- ۴۵ باید اشخاصی که می‌خواهند صحبت کنند ببینند که آیا حق را می‌خواهند برای حق؟ بزرگتر چیزی که انسان اگر آن را داشته باشد کمال بزرگ دارد این است که حق را برای حق بخواهد...
- ۵۱ و ما نباید توقع داشته باشیم که صبح کنیم در حالی که همه چیز سر جای خودش باشد. در زمان حضرت صاحب - سلام الله علیه - هم که ایشان با تمام قدرت می‌خواهند عدل را اجرا نمایند، با این ترتیب نمی‌شود که هیچ کس حتی خلاف پنهانی هم نکند. و بالاخره همانها هم که مخالف هستند حضرت صاحب را شهید می‌کنند. و در روایات، قریب به این معنا دارد که بعضی فقهای عصر با ایشان مخالفت می‌کنند.
- ۵۵ بله، در زمان حضرت صاحب - سلام الله علیه - حکومت واحد می‌شود... یک عدالت اجتماعی در همه عالم می‌آید، اما نه اینکه انسانها بشوند یک انسان دیگر. انسانها همانها هستند که یک دسته‌شان خوب‌اند، یک [دسته] بد. منتها آنهایی که بد هستند، دیگر نمی‌توانند که

کارهای خلاف بکنند.

۱۲۶ ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم....

۱۲۷ برای من مکان مطرح نیست. آنچه مطرح است مبارزه بر ضد ظلم است. هر جا بهتر این مبارزه صورت بگیرد آنجا خواهم بود

۱۲۷ با جدیت به تحصیل علوم و کسب معارف و بهره‌وری از استعداد های الهی خود پردازید؛ و هیچ گاه سلاح مبارزه با ظلم و استکبار و استضعاف را بر زمین نگذارید؛ و دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا را شعار خود سازید

۱۲۷ من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می کنم که اگر جهان خواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه ی دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست، یا همه آزاد می شویم و یا به آزادی بزرگ تری که شهادت است می رسیم... بغض و کینه انقلابی‌تان را در سینه‌ها نگه دارید؛ با غضب و خشم بر دشمنانتان بنگرید؛ و بدانید که پیروزی از آن شماست.

۱۳۴ مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت- ارواحنا فداه- است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. ....

۱۴۳ حضرت صاحب که تشریف می‌آورند برای چی می‌آیند؟ برای اینکه گسترش بدهند عدالت را، برای اینکه حکومت را تقویت کنند، برای

و ۲۴۱



فهرست‌ها ○ ۳۷۷

- ۲۴۳ و اینک فساد را از بین ببرند... حضرت بیایند چه می‌کنند؟ حضرت می‌آیند، می‌خواهند همین کارها را بکنند... ما اگر دستمان می‌رسید، قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم و جورها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست، منتها ما نمی‌توانیم... ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم؛ تکلیفمان است... اما نمی‌توانیم بکنیم؛ چون نمی‌توانیم بکنیم، باید او بیاید تا بکند. اما ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت - سلام الله علیه -
- ۱۶۱ و قضیه غیبت حضرت صاحب، قضیه مهمی است که به ما مسائلی می‌فهماند....
- ۲۲۶ دعای عهد در تقدیر انسان مؤثر است.
- ۲۴۳ ما تکلیف داریم آقا! این‌طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان - سلام الله علیه - هستیم پس دیگر بنشینیم تو خانه هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم «عَجَلٌ عَلَى فَرَجِهِ». عَجَلٌ، با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او. و فراهم کردن اینکه مسلمین را با هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید. ان شاء الله ظهور می‌کند ایشان.
- ۲۴۴ انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است، و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند، و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود.
- ۲۴۴ و آخرین سختم در اینجا با شما اینکه به جمهوری اسلامی، که ثمره خون پدرانان است، تا پای جان وفادار بمانید؛ و با آمادگی خود و صدور انقلاب و ابلاغ پیام خون شهیدان، زمینه را برای قیام منجی عالم

۳۷۸ ○ انتظار عامیانه، انتظار عالمانه، انتظار عارفانه

و خاتم الاوصیا و الاولیا، حضرت بقیة اللہ - روحی فداہ - فراہم سازید.

۲۷۸ حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر - ولو امام عصر باشد - اهمیتش بیشتر است؛ برای اینکه امام عصر هم خودش را فدا می‌کند برای اسلام....

۲۷۹ مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با وضعی که در دنیا مشاهده می‌شود و با این نشانه‌گیریایی که از چپ و راست و دور و نزدیک نسبت به این مولود شریف می‌شود، از اهمّ واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز به آن مزاحمت نمی‌کند؛ و از اموری است که احتمال خلل در آن عقلاً منجز است.

۲۷۹ انقلاب اسلامی ایران با تأیید خداوند منان در سطح جهان در حال گسترش است، و ان شاء اللّٰه با گسترش آن، قدرتهای شیطانی به انزوا کشیده خواهند شد و حکومت مستضعفان برپا و زمینه برای حکومت جهانی مهدی آخر الزمان - عجل اللّٰه تعالی فرجه الشریف و ارواحنا لتراب مقدمه الفداہ - مهیا خواهد شد.

۲۸۰ ما امروز دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان بیش از پیش می‌بینیم و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امیدبخش آتیه روشن است و وعده خداوند تعالی را نزدیک و نزدیکتر می‌نماید. گویی جهان مهیا می‌شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه و کعبه آمال محرومان و حکومت مستضعفان...

## فهرست بیانات امام خامنه‌ای

### صفحه

- ۱۵ روز نیمه‌ی شعبان روز امید است... اصل امید به یک آینده‌ی روشن برای بشریت و ظهور یک موعود، یک منجی، یک دست عدالت‌گستر در سرتاسر جهان، تقریباً مورد اتفاق همه‌ی ادیانی است که در عالم سراغ داریم...
- ۶۰ خیلی از بزرگان ما در همین دوران غیبت، آن عزیز و محبوب دل‌های عاشقان و مشتاقان را از نزدیک، زیارت کرده‌اند. بسیاری از نزدیک با او بیعت کرده‌اند. بسیاری از او سخن دلگرم‌کننده شنیده‌اند. بسیاری از او نوازش دیده‌اند و بسیار دیگری بدون اینکه او را بشناسند، از او لطف و نوازش و محبت دیده و او را نشناخته‌اند.
- ۶۰ ممکن است یک انسان سعادت‌مندی، چشمش، دلش این ظرفیت را پیدا کند که به نور آن جمال مبارک روشن شود، اما یک چنین کسانی اهل ادعا نیستند؛ اهل گفتن نیستند؛ اهل دکان‌داری نیستند. این کسانی که دکان‌داری می‌کنند به این وسیله، انسان می‌تواند به طور قطع و یقین بگوید این‌ها دروغ‌گو هستند؛ مفتری هستند.
- ۱۴۳ ما که منتظر امام زمان هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان (علیه آلاف التحية و الثناء و عجل الله تعالی فرجه) تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البته، ما کوچکتر از آن هستیم که بتوانیم آن گونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهند ساخت، بنا کنیم؛ اما باید در آن جهت تلاش و کار کنیم.

مسئله فقط ایران هم نبود؛ ایران به عنوان یک الگو برای جوامع اسلامی ۱۵۲  
در درجه‌ی اول، و همه‌ی جوامع بشری در درجه‌ی بعد، مورد نظر بود. و ۲۸۴  
ما میخواستیم این جامعه را با این خصوصیات بسازیم... و آن را  
بگذاریم جلوی چشم آحاد بشر و امت اسلامی؛ بگویند این است که  
هم مطلوب اسلام است، و هم میسر مردم این روزگار است... انقلاب  
میخواست به همه‌ی کسانی که در هر نقطه‌ای از دنیای اسلام هستند،  
نشان بدهد که این الگو تحقق‌یافتنی و شدنی است؛ این هم نمونه‌اش.  
این آن چیزی بود که به عنوان هدف انقلاب وجود داشت. این هدف از  
اول بود، به شما عرض کنم که امروز هم همین هدف هست، در آینده  
هم همین هدف خواهد بود؛ این هدف ثابت است.

اگر مهدویت نباشد، معنایش این است که همه‌ی تلاش انبیاء، همه‌ی ۱۶۲  
این دعوتهای، این بعثتها، این زحمات طاقت فرسا، اینها همه‌اش بی‌فایده  
باشد، بی‌اثر بماند. بنابراین، مسئله‌ی مهدویت یک مسئله‌ی اصلی است؛  
جزو اصلی‌ترین معارف الهی است. لذاست که در همه‌ی ادیان الهی هم  
تقریباً - حالا تا آنجائی که ما اطلاع داریم - یک چیزی که لبّ و معنای  
حقیقی آن همان مهدویت است، وجود دارد.

وضع کنونی یعنی وضع «وجود یک قدرت اسلامی» شاید هزار مرتبه از ۱۹۳  
«بهترین حالاتی که در حکومت طاغوت ممکن است یک فرد برای  
ترویج و پیگیری و تحقق آرمان‌های الهی داشته باشد»، بهتر باشد. پس  
بایستی این را قدر دانست.

البته وعده‌ی الهی حق است و استقرار عدل جهانی فقط در دوران ۲۴۴  
ظهور حضرت بقیة الله (أرواحنا له الفداء) انجام خواهد گرفت؛ اما یک  
ملت مؤمن و مبارز می‌تواند زمینه را برای تشکیل آن حکومت فراهم

فهرست‌ها ○ ۳۸۱

کند؛ همچنان که ملت ایران تاکنون توانسته و بر خیلی از مشکلات فایق آمده است.

۲۴۵ در زمان ما، یک نفر پیدا شد که گفت «اگر من تنها بمانم و همه‌ی دنیا در مقابل من باشند، از را هم بر نمی‌گردم.» آن شخص، امام ما بود که عمل کرد و راست گفت ... دیدید، یک انسان حسینی و عاشورایی چه کرد؟ خوب؛ اگر همه‌ی ما عاشورایی باشیم، حرکت دنیا به سمت صلاح، سریع، و زمینه‌ی ظهور ولی مطلق حق، فراهم خواهد شد.

۲۴۵ شما مردم عزیز بخصوص شما جوانان هرچه که در صلاح خود، در معرفت و اخلاق و رفتار و کسب صلاحیتها در وجود خودتان بیشتر تلاش کنید، این آینده را نزدیک‌تر خواهید کرد. این‌ها دست خود ماست. اگر ما خودمان را به صلاح نزدیک کنیم، آن روز نزدیک خواهد شد؛ همچنان که شهدای ما با فدا کردن جان خودشان آن روز را نزدیک کردند...

۲۴۶ امام زمان می‌آید انجام می‌دهد، یعنی چه؟! امروز تکلیف شما چیست؟ شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه‌ی آماده، اقدام فرماید. از صفر که نمی‌شود شروع کرد! جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود ارواحنا فداه باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و الا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می‌شود... پس می‌شود زمینه‌ها را فراهم کرد. وقتی چنین زمینه‌هایی ان شاء الله گسترش پیدا کند، زمینه‌ی ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه نیز پدید می‌آید و مسأله‌ی مهدویت این آرزوی دیرین بشر و مسلمین تحقق می‌یابد.

۲۷۲ آن وقت که معلوم شد در مقابل قدرت مادی مستکبران عالم، زمینه‌ی این وجود دارد که آحاد بشر بتوانند بر روی حرف حق خود بایستند، آن روز، روز ظهور امام زمان است...

۲۸۲ ...البته وعده‌ی الهی حق است و استقرار عدل جهانی فقط در دوران ظهور حضرت بقیة الله (أرواحنا له الفداء) انجام خواهد گرفت؛ اما یک ملت مؤمن و مبارز می‌تواند زمینه را برای تشکیل آن حکومت فراهم کند؛ همچنان که ملت ایران تاکنون توانسته و بر خیلی از مشکلات فایق آمده است.

۲۸۲ فرایند تحقّق هدفهای اسلامی، یک فرایند طولانی و البته دشواری است ... قدم اول که پُرهیجان‌تر و پُرسروداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است ... قدم بعدی، ... اگر این مرحله به وجود آمد، آن وقت برای مسلمانهای عالم، الگو و اسوه می‌شویم: «لتكونوا شهداء على الناس»...

۲۸۳ بنده دو سه سال قبل در یکی از همین جلسات گفتم ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله‌ی بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است. ما امروز در مرحله‌ی دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم.

## فهرست بیانات آیت الله بهجت

### صفحه

اشخاصی را می‌خواهند که تنها برای آن حضرت باشند. کسانی منتظر فرج ۴۶ و هستند که برای خدا و در راه خدا منتظر آن حضرت باشند، نه برای ۷۹ برآوردن حاجات شخصی خود!

آیا درست است که ما راحت بنشینیم و نظاره‌گر باشیم و برادران و ۶۴ خواهران ایمانی ما در دست ظالمان گرفتار باشند؟! ... آیا می‌شود رییس و مولای ما حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف محزون باشد، و ما خوشحال باشیم؟! و

آیا می‌شود رییس و مولای ما حضرت ولی عصر (ع) محزون باشد، و ما ۷۸ خوشحال باشیم؟! او در اثر ابتلای دوستان، گریان باشد و ما خندان و خوشحال باشیم، و در عین حال خود را تابع آن حضرت بدانیم؟! و

تنها پیدا کردن و دیدن حضرت مهم نیست ... هر کدام در فکر حوایج ۷۹ شخصی خود هستیم، و به فکر آن حضرت - که نفعش به همه برمی‌گردد و از اهم ضروریات است - نیستیم!

چقدر باید در فکر حضرت غائب (ع) باشیم و برای تعجیل در امر فرجش ۲۳۳ دعا کنیم؟! به طور یقین دعا در امر تعجیل فرج آن حضرت مؤثر است، اما نه لقلقه زبان و «عَجَّلْ فَرَجَهُ» خشک و خالی و ورد همیشگی که در آخر منبر برای این‌که مردم از جا بلند شوند گفته می‌شود. دعای تعجیل فرج مثل نماز ناقله، عمل مستحبی است، یعنی راستی و جدی و با هم و غم متأثر باشیم و از خدا بخواهیم تا فاصله هزار و چند ساله که بین مردم و

واسطه فیض اتفاق افتاده است، برطرف شود و به پایان برسد. دعای با حال حزن و اندوه و تأثر قلبی از مردم واقع نمی شود، اگر می شد قطعاً وضع این طور نبود.

در زمان غیبت هم عنایات و الطاف امام زمان(عج) نسبت به محبّان و ۶۱ شیعیانش زیاد دیده شده؛ باب لقا و حضور بالکلیه مسدود نیست؛ بلکه اصل رؤیت جسمانی را هم نمی شود انکار کرد.

لازم نیست که انسان در پی این باشد که به خدمت حضرت ولی عصر ۶۳ عجل الله تعالی فرجه الشریف تشرّف حاصل کند، بلکه شاید خواندن دو رکعت نماز سپس توسّل به ائمه علیهم السلام بهتر از تشرّف باشد؛ زیرا هر کجا که باشیم آن حضرت می بیند و می شنود، و عبادت در زمان غیبت افضل از عبادت در زمان حضور است؛ و زیارت هر کدام از ائمه اطهار علیهم السلام مانند زیارت خود حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

مهمّ این است که در وقت تشرّف از آن حضرت سؤال کنید که ... ؛ ما به ۶۱ کسانی که برای سفر حجّ با ما خداحافظی کرده اند، این تذکر را داده ایم که اگر عینک بزنید ممکن است به خدمت آن حضرت برسید، و ملاقات حاصل شود.

هر کس باید در فکر خود باشد و راهی برای ارتباط با حضرت ۳۱۲ حجّت(عج) و فرج شخصی خود پیدا کند، خواه ظهور و فرج آن حضرت دور باشد، یا نزدیک!...

یک بار بنده از ایشان(آیت الله بهجت) سوال کردم که اگر ما بخواهیم در ۱۴۴ ظهور امام عصر تعجیل شود، چه کار باید بکنیم؟ ایشان فرمودند: همان



فهرست‌ها ○ ۳۸۵

کارهایی که در عصر ظهور ایشان قرار است انجام دهیم را الآن انجام دهیم. اگر ایشان حاضر بود ما چه کارهایی را می‌کردیم و چه کارهایی را نمی‌کردیم؟ همان رفتارها و کارهای خوب را همین الآن انجام دهیم و بدی‌ها را همین الآن ترک کنیم، ظهور ایشان محقق می‌شود.

یکی از امور مهم، بلکه از اهم امور، این است که بدانیم چه کار کنیم تا مثل ۶۱ و کسانی از علما و متشرعه و صلحای تابع علما باشیم که فرج شخصی و ۳۱۱ ارتباط خاص با حضرت ولی عصر(ع) داشته‌اند، ...

## فهرست منابع

توضیح: ۱. متن دقیق و اعراب گذاری شده عمده روایات و نیز منبع آنها، با استفاده از نرم افزارهای جامع الاحادیث و جامع التفاسیر، بدست آمده است. ۲. مرجع اصلی در مراجعه و انتخاب احادیث توسط مؤلف، عمدتاً کتاب شریف «میزان الحکمه» و همچنین نرم افزار «جامع الاحادیث» بوده است. ۳. در ترجمه آیات و روایاتی که مؤلف متعرض آنها نشده بود، گروه تدوین و ویراستاری، از ترجمه های موجود در نرم افزارهای «جامع التفاسیر» و «گنجینه روایات نور»، بهره برده است. اما از آنجا که اغلب ترجمه ها، ترکیبی از چند ترجمه و معمولاً همراه با اعمال برخی تغییرات بوده است، ارجاع هر یک از ترجمه ها به نام یک مترجم، ممکن نبود. در ترجمه آیات، از ترجمه استاد مهدی الهی قمشه ای (ره)، ترجمه تفسیر المیزان (توسط سید محمد باقر موسوی همدانی)، حضرت آیت الله مکارم شیرازی، استاد مهدی فولادوند (ره)، حجت الاسلام حسین انصاریان، و حجت الاسلام محسن قرائتی، با تغییراتی استفاده شده است.

**اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، الحر العاملی، محمدبن**

الحسن (متوفی ۱۱۰۴ق)، اعلمی، بیروت، ۱۴۲۵ق، ۳ج.

فهرست‌ها ○ ۳۸۷

الإحتجاج علی أهل اللجاج، طبرسی، ابو منصور احمد بن علی (متوفی ۵۸۸ق)، خراسان، محمد (محقق/مصحح)، نشر مرتضی، مشهد مقدس، چاپ اول، ۱۴۰۳ق، ج ۲.

الإختصاص، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۳۳۶ - ۴۱۳ هجری) کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق. (توضیح: این کتاب جلد ۱۲ از مجموعه مصنفات شیخ مفید است که توسط انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیز تجدید چاپ شده است)

الإرشاد (الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد)، شیخ مفید، ابو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، (۳۳۶ - ۴۱۳ق)، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.

استفتائات از محضر حضرت آیت الله العظمی بهجت، بهجت، محمد تقی (۱۲۹۴-۱۳۸۸ش)، دفتر حضرت آیت الله محمد تقی بهجت، قم، ۱۳۸۶ش.

استفتائات جدید (حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی)، مکارم شیرازی، ناصر (متولد ۱۳۰۵ش)، علیان نژادی، ابوالقاسم (گردآورنده و تنظیم کننده)، انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)، قم، چاپ ششم، ۱۳۸۹ش. ج ۳.

أصول الكافي (ترجمه مصطفوی)، کلینی، محمد بن یعقوب (متوفای ۳۲۹ ق)، کتاب فروشی علمیه اسلامیة، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش، ۴ ج.

اعلام الدین، ابو محمد، حسن بن ابی الحسن دیلمی، مؤسسه آل البیت علیهم السلام قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.

إعلام الوری بأعلام الهدی، طبرسی، ابو علی، فضل بن حسن بن فضل، معروف به امین الاسلام طبرسی (متوفای ۵۴۸ ق) دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ق.

إقبال الأعمال (الإقبال بالأعمال الحسنة)، ابن طاووس، علی بن موسی، مشهور به سید بن طاووس (۵۸۹ - ۶۶۴ ق)، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۷ ش.

إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب (عج)، یزدی حایری، علی (متوفای ۱۳۲۳ ق)، عاشور، علی (محقق/مصحح)، مؤسسه اعلمی، بیروت، ۱۴۲۲ ق، ۲ ج.

الألفین فی إمامة أمير المؤمنين عليه السلام، علامه حلی، جمال الدین، حسن بن یوسف بن مطهر، (۶۴۷-۷۲۶ ق)، انتشارات دار الهجرة، قم، ۱۴۰۹ ق. (توضیح: این چاپ از چاپ سوم کتاب که در سال ۱۴۰۲ ق در بیروت منتشر شده عکس برداری شده است)

فهرست‌ها ○ ۳۸۹

**الأمالی (للشیخ الصدوق)**، شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۳۰۵-۳۸۱ ق)، انتشارات کتابخانه اسلامیة، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ش. (توضیح: این چاپ با ترجمه آیت الله کمره‌ای است و قسمت پایین صفحات کتاب به ترجمه اختصاص داده شده است)

**الأمالی (للشیخ الطوسی)**، طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، معروف به شیخ الطائفه (۳۸۵ - ۴۶۰ هجری)، انتشارات دارالثقافة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.

**امالی (للشیخ المفید)**، مفید، ابو عبد الله، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، بغدادی (۳۳۶-۴۱۳ هجری) نشرکنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

**امام مهدی(ع) از تولد تا بعد از ظهور**، قزوینی موسوی، سید محمد کاظم، راشدی، لطیف(مترجم)، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۷ش.

**الإنصاف فی النص علی الأئمة علیهم السلام** (ترجمه رسولی محلاتی)، بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، رسولی محلاتی، هاشم(مترجم)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ق.

بحار الأنوار (الجامعة الدرر أخبار الأئمة الأطهار)، مجلسی، مولی  
محمد باقر بن محمد تقی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ق)، مؤسسه الوفاء،  
بیروت، ۱۴۰۴ق، ۱۱۰ج.

البدایة و النهایة، عماد الدین اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی  
(۷۰۱-۷۷۴ق)، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۷ق / ۱۹۸۶م.

برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، رجائی، غلامعلی، نشر  
عروج، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۸ش (توضیح: این مجموعه در پنج  
جلد چاپ شده که هر جلد از آن به موضوع خاصی اختصاص  
دارد: جلد ۱: در خانواده؛ جلد ۲: ویژگی‌های فردی؛ جلد ۳: حالات  
معنوی؛ جلد ۴: رهبری؛ جلد ۵: در عرصه تعلیم و تدریس و  
مرجعیت)

بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)، صفار، محمد  
بن حسن بن فروخ (متوفای ۲۹۰ق)، کوچه باغی، محسن بن  
عباسعلی (محقق/مصحح)، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی  
نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.

پایه پای آفتاب، ستوده، امیر رضا، نشر پنجره، تهران، چاپ  
ششم، ۱۳۸۷ش. (توضیح: این مجموعه در ۶ جلد چاپ شده  
است)

فهرست‌ها ○ ۳۹۱

تاریخ الطبری، طبری، أبو جعفر محمد بن جریر (۲۲۴ - ۳۱۰ ق)، محمد أبو الفضل ابراهیم (محقق)، دار التراث، بیروت، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷ م.

التحصین للسید ابن طاووس (التحصین لأسرار ما زاد من أخبار کتاب الیقین)، ابن طاووس، علی بن موسی بن جعفر، مؤسسه دارالکتاب، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

تحف العقول، حرانی، ابو محمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه (قرن چهارم ق)، مؤسسه انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، قم، ۱۴۰۴ ق / ۱۳۶۳ ش.

التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مصطفوی، حسن (متوفای ۱۴۲۶ ق)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش، ۱۴ ج.

التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ابن طاووس، علی بن موسی، مشهور به سید ابن طاووس (۵۸۹ - ۶۶۴ ق)، مؤسسه صاحب الأمر (عج)، قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق، ۱ ج.

تفسیر الصافی، فیض کاشانی، ملا محسن (قرن یازدهم)، اعلم، حسین (محقق) انتشارات الصدر، تهران، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.

تفسیر العیاشی، عیاشی، محمد بن مسعود (متوفای ۳۲۰ق)،  
رسولی محلاتی، هاشم (محقق)، چاپخانه علمیه، تهران، ۱۳۸۰ق،  
ج.۲.

تفسیر المیزان (ترجمه تفسیر المیزان)، علامه طباطبایی، سید  
محمد حسین (۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ش)، ترجمه سید محمد باقر موسوی  
همدانی، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه  
علمیه قم)، قم، ۱۳۷۴ش، ج.۲۰

تفسیر المیزان (عربی)، علامه طباطبایی، سید محمد  
حسین (۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ش)، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه  
مدرسین حوزه علمیه قم)، قم، ۱۴۱۷ق، چاپ پنجم، ج.۲۰.

تفسیر تسنیم (جلد ۱۲)، جوادی آملی، عبدالله (متولد  
۱۳۱۲ش)، مرکز نشر اسراء، قم، (توضیح: تا کنون ۲۵ جلد از این  
کتاب منتشر شده است)

تفسیر روشن، مصطفوی، حسن (متوفای ۱۴۲۶ق)، مرکز نشر  
کتاب، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.

تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، دار الکتب الاسلامیه،  
تهران، ۱۳۷۴ش، ج.۲۷.

تهذیب الاحکام، طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، معروف  
به شیخ الطائفه (۳۸۵ - ۴۶۰ هجری)، دار الکتب الإسلامیه،



فهرست‌ها ○ ۳۹۳

تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ش.

تاویل الایات الطاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، استرآبادی، سید شرف  
الدین علی حسینی (متوفای ۹۴۰ق)، مؤسسه انتشارات اسلامی  
(وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، قم، چاپ اول،  
۱۴۰۹ق.

**ثواب الأعمال و عقاب الأعمال**، شیخ صدوق، ابو جعفر  
محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۳۰۵-۳۸۱ ق)، انتشارات  
شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴ ش.

**جامع الأخبار**، شیخ تاج الدین، محمد بن محمد بن حیدر  
شعیری (قرن ششم ق)، انتشارات رضی، قم، ۱۳۶۳ ش.

**الجعفریات (الأشعثیات)**، ابن اشعث، ابو علی، محمد بن  
محمد (قرن چهارم ق)، مکتبه نینوی الحدیثه، تهران.

**الخصال**، شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین  
بن بابویه قمی (۳۰۵-۳۸۱ ق)، انتشارات جامعه مدرسین حوزه  
علمیه قم، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

**در محضر بهجت**، رُخشاد، محمد حسین، مؤسسه فرهنگی  
سماء، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ش. ج.۳.

دعائم الإسلام، ابن حَيُّون، نعمان بن محمد مغربی (متوفای ۳۶۳ق)، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ دوم ۱۳۸۵ ق، ج ۲.

دلائل الإمامة، طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم (قرن پنجم ق)، بعثت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.  
سر الصلاة (معراج السالکین و صلاة العارفين)، خمینی روح الله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ ششم، تابستان ۱۳۷۸ش.

سیره امام خمینی، ویژه نامه روزنامه اطلاعات، ۶۹/۳/۱۴.  
شرح إحقاق الحق، سید شهاب الدین المرعشی (۱۴۱۱ق)، السید محمود المرعشی (تحقیق)، انتشارات کتابخانه ایت الله العظمی مرعشی نجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ق، ج ۳۱.

شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید معتزلی، ابو حامد، عبد الحمید بن هبة الله (۵۸۶-۶۵۶ ق) انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ق. (توضیح: ۲۰ جلد در ۱۰ مجلد)

الشموس المضئیة فی الغیبة و الظهور و الرجعة، سعادت پرور، شیخ علی، مؤسسه پیام آزادی، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.

صحیح مسلم (الجامع الصحیح)، ابو الحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری النیسابوری (۲۰۴ - ۲۶۱ هـ ۸۲۰ -

فهرست‌ها ○ ۳۹۵

۸۷۵م)، محمد فؤاد عبد الباقي (محقق)، دار إحياء التراث العربی، بیروت، (توضیح: ۸ جلد در ۴ مجلد)

**طرف من الأنباء و المناقب، ابن طاووس، علی بن موسی،**  
مشهور به سید بن طاووس (۵۸۹ - ۶۶۴ ق)، عطار، قیس (مصحح)،  
انتشارات تاسوعا، مشهد، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.

**ظهور نور،** (ترجمه کتاب الشمس المضيئة في الغيبة و الظهور و  
الرجعة)، سعادت پرور (پهلوانی تهرانی) شیخ علی، وزیرى فرد  
علی (مترجم)، احیاء کتاب، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۷ش.

**عدة الداعی و نجاح الساعی، ابن فهد حلی، احمد بن**  
محمد (متوفای ۸۴۱ ق)، موحدی قمی، احمد (محقق/مصحح)، دار  
الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.

**عقد الدرر فی اخبار المنتظر (عج)، یوسف بن یحیی مقدسی**  
شافعی (متوفای ۶۸۵ ق)، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم،  
۱۳۸۶ش.

**علل الشرائع، شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن**  
حسین بن بابویه قمی ( ۳۰۵ - ۳۸۱ هجری)، مکتبه الداوری، قم،  
چاپ اول، ۱۳۸۵ ش / ۱۹۶۶ م.

العمدة، اسدی حلی یحیی بن حسن بن حسین ، معروف به ابن بطریق حلی، (۵۳۳- ۶۰۰ ق) مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۷ ق.

غرر الحکم (عُرر الحِکم و ذُرر الکِلم)، آمدی، عبد الواحد بن محمد تمیمی (قرن ۶ ق)، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۶۶ ش.

الغیبة للحجة (الغیبة للشیخ الطوسی)، طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، معروف به شیخ الطائفه، (۳۸۵ - ۴۶۰ هجری)، مؤسسه معارف اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

الغیبة للنعمانی، نعمانی، محمد بن ابراهیم ، مشهور به ابن زینب (متوفای قرن چهارم)، نشر صدوق، تهران، چاپ اول ۱۳۹۷ ق.

فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى (ص)، احمد رحمانی همدانی، منیر، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۸ ش.

فاطمه زهرا علیها السلام، شادمانی دل پیامبر (ص)، احمد رحمانی همدانی، سید حسن افتخارزاده (مترجم)، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ ش.

فهرست‌ها ○ ۳۹۷

فرهنگ ابجدی عربی - فارسی (ترجمه المنجد الابدی)،  
بستانی، فؤاد افرام، (۱۹۰۶م) مهیار، رضا (مترجم)، انتشارات  
اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.

### قرآن کریم

قصص الأنبياء عليهم السلام (للراوندي)، راوندي كاشاني،  
شيخ قطب الدين، سعيد بن عبد الله بن حسين (متوفای ۵۷۳ ق)،  
بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد مقدس، چاپ  
اول، ۱۴۰۹ ق.

الكامل فی التاريخ، ابن اثیر، عز الدين أبو الحسن علی بن  
ابی الكرم (متوفای ۶۳۰ ق)، دار صادر - دار بیروت، بیروت،  
۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م.

کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، علی بن حسام الدين  
المتقی الهندی البرهان فوری (متوفای ۹۷۵ق)، مؤسسه الرسالة،  
بیروت، چاپ پنجم، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م، ۱۶ج.

کنز الفوائد، کراچکی، ابو الفتح، محمد بن علی (متوفای ۴۴۹  
ق)، انتشارات دارالذخائر، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ق، ۲ج.

الكافی، کلینی رازی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (متوفای  
۳۲۹ق)، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ش، ۸ج. (توضیح:  
مجموعه کافی ۸ جلد است که ۲ جلد اول آن معروف به اصول

کافی، جلدهای ۳ تا ۷ معروف به فروع کافی، و جلد آخر، روضه کافی نامیده می شود.

**کامل الزیارات**، ابن قولویه قمی، شیخ ابو القاسم، جعفر بن محمد (متوفای ۳۶۷ ق)، نشر مرتضوی، نجف، چاپ اول، ۱۳۵۶ ق.

**کشف الغمّة** (کشف الغمّة فی معرفة الأئمة علیه السلام)، إربلی، علی بن عیسی (متوفای ۶۹۲ ق)، انتشارات مکتبه بنی هاشمی، تبریز، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش، ج ۲.

**کمال الدین و تمام النعمة**، شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۳۰۵-۳۸۱ ق)، نشر اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق، ج ۲.

**لسان العرب**، ابن منظور، محمد بن مکرم (متوفای ۷۱۱ ق)، میر دامادی، جمال الدین (محقق/ مصحح)، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع-دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۵.

**اللّهوف علی قتلی الطفوف** (ترجمه فهری)، ابن طاووس، علی بن موسی (۵۸۹ - ۶۶۴ ق)، فهری زنجانی، احمد (مترجم)، جهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۸ ش.

فهرست‌ها ○ ۳۹۹

**مشیرالأحزان**، ابن نما حلی، نجم الدین، جعفر بن محمد بن جعفر (متوفای ۸۴۱ق) انتشارات مدرسه امام مهدی (عج)، قم، چاپ سوم، ۱۴۰۶ ق.

**مجموعه ورام** (تنبيه الخواطر و نزهة النواظر، معروف به مجموعه ورام)، ورام بن ابی فراس مالکی اشتری (متوفای ۶۰۵ ق.)، انتشارات مکتبه الفقیه، قم، ۲ج در ۱ج.

**مستدرک الوسائل** (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل)، نوری، میرزا حسین، مشهور به محدث نوری (۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ ق.)، مؤسسه آل‌البتت لإحياء التراث، قم، ۱۴۰۸ ق، ۱۸ج.

**مسند الإمام أحمد بن حنبل**، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني (۱۶۴ - ۲۴۱ق/۷۸۰ - ۸۵۵م)، مؤسسه قرطبه، قاهره، ۶ج.

**مصباح الشريعة**، منسوب به امام جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام)، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۰ ق.

**مصباح المتجهد**، طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن طوسی، معروف به شیخ الطائفه (۳۸۵ - ۴۶۰ هجری) مؤسسه فقه الشیععه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

المصباح للكفعمی، کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (۸۴۰ -

۹۰۵ ق)، دار الرضی (زاهدی)، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ق.

معانی الاخبار، شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن

حسین بن بابویه قمی (۳۰۵ - ۳۸۱ ق) مؤسسه انتشارات

اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، قم، ۱۳۶۱ ش.

مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، عباس بن محمد رضا القمی

(۱۲۹۴ - ۱۳۵۹ ق)، انتشارات نبوی، تهران، ۱۳۸۰ ش.

الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر (عج)، ابن

طاووس، سید رضی الدین، علی بن موسی (۵۸۹ - ۶۶۴ ق)،

نشر شریف رضی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.

من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی

بن حسین بن بابویه قمی (۳۰۵ - ۳۸۱ ق)، مؤسسه انتشارات

اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، قم، ۱۴۱۳ ق،

ع.ج.

المناقب (مناقب آل ابی طالب علیهم السلام)، ابن شهر آشوب

مازندرانی، رشید الدین محمد بن علی (۴۸۹ - ۵۸۸ ق)، مؤسسه

انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ ق. چاپ اول. ع.ج.



فهرست‌ها ○ ۴۰۱

میزان الحکمة، محمدی ری شهری، محمد (متولد ۱۳۲۵ش)،  
ترجمه حمیدرضا شیخی (متولد ۱۳۴۱ش)، دارالحدیث، ۱۳۸۱ش،  
ج ۱۵.

نشانه هایی از دولت موعود، طبسی، نجم الدین (متولد  
۱۳۳۴ش)، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵ش.

نهج البلاغه، سید رضی، ابو الحسن، محمد بن حسین موسوی  
(۳۵۹ - ۴۰۶ق)، صبحی صالح (مصحح)، انتشارات دارالهجره، قم.  
الهدایة الكبرى، خصیبي، حسین بن حمدان (متوفای ۳۳۴ق)،  
البلاغ، بیروت، ۱۴۱۹ق

وسائل الشیعة، (تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل  
الشریعة)، شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۰۳۳ - ۱۱۰۴ق)،  
مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹.

نرم افزار جامع الاحادیث (نور ۲)، مرکز تحقیقات  
کامپیوتری علوم اسلامی نور.

نرم افزار جامع الاحادیث ۳، مرکز تحقیقات کامپیوتری  
علوم اسلامی نور.

نرم افزار جامع تفاسیر نور (نور الانوار ۳)، مرکز تحقیقات  
کامپیوتری علوم اسلامی نور.

بخش هایی از کتاب انتظار عامیانه، انتظار عامیانه، انتظار عارفانه

۴۰۲ ○ انتظار عامیانه، انتظار عالمانه، انتظار عارفانه

نرم افزار معجم موضوعی بحار الأنوار، مرکز تحقیقات

کامپیوتری علوم اسلامی نور.

نرم افزار کتابخانه اهل بیت(ع)، نسخه اول، ۱۳۸۴، مرکز

معجم فقهی و مرکز پژوهش های اسلامی المصطفی.

نرم افزار گنجینه روایات نور، مرکز تحقیقات کامپیوتری

علوم اسلامی نور.

نرم افزار میزان الحکمة، موسسه علمی - فرهنگی دارالحديث

نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی(ره)، مرکز تحقیقات

کامپیوتری علوم اسلامی نور.

نرم افزار صحیفه ولایت، (بیانات مقام معظم رهبری) و پایگاه

اطلاع رسانی [www.khamenci.ir](http://www.khamenci.ir)

## فهرست تفصیلی

۷.....	یادداشت ناشر .....
<b>۹.....</b>	<b>انتظار عامیانه.....</b>
۱۱.....	نگاه عامیانه.....
۱۱.....	نگاه عامیانه یعنی.....
۱۱.....	نگاه عامیانه اختصاص به عوام ندارد.....
۱۲.....	عوامل ترویج نگاه عامیانه: ۱. پیچیدگی نگاه عمیق.....
۱۲.....	۲. تمایل هوای نفس به نگاه سطحی.....
۱۲.....	۳. دامن زدن توسط سودجویان.....
۱۳.....	آثار سوء نگاه عامیانه.....
۱۵.....	نگاه عامیانه به منجی.....
۱۵.....	آسیب نگاه عامیانه به منجی.....
۱۶.....	نمونه‌هایی از نگاه عامیانه به منجی.....
۱۶.....	نگاه عامیانه موجب تأخیر فرج.....
۱۷.....	نجات از عوام‌زدگی، مقدمه نجات از وضعیت موجود.....
۱۸.....	الف) قیامی خارج از سنن الهی.....
۱۸.....	قیام منجی، خارج از «سنت‌های تغییرناپذیر الهی» نیست.....
۱۹.....	شانه خالی کردن از زیر بار مسؤولیت، نتیجه این تلقی عوامانه.....
۱۹.....	تمام مسؤولیت به عهده حضرت و ۳۱۳ یار او!.....
۲۰.....	انگار انسان‌ها بدون اختیار و لیاقت هم می‌توانند سعادتمند شوند!.....
۲۰.....	صورت معنوی این نگاه عامیانه.....
۲۱.....	خوب شدن آدم‌ها فقط با نگاه و اراده معنوی حضرت!.....
۲۱.....	جایگاه قدرت معنوی امام زمان(ع)/ جایگاه «لیاقت» در قواعد رشد.....
۲۱.....	.....
۲۱.....	نجات بشریت خارج از مسؤولیت انسان‌ها و سنت‌های الهی نیست.....
۲۳.....	.....
۲۳.....	معنای رشد عقل‌ها توسط حضرت؟.....

- نگاه معنوی حضرت، مختص دوران ظهور نیست ..... ۲۴
- ب) حکومتی متکی به شمشیر ..... ۲۸
- شمشیر حضرت هم مقدمات و لوازمی دارد ..... ۲۸
- اتمام حجت و روشن بینی مردم، یکی از شرایط استفاده از شمشیر ..... ۲۹
- نتایج سخن از شمشیر حضرت بدون توجه به قواعد آن ..... ۳۰
- اثر منفی این نگاه عامیانه بر محبت به حضرت ..... ۳۰
- امام زمان(ع) که نمی آید گنه کارها را بکشد ..... ۳۰
- اثر نگاه عامیانه بر «تصور غیر متدینین از امام زمان(ع)» ..... ۳۱
- چرا نباید شمشیر را از قیام منجی حذف کرد؟ ..... ۳۱
- فلسفه استفاده حضرت از شمشیر ..... ۳۲
- ج) نجات از ظلم و دیگر هیچ ..... ۳۳
- مردم باید علاوه بر خسته شدن از ظلم، آماده پذیرش عدالت هم باشند ..... ۳۳
- چرا امیرالمؤمنین(ع) خلافت را نمی پذیرفت؟ ..... ۳۴
- آیا حضرت تعارف می کردند؟ ..... ۳۵
- مردم تحمل عدالت را نداشتند ..... ۳۶
- داشتن درک درستی از ظلم، لازم است ولی کافی نیست ..... ۳۸
- بعد از درک ظلم، باید درک صحیحی از عدالت هم پدید بیاید ..... ۳۸
- فلسفه جنگ صفین: پایدار نبودن عدالت غیرفراگیر ..... ۳۹
- شرط ظهور = ظلم فراگیر + آمادگی پذیرش عدالت + شناخت ریشه ظلم ..... ۳۹
- خدا به امواج گذرای جامعه تکیه نمی کند ..... ۴۰
- مثال ۱: موج گرایش به اسلام در اواخر عمر شریف پیامبر(ص) ..... ۴۰
- مثال ۲: موج گرایش به امیرالمؤمنین(ع) در اواخر عمر شریف آن حضرت ..... ۴۱
- از زبان قرآن ..... ۴۲
- چرا خدا به موج اعتنا نمی کند؟ ..... ۴۳
- انواع ظلم گریزی بی فایده: ۱. در اثر موج ..... ۴۴
۲. ظالمان حق طلب! / «حق» خود طلبان ..... ۴۴

فهرست‌ها ○ ۴۰۵

تفاوت حق طلبی و حق خودطلبی / حق طلبی خودخواهانه .....	۴۵
حقوق بشر غرب دنبال تقویت خودخواهی‌ها، نه تأمین حقوق .....	۴۵
د) نعمت، بی دلیل فراوان می‌شود .....	۴۷
وفور نعمت در زمان ظهور .....	۴۷
انتظار فرج، صرفاً برای حل مشکلات شخصی، انتظاری سطحی	
است .....	۴۹
رفع مشکلات، مقدمه‌ای برای اهداف بالاتر انسانی و معنوی .....	۵۰
نگاه صحیح به برطرف شدن مشکلات و وفور نعمت .....	۵۰
اساساً بعد از ظهور، همه مشکلات برطرف نمی‌شوند .....	۵۰
ضرورت تحلیل گزاره‌های مربوط به ظهور .....	۵۲
بدون نگاه عامیانه .....	۵۴
با نفی نگاه‌های عامیانه، باب تازه‌ای برای تفکر گشوده می‌شود .....	۵۴
درک ساز و کار ظهور و حکومت حضرت .....	۵۴
برخی سؤالات که با نفی نگاه عامیانه پدید می‌آیند .....	۵۵
نفس جوشش این سؤال‌ها برکات مهمی دارد .....	۵۶
شاید .....	۵۷
آثار سوء نگاه عامیانه .....	۵۸
۱. عدم اشاعه فرهنگ اصیل انتظار .....	۵۸
جدی گرفته نشدن حکومت مهدوی در مجامع علمی، میان نخبگان	
سیاسی و مدیران جامعه .....	۵۸
۲. ایجاد بستری برای انحراف مهدویت .....	۵۹
زمینه‌ای برای انحراف دوستان .....	۶۳
۳. ایجاد رخوت در میان منتظران .....	۶۴
۴. دشمنی با امام زمان(عج) بعد از ظهور .....	۶۵
چگونه کسانی که قبلاً منتظر حضرت بوده‌اند، دشمن او می‌شوند؟	۶۵
بعضی‌ها به دلیل منافعشان مخالفت می‌کنند .....	۶۷
مخالفت یهودیان منتظر با رسول خدا(ص) .....	۶۷
نگاه عامیانه به معجزات هنگام ظهور = زیرسؤال رفتن کارآمدی دین	
.....	۶۸

- ۶۹ ..... ظهور، پدیده‌ای خارج از قواعد و سنن الهی نیست
- ۷۰ ..... در یک نگاه عالمانه، باید همه عوامل را در کنار هم دید
- ۷۱ ..... علاقه عامیانه.....
- ۷۱ ..... علاقه عامیانه چیست؟
- ۷۱ ..... علی(ع): علاقه عامیانه پایدار نیست
- نگاه مثبت به علاقه عامیانه/ لزوم تحسین علاقه‌های ابتدایی و فطری
- ۷۲ .....
- ۷۳ ..... هر کم‌سوادى جزء عوام نیست
- ۷۳ ..... نگاه عالمانه، به معنای نفی رابطه عاطفی نیست
- ۷۴ ..... رشد عقل، شعله‌ور شدن عاطفه را به دنبال دارد
- علم، خشیت را افزایش می‌دهد/ علم بدون اشک نشانه ضعف
- ۷۴ ..... انسانیت.....
- ۷۵ ..... باید این رابطه عاطفی را رشد داد
- رابطه عاطفی جامعه با امام زمان(عج) بسیار پایین‌تر از سطح مطلوب
- ۷۵ ..... است
- ۷۷ ..... ولی همین مقدار کم هم با ارزش است
- ۷۷ ..... چرا باید عواطف دینی را رشد دهیم؟
- نمونه‌ای از علاقه‌های عامیانه: اشتیاق دیدار بدون توجه به فلسفه
- ۷۸ ..... غیبت و انتظار.....
- ۷۸ ..... کلام آیت‌الله بهجت(ره).....
- ۷۹ ..... تقاضای دیدار در دعای ندبه، فردی نیست
- ۸۱ ..... در دعای سلامتی حضرت هم اصلاً تقاضای دیدار نیست
- ۸۲ ..... در دعای عهد هم، دیدار حضرت مسأله اصلی نیست
- ۸۳ ..... علاقه عاشقانه.....
- ۸۳ ..... عشق در ادبیات فارسی جنبه معنوی و عرفانی دارد
- ۸۴ ..... ضرورت علاقه عاشقانه به امام زمان(ع):
۱. ما نیازمندیم به کسی عاشقانه مهر بورزیم
۲. علاقه عاشقانه، مهمترین راه جلوگیری از آسیب‌های علاقه عامیانه
- ۸۴ .....
- ۸۵ ..... جمع بندی.....

فهرست‌ها ○ ۴۰۷

- ۸۶..... توضیح بیشتر در مورد نیاز ما به عشق:.....
- ۸۶..... انگیزه‌های سطحی قلب انسان را مکذّر می‌کند.....
- ۸۸..... اما بالاخره ما هم تفریح نیاز داریم.....
- عشق به‌سادگی به دست نمی‌آید، ولی عاشق شدن نیازی ضروری  
است..... ۸۸.....
- وجود امام، تمهید خداوند برای دست‌یابی ما به عشق..... ۸۹.....
- آخرین امام، دوست‌داشتنی‌ترین اولیای خدا..... ۸۹.....
- عاشقانه‌ترین ترانه‌های دنیا به‌گرد عبارات عاشقانه دعای ندبه  
نمی‌رسد..... ۹۰.....
- اگر کسی عاشق امام زمان(عج) نشد، باید خودش را سرزنش کند ۹۱
۳. نقش عشق به امام زمان(عج) در ترویج دین..... ۹۱.....
۴. مورد پسند امام زمان(عج) واقع شدن..... ۹۲.....

**انتظار عالمانه..... ۹۵.....**

- مقدمه ۱: درک احساس انتظار..... ۹۷.....
- نقش و ارزش آگاهی در زندگی ما..... ۹۷.....
- با اندیشیدن می‌توان احساس انتظار را درک کرد..... ۹۷.....
- توجه به عناصر تشکیل‌دهنده یک مفهوم برای درک بهتر آن..... ۹۸.....
- نباید نسبت به مفهوم انتظار، بی‌اعتنا بود..... ۹۹.....
- مقدمه ۲: انواع انتظار..... ۱۰۳.....
- بسیاری از انتظاراتها زیرمجموعه انتظار فرج قرار می‌گیرند..... ۱۰۳.....
- تفاوت «انتظار» با «نگرانی»..... ۱۰۴.....
- کشف عناصر انتظار..... ۱۰۵.....
۱. اعتراض به وضع موجود..... ۱۰۶.....
- اعتراض به وضع موجود، مقدمه احساس انتظار..... ۱۰۶.....
- آیا دیدن وضع مطلوب، برای اعتراض به وضع موجود لازم است؟  
..... ۱۰۷.....
- رابطه شدت اعتراض با شدت انتظار..... ۱۰۷.....
- هرچه مبنای اعتراض منطقی‌تر، انتظار هم بادوام‌تر..... ۱۰۸.....
- چه کسانی باید از علاقه به وضع مطلوب شروع کنند؟..... ۱۰۸.....

- نقش اعتراض به وضع موجود برای رسیدن به وضع مطلوب ..... ۱۰۹
- اعتراض، خصوصیت فطری و زاییده روح کمال جوی اوست ..... ۱۱۰
- ویژگی های اعتراض در انتظار موعود ..... ۱۱۱
- با اینکه غیبت تقدیر الهی است، ولی اعتراض به آن جایز است .. ۱۱۱
- ایجاد اعتراض، یکی از حکمت های غیبت ..... ۱۱۲
- انتظار دقیق و دل رقیق، نتیجه اعتراض عمیق / دعای ندبه سرشار از  
اعتراض ..... ۱۱۴
- ضرورت توجه به اعتراض های موجود در دعای ندبه ..... ۱۱۴
- معترض واقعی، منتظر واقعی ..... ۱۱۵
- کسانی که اعتراضی ندارند، منتظر نیستند ..... ۱۱۶
- حرکت انسان در این دنیا یا صعودی است یا سقوطی ..... ۱۱۶
- فلسفه فزونی ظلم و ستم در آخرالزمان ..... ۱۱۷
- افزایش اعتراض ها، عامل تسهیل و تسریع فرج ..... ۱۱۷
- اعتراض های بی ارزش، عامل نابودی و بردگی ..... ۱۱۷
- علت تمسخر منتظران؟ ..... ۱۱۸
- منتظر ریشه های را می شناسد / کفر، ریشه ظلم ..... ۱۱۸
- از اعتراض تا دشمنی ..... ۱۱۹
- اعتراض به پدیدآوردگان وضع موجود ..... ۱۱۹
- اینجاست که منتظر، اهل حبّ و بغض می شود ..... ۱۱۹
- منتظر با زمینه سازان فساد کنار نمی آید ..... ۱۲۰
- تمایل به صلح با ظالمان منتظر نیست ..... ۱۲۱
- معامله خدا با کسانی که به مفسدان تمایل پیدا می کنند ..... ۱۲۱
- کشتن طفل شش ماهه، عاقبت تمایل به ظالم ..... ۱۲۳
- منتظر مظلوم است ولی منظم نیست ..... ۱۲۴
- بعضی ها حتی بین خدا و دشمنان خدا هم میانجی گری می کنند .. ۱۲۵
- شیوه ابراز اعتراض ..... ۱۲۷
- شیوه ابراز اعتراض؛ از ذکر دلایل تا ناله های عاشقانه ..... ۱۲۷
- منتظر واقعی به فریاد بسنده نمی کند ..... ۱۲۸
- آفات اعتراض ..... ۱۲۹



فهرست‌ها ○ ۴۰۹

۱. غلو و مبالغه در اعتراض ..... ۱۲۹
- جوانان بیشتر در معرض این آسیب هستند ..... ۱۳۰
۲. ناامیدی از رسیدن به وضع مطلوب ..... ۱۳۱
۳. منفی‌نگری مطلق و پوچ‌انگاری ..... ۱۳۱
- اهمیت منشأ و مبنای اعتراض ..... ۱۳۱
- ندیدن وجوه مثبت انقلاب، نمونه‌ای از آفات اعتراض ..... ۱۳۲
- آفت‌زدایی: منتظر معترض هر روزنه‌ای را غنیمت می‌شمرد ..... ۱۳۳
- انقلاب اسلامی ایران، روزنه‌ای به سوی فرج ..... ۱۳۳
- یعقوب(ع) با بوی پیراهن یوسف(ع) چه کرد؟ ..... ۱۳۵
۲. آگاهی از وضع مطلوب ..... ۱۳۶
- اهمیت آگاهی از وضعیت مطلوب ..... ۱۳۶
- اعتراض، ثمره آگاهی از وضع مطلوب ..... ۱۳۷
- از فواید آگاهی از وضع مطلوب: تحلیل درست گذشته + یافتن پاسخ بسیاری از سؤال‌های کلیدی ..... ۱۳۸
- یک خبر نجات‌بخش ..... ۱۳۹
- اثر آگاهی از وضع مطلوب: ..... ۱۳۹
۱. دیده شدن وضع نکبت‌بار بشر ..... ۱۳۹
۲. ایجاد تحول یا حداقلی تردید در راه‌حل‌های کنونی و علوم گوناگون ..... ۱۳۹
۳. باز کردن راه‌های اندیشه ۴. روشن کردن ادامه راه ..... ۱۴۰
- واقعیت جامعه مهدوی، بطلان تئوری‌های دانشمندان غربی را به دنبال دارد ..... ۱۴۱
- این اتفاق با مقیاسی کوچک در انقلاب ما رخ داده است ..... ۱۴۲
- تکلیف منتظران در تصویر جامعه مهدوی ..... ۱۴۲
- چگونگی مقدمه‌سازی برای ظهور ..... ۱۴۲
- کدام یک از مشکلات جامعه ما، با نگاه به جامعه مهدوی قابل حل نیست؟ ..... ۱۴۵
- ولایی‌تر شدن جامعه ما، زمینه‌ساز ظهور موعود ..... ۱۴۵

- تمام برکات جامعه مهدوی مرهون: استقرار ولایت + ولایت‌پذیری  
مردم ..... ۱۴۶
- نقش نخبگان در ولایتی‌تر کردن جامعه؛ از جامعه مهدوی تا  
جمهوری اسلامی ..... ۱۴۷
- ساز و کارهای مهدوی، تعیین‌کننده وظایف کنونی ..... ۱۴۷
- رویش پرسش‌ها و جوانه جواب‌ها ..... ۱۴۸
- پرسش‌هایی که ما را به تصور صحیح جامعه مهدوی نزدیک‌تر  
می‌کند ..... ۱۴۸
- رشد عقلانیت چگونه به وجود خواهد آمد؟ ..... ۱۴۸
- رابطه محبت و ولایت با رشد عقل‌ها؟ ..... ۱۴۸
- وضعیت گناه‌کارها؟ و چگونگی برخورد با آنها ..... ۱۴۹
- نحوه مشارکت مردم در حکومت؟ مقدار قوانین و ضمانت اجرایی  
آن؟ ..... ۱۴۹
- چگونگی تبلیغات دینی؟ چگونگی نظارت بر محصولات هنری؟  
..... ۱۴۹
- آیا محصولات رسانه‌ای کنترل و سانسور خواهند شد؟ ..... ۱۵۰
۳. اعتقاد و امید به تحقق وضع مطلوب ..... ۱۵۱
- باید به شدنی بودن وضع مطلوب معتقد باشیم ..... ۱۵۱
- زمینه‌های عدم پذیرش تحقق وضع مطلوب ..... ۱۵۲
- نقش صفای باطن در پذیرش امکان تحقق وضع مطلوب ..... ۱۵۳
- نقش بی‌دینی‌ها در عدم اعتقاد به جامعه مهدوی ..... ۱۵۳
- عدم اعتقاد زورمندان و زرپرستان / زورگویی علمی ..... ۱۵۴
- اعتقاد به امور معنوی، علامت سلامت روح و درایت بالا ..... ۱۵۵
- صفای باطن به تنهایی کافی نیست ..... ۱۵۵
- نقش کمی معرفت در ریزش‌های آستانه ظهور ..... ۱۵۶
- اعتقاد به موعود، لازمه اعتقاد به حقانیت دین ..... ۱۵۸
- اعتقاد به مهدویت، محکم‌ترین سند حقانیت دین ..... ۱۵۸
- ضرورت اعتقاد به تحقق‌یافتنی بودن تمام دین ..... ۱۵۸
- پیامبر(ص) که موفق به تحقق کامل دین نشد ..... ۱۵۹

فهرست ها ○ ۴۱۱

- امیرالمؤمنین(ع) هم که موفق نشد ..... ۱۶۰  
 امام خمینی: هیچ کدام از انبیاء و اولیاء موفق به اجرای عدالت نشدند  
 ..... ۱۶۱  
 امام خامنه‌ای: بدون مهدویت، تلاش انبیاء بی‌فایده است ..... ۱۶۲  
 پس دین شما شدنی نیست ..... ۱۶۲  
 داستان: با عدل علی(ع) نمی‌شود حکومت کرد ..... ۱۶۳  
 چرا بعضی‌ها دین را متهم به عدم واقع‌بینی می‌کنند؟ ..... ۱۶۳  
 رواج این نگرش در میان برخی مؤمنین و مواضع سیاسی‌شان .... ۱۶۴  
 تمام دین اجرا شدنی و در جامعه مهدوی محقق می‌شود ..... ۱۶۴  
 چرا در دین ما این همه از موعود سخن گفته شده است؟ ..... ۱۶۵  
 فلسفه گریه‌های ائمه در فراق حضرت مهدی(عج) ..... ۱۶۶  
 اعتقاد به دین از راه اعتقاد به موعود و جامعه مطلوب ..... ۱۶۷  
 اثر توجه قشر متوسط جامعه غربی به موعود ..... ۱۶۸  
 اشکالاتی بر سر راه اعتقاد به موعود (تحقق وضع مطلوب) ..... ۱۶۹  
 دشواری‌های اعتقاد به وضع مطلوب ..... ۱۶۹  
 راه عبور از بهانه‌جویان دیرباور ..... ۱۶۹  
 بررسی دو اشکال اعتقادی ..... ۱۷۰  
 ۱. چگونه قیام حضرت در عین پابندی به اصول، به نتیجه می‌رسد؟  
 ..... ۱۷۰  
 آیا حق، دوباره مظلوم نمی‌شود؟ ..... ۱۷۰  
 اهمیت این اشکال و پاسخ به آن ..... ۱۷۲  
 ۱. تحلیل درست از قاطعیت حضرت ..... ۱۷۳  
 ۲. رمزگشایی از مظلومیت اولیای خدا ..... ۱۷۳  
 رعایت کرامت انسان‌ها، یکی از اصول مهم و همیشگی اسلام ... ۱۷۳  
 وجه دوم توجه به کرامت انسان در جریان معرفی نکردن منافقین  
 ..... ۱۷۴  
 شیوه قرآن: بیان نشانه‌های منافق ..... ۱۷۵  
 پیروی پیامبر(ص) از شیوه قرآن ..... ۱۷۵  
 عدم افشای نام منافقین در قصه ترور پیامبر ..... ۱۷۶

- ۱۷۹..... نفاق یکی از عوارض طبیعی حاکم شدن ارزش ها در جامعه ..... ۱۷۹
- در جامعه ارزشی امام زمان (عج)، چگونه نفاق ریشه کن می شود؟ ۱۸۰
- اوصاف مؤمنان، زمینه رسوا نشدن منافقان ..... ۱۸۱
- دلایل رسوا شدن نفاق در حکومت مهدوی (۳ دلیل) ..... ۱۸۲
- رابطه این ۳ دلیل با نفاق ..... ۱۸۲
- در زمان ظهور، شرایط برخورد با منافقین پدید می آید ..... ۱۸۳
۲. چگونه در حکومت مهدوی، اکثر انسان ها طرفدار حق می شوند؟
- ..... ۱۸۶
- پاسخ: رهایی انسان ها از حاکمیت طاغوت ..... ۱۸۷
- حاکمیت طاغوت، دلیل اکثر انحراف ها ..... ۱۸۷
- علم هم راه طبیعی خود را طی نکرده است ..... ۱۸۹
- آزادی کامل در سایه حاکمیت ولایت ..... ۱۸۹
- بدون برقراری حکومت حق، نمی توان به هدایت خلق امیدوار بود
- ..... ۱۹۰
- سؤال از پیامبر (ص): جامعه را رها کنیم و خودسازی کنیم؟ ..... ۱۹۰
- اهتمام سه امام اول به مسأله حکومت قبل از تعلیم و تربیت ..... ۱۹۲
- پرجاذبه ترین بخش اعتقادی دین ..... ۱۹۴
- دینی که هنوز همه زیبایی هایش آشکار نشده ..... ۱۹۴
- تحول آفرینی اعتقاد به موعود در جان ها ..... ۱۹۴
- به وجد آمدن از تحقق همه وعده های خدا ..... ۱۹۵
- اعتقاد به موعود، بر طرف کننده ضعف ایمان ..... ۱۹۵
- اعتقاد به موعود، تضعیف کننده انرژی کفر و نفاق ..... ۱۹۶
- امیدواری و قدرتمندی ..... ۱۹۶
- امید، ستاره ای پر نور در منظومه انتظار ..... ۱۹۶
- امید، انرژی لازم برای عبور از مشکلات را می دهد ..... ۱۹۷
- امید، آرامش می آفریند ..... ۱۹۷
- زمان و انتظار ..... ۱۹۸
- نزدیک دانستن ظهور، ثمره اعتقاد به تحقق وضع مطلوب ..... ۱۹۸
- نزدیک دانستن ظهور، یکی از ویژگی های منتظران ..... ۲۰۰

فهرست‌ها ○ ۴۱۳

- آثار نزدیک دانستن ظهور..... ۲۰۱
- زودیک دانستن ظهور در زمان حاضر، سخت نیست..... ۲۰۲
- منتظر، صرف‌نظر از علائم، اساساً فرج را نزدیک می‌داند..... ۲۰۲
- احساس نزدیکی ظهور، بیش از علائم به اعتقاد وابسته است..... ۲۰۳
۴. اشتیاق به وضع مطلوب..... ۲۰۵
- اشتیاق به وضع مطلوب، عقیده انسان را لذت‌بخش می‌کند..... ۲۰۵
- اشتیاق؛ نتیجه، تثبیت‌کننده و اثبات‌کننده اعتقاد..... ۲۰۵
- اشتیاق و محبت از ثمرات ایمان..... ۲۰۶
- عشق و عاطفه، مهم‌ترین سلاح منتظر..... ۲۰۶
- رابطه اشتیاق و چشم‌پوشی از دنیا..... ۲۰۷
- اشتیاق در دعای ندبه..... ۲۰۷
- وسعت عشق و اشتیاق منتظر..... ۲۰۸
- مبانی اشتیاق به فرج..... ۲۰۸
- علائق هم مانند عقاید، مبانی نظری و احساسی خاصی دارند..... ۲۰۸
- لزوم توجه به مبانی عاطفی اشتیاق به ظهور..... ۲۰۹
- ثواب اعمال مؤمنین در زمان غیبت، از زمان ظهور بیشتر است... ۲۰۹
- پس چرا منتظر ظهور باشیم؟..... ۲۱۱
- ثواب اعمال ما در زمان حاضر، بیشتر از دوران ظهور است..... ۲۱۱
- پس با کدام علاقه برای ظهور دعا کنیم؟..... ۲۱۳
- علاقه به فرج، به این سادگی‌ها هم نیست..... ۲۱۳
- پاسخ امام صادق(ع) به اینکه: چرا باید منتظر ظهور باشیم؟..... ۲۱۳
- دو مبنای عاطفی اشتیاق به ظهور..... ۲۱۵
- شرط اول: عشق به حق..... ۲۱۵
- عشق به حق، انسان را از خودخواهی خارج می‌کند..... ۲۱۵
- ارزش اضطراب در اثر بلا یا..... ۲۱۵
- عشق به حق در دعای ندبه..... ۲۱۶
- این عشق به حق چگونه پدید می‌آید؟..... ۲۱۷
- شرط دوم: عشق به خلق..... ۲۱۸
- علاقه به هدایت انسان‌ها..... ۲۱۸

- ۲۱۸ ..... علاقه به حق، ریشه علاقه به خلق
- ۲۱۹ ..... جوانی که می‌خواست در دانشگاه کار فرهنگی کند
- ۲۲۰ ..... باید برای دیگران ارزش قائل بود
- ۲۲۰ ..... شهید چمران و علاقه به انسان‌ها
- ۲۲۳ ..... منتظر به هدایت همه انسان‌ها می‌اندیشد
- ۲۲۳ ..... علاقه به فرج یعنی علاقه به آدم‌ها
- ۲۲۳ ..... وسعت نگاه منتظر در دعای عهد
- ۲۲۵ ..... رابطه بین ذکر و اشتیاق
- ۲۲۵ ..... چگونه عشق به فرج را در وجودمان افزایش دهیم؟
- ۲۲۶ ..... جایگاه ویژه دعای عهد از نگاه امام(ره)
- ۲۲۷ ..... بدون ذکر، علاقه افزایش نمی‌یابد
- ۲۲۸ ..... باید برای یاد کردن امام زمان(عج) برنامه داشت
- ۲۲۹ ..... ذکر از بلندای اندیشه نشأت می‌گیرد
- ۲۲۹ ..... دعای ما برای فرج مستجاب است
- ۲۳۱ ..... اشتیاق ما به فرج، در تقدیر الهی تأثیر دارد
- ۲۳۲ ..... ۱. تأثیر دعای فرج در «سعادت فردی»
- ۲۳۲ ..... ۲. تأثیر دعای فرج در «تقدیر جامعه و بشریت»
- ۲۳۳ ..... آیت الله بهجت: دعا برای تعجیل فرج قطعاً تأثیر دارد
- ۲۳۵ ..... ۵. اقدام برای تحقق وضع مطلوب
- ۲۳۵ ..... عمل، نشانه صداقت انتظار و مایه تقویت آن
- ۲۳۵ ..... منتظر، عمل‌گراست
- ۲۳۵ ..... علاقه به موعود، تا کی می‌تواند محجوب بماند؟
- ۲۳۶ ..... درک اهمیت عمل، بینش‌ها و گرایش‌ها را به‌کار می‌گیرد
- ۲۳۶ ..... عمل، کنترل‌کننده آسیب انتظار
- ۲۳۷ ..... خیال‌پردازی کنترل‌نشده، موجب عمل‌گریزی
- ۲۳۸ ..... خطر غرق شدن منتظر در خوش‌خیالی‌ها
- ۲۳۸ ..... همیشه یادمان باشد: عمل تلخ‌تر از امل است
- ۲۳۹ ..... تأثیر «اقدام ما» در «تحقق وضع مطلوب»
- ۲۳۹ ..... وابستگی ظهور به عمل انسان‌ها

فهرست‌ها ○ ۴۱۵

- ۲۳۹..... «تأثیر عمل» در قرآن.....
- ۲۴۰..... نصرت الهی منوط به عمل انسان است.....
- ۲۴۱..... اقدام ما نصرت الهی را فرو می‌آورد.....
- ۲۴۲..... امروزه نصرت الهی چیزی جز تحقق فرج نخواهد بود.....
- ۲۴۳..... فرمایشات امام خمینی(ره):.....
- ۲۴۳..... باید فراهم کنیم کار را.....
- ۲۴۳..... با کار شما باید تعجیل بشود.....
- ۲۴۴..... با آمادگی خود و صدور انقلاب، زمینه ظهور را فراهم سازید.....
- ۲۴۴..... فرمایشات امام خامنه‌ای:.....
- ۲۴۴..... یک ملت مبارز می‌تواند زمینه فرج را فراهم کند.....
- ۲۴۵..... اصلاح درونی + اصلاح جامعه = نزدیک شدن فرج.....
- ۲۴۶..... باید زمینه را برای ظهور آماده کرد.....
- ۲۴۶..... [امیرالمؤمنین(ع) به علت نبود زمینه موفق نشد/ امام‌زمان(ع) هم بدون زمینه موفق نمی‌شود].....
- ۲۴۶..... [تا حدی زمینه‌ها را فراهم کرده‌ایم/ با گسترش چنین زمینه‌هایی ظهور محقق می‌شود].....
- ۲۴۷.....
- ۵,۱. اقدامات فردی.....
- ۲۴۸.....
- ۲۴۸..... الف) تنظیم فعالیت‌های رایج زندگی.....
- ۲۴۸..... خودسازی و کسب آمادگی برای ظهور.....
- ۲۴۹..... زندگی منتظر، مانند یک چریک انقلابی.....
- ۲۴۹..... برنامه منتظر: ۱. برنامه معنوی ۲. برنامه زندگی.....
- ۲۵۰..... نمونه‌هایی از برنامه‌ریزی برای زندگی:.....
- ۲۵۰..... ۱. تغذیه ۲. خواب و بیداری.....
- ۲۵۱..... ۳. خواب نیم‌روز (قیلوله) ۴. ورزش.....
- ۲۵۱..... امام(ره) در حجره طلبگی.....
- ۲۵۲..... ۵. دست خط.....
- ۲۵۲..... امام(ره) و رعایت این ریزه‌کاری‌ها.....
- ۲۵۹..... ب) پی‌گیری برنامه‌های معنوی و اصلاح صفات روحی.....
- ۲۵۹..... نظم، باید در اثر تقوا باشد.....

- ۲۵۹..... اساساً نام دیگر منتظر متقی است
- ۲۶۰..... تناسب تقوا و انتظار باید برایمان جا بیفتد
- ۲۶۲..... منتظر می‌خواهد «تقوا» به اهل زمین هدیه بدهد
- ۲۶۳..... خودسازی معنوی، مقدمه و نتیجه انتظار
- ۲۶۳..... محبت به حضرت راحت‌تر از محبت به تقوا
- ۲۶۴..... معصیت کار، هوس خود را بیش‌تر از حضرت دوست دارد
- ۵,۲. ۲۶۵..... اقدامات اجتماعی
- ۲۶۵..... وظایف اجتماعی، نیازمند، صرفاً پس از اتمام خودسازی نیست
- ۲۶۶..... روابط اجتماعی عالی، یکی از علائم یاران مهدی(ع)
- ۲۶۸..... منتظر در روابط اجتماعی‌اش بی‌نظیر است
- ۲۶۸..... روابط اجتماعی آدم‌های معمولی
- ۲۶۹..... روابط اجتماعی منتظر
- ۲۶۹..... منتظر در مقام عمل
- ۲۷۰..... خاطره‌ای از شهید چمران
- ۲۷۱..... باید ثابت کنیم مهدویون از همه بهتر هستند
- ۲۷۱..... منتظر، ظلم‌ستیز است
- ۲۷۱..... رسیدگی به محرومین کافی نیست
- ۲۷۲..... نشر فرهنگ مبارزه با استکبار، مهمترین مقدمه‌سازی
- ۲۷۲..... زمینه‌ایستادگی در مقابل استکبار، علامت ظهور
- فضایل فردی و اجتماعی، تنها در سایه ظلم‌ستیزی ارزشمند هستند
- ۲۷۳.....
- ۵,۳. ۲۷۵..... تشکیل نظام اسلامی
- ۲۷۶..... منتظران چاره‌ای جز تشکیل حکومت ندارند
- ۲۷۶..... تشکیل حکومت عدل یعنی ایستادن در مقابل دنیای استکبار
- ۲۷۷..... اهمیت دفاع از نظام جمهوری اسلامی در کلام امام(ره):
- ۲۷۸..... حفظ جمهوری اسلامی مهم‌تر از حفظ امام عصر(ع)
- ۲۷۹..... حفظ نظام مهم‌تر از همه چیز
- ۲۷۹..... گسترش انقلاب، زمینه‌سازی حکومت مهدوی(ع)
- ۲۷۹..... با صدور انقلاب، زمینه‌ ظهور را فراهم کنید



فهرست‌ها ○ ۴۱۷

دورنمای صدور انقلاب اسلامی .....	۲۸۰
انقلاب ما، نقطه شروع انقلاب مهدوی .....	۲۸۰
مقدمه‌ساز بودن انقلاب در کلمات امام خامنه‌ای .....	۲۸۱
یک ملت مؤمن و مبارز می‌تواند زمینه را فراهم کند .....	۲۸۲
قدم اول: ایجاد انقلاب اسلامی / قدم چهارم: ایجاد دنیای اسلامی ۲۸۲	
مرحله اول: انقلاب اسلامی / مرحله چهارم: تمدن بین‌المللی اسلامی	
.....	۲۸۳
هدف انقلاب: ایجاد الگو برای جوامع بشری و اثبات شدنی بودن	
این الگو .....	۲۸۴

**۲۸۵ انتظار عارفانه .....**

نگاه عارفانه .....	۲۸۷
نگاه عارفانه یعنی .....	۲۸۷
غفلت از نگاه عرفانی، توقع ما را از انتظار کاهش می‌دهد .....	۲۸۷
درک ارزش عظیم انتظار در سایه نگاه عارفانه .....	۲۸۸
افزایش آثار معنوی انتظار، در سایه نگاه عارفانه .....	۲۸۹
انتظار وصال .....	۲۹۰
انتظار مفهومی فرازمانی و فرامکانی است .....	۲۹۰
توجه به فلسفه خلقت برای درک معنای انتظار .....	۲۹۰
انسان، منتظر بازگشت به آغوش خدا .....	۲۹۱
انتظار با خلقت بشر آغاز شد / آدم(ع) اولین منتظر .....	۲۹۲
انتظار فرج، انتظار رهایی از قفس دنیاست .....	۲۹۴
انسان طبیعتاً باید منتظر رهایی از زندان و ملاقات با پروردگار باشد	
.....	۲۹۶
مؤمن، مشتاق ملاقات پروردگار است .....	۲۹۷
اشتیاق تدریجی .....	۲۹۷
کسی که مرگ را دوست ندارد، در ادعای تقرب خود صادق نیست	
.....	۲۹۷
شیرینی مرگ در کلام پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین(ع) .....	۲۹۸
شیرینی «مرگ» در داستانی از امام جواد(ع) .....	۲۹۹

- شیرینی «مرگ» در داستانی از امام هادی(ع) ..... ۳۰۰
- فهمیدن تناسب این دو روایت ..... ۳۰۲
- انتظار، بعد از ظهور هم وجود خواهد داشت ..... ۳۰۲
- منتظر یعنی شهادت طلب ..... ۳۰۳
- شهادت، زیباترین بازگشت ..... ۳۰۴
- نسبت انتظار فرج و انتظار وصال ..... ۳۰۵
۱. امام زمان(عج)، منتظر شهادت طلب می خواهد ..... ۳۰۵
- مبادا اشتیاق ما به دلیل کنجکاو ی یا ماجراجویی باشد ..... ۳۰۶
- بحث انتظار را باید از اشتیاق به شهادت آغاز کرد ..... ۳۰۷
- اشتیاق به شهادت در زمان حضور حضرت ..... ۳۰۸
۲. جهت دیگری از تناسب بین انتظار موعود و اشتیاق به لقاءالله ..... ۳۱۰
- البته هر آرزوی مرگی ارزشمند نیست ..... ۳۱۰
- انتظار عرفانی، موجب فرج شخصی ..... ۳۱۱
- انواع فرج: نوعی و شخصی ..... ۳۱۱
- فرج شخصی در کلام آیت الله بهجت(ره) ..... ۳۱۱
- فرج شخصی از نگاه آیت الله سعادت پرور(ره) ..... ۳۱۳
- فرج شخصی و عمومی در ادعیه و روایات ..... ۳۱۵
- جمع بندی ..... ۳۱۶
- انتظار عرفانی، هم پیش نیاز و هم نتیجه انتظار منجی ..... ۳۱۶
- از انتظار وصال خدا تا تمنای وصال امام(ع) ..... ۳۱۷
- چگونه منتظر رهایی از دنیا، منتظر ظهور شد؟ ..... ۳۱۷
۱. انسان: ناله فراق از خدا ..... ۳۱۷
۲. خدا: دنیا محل رشد ..... ۳۱۷
۳. انسان: باز هم ناله فراق ..... ۳۱۹
۴. خدا عکس خودش را نزد انسان گذاشت/ امام کامل ترین جلوه خدا ..... ۳۲۰
- ملاقات ولی خدا، تسکین دهنده قلب انسان پیش از رسیدن به ..... ۳۲۱
- ملاقات خدا ..... ۳۲۱
۵. با غیبت امام، انتظار مضاعف می شود ..... ۳۲۲
- در غیبت ولی الله، درد فما که از اق دوچندان می شود ..... ۳۲۲

فهرست‌ها ○ ۴۱۹

۳۲۳	ولایت، ابتدا و انتهای معنویات
۳۲۴	رابطه متقابل ولایت و عبادت
۳۲۶	۶. ظلم ظالمان، مشکل دیگر انسان‌ها در این دنیا
۳۲۷	۷. ولایت، عامل برطرف شدن مشکل دوم انسان‌ها
۳۲۷	دو مشکل انسان در دوران غیبت: درد فراق + درد ظلم
۳۲۸	انتظار عارفانه چیست؟
۳۲۹	مجالست با علما برای تسکین رنج فراق
۳۳۰	افزایش اشتیاق به امام زمان(ع) در اثر مجالست با علما
۳۳۰	ندیدن انسان والا، عامل باور نکردن علم و فضایل امام
	دیدن جلوه‌هایی از آثار وجودی امام زمان(ع) در جامعه مهدوی
۳۳۱	خودمان
<b>۳۳۳</b>	<b>جوانی و انتظار</b>
۳۳۵	جوانی نزدیک‌ترین سن به کمالات روحی
۳۳۵	امام صادق(ع): سرعت جوانان به خیر از هر گروهی بیشتر است
۳۳۶	تناسب جوانی و دین‌داری
۳۳۶	تناسب جوانی و انتظار
۳۳۷	آینده‌گرایی جوان
۳۳۷	اگر آینده‌گرایی جوان را با مهدویت پیوند نزنیم
۳۳۷	گریه شوف سلمان فارسی
۳۳۸	نجات جوان از محدود شدن به زمان حال
۳۳۹	آرمان‌گرایی جوان
۳۳۹	اگر آرمان خوب به جوان معرفی نشود
۳۳۹	آرمان، محل نجات جوانان از پستی‌ها و خودخواهی‌ها
۳۳۹	آرمان تحقق جامعه مهدوی، تداوم‌بخش روحیات جوانی
۳۴۱	جامعه‌گرایی جوان
۳۴۲	عدالت‌گرایی جوان
۳۴۲	جوان در اوج عدالت‌گرایی و ظلم‌ستیزی
۳۴۲	انتظار، عدالت‌گرایی جوان را جهت و پرورش می‌دهد
۳۴۴	جوان و عناصر پنج‌گانه انتظار

۱. سنت‌گریزی جوان و اعتراض به وضع موجود ..... ۳۴۴
۲. قدرت تخیل جوان و تصور وضع مطلوب ..... ۳۴۵
- لزوم تصور وضع مطلوب در آغاز دینداری ..... ۳۴۵
- قدرت تخیل در خدمت تصور آن دنیا ..... ۳۴۶
- قدرت تخیل در خدمت تصور وضع مطلوب همین دنیا ..... ۳۴۶
۳. ضمیر پاک جوان و تصدیق وضع مطلوب ..... ۳۴۶
- در انقلاب، جوانان وعده‌های امام(ره) را باور می‌کردند ..... ۳۴۷
۴. آرزومندی جوان و تمنای وضع مطلوب ..... ۳۴۷
- جوان می‌تواند برای آرزوهایش گریه کند ..... ۳۴۸
۵. جرأت جوان و عمل برای تحقق وضع مطلوب ..... ۳۴۸
- اهمیت استقلال روحی در کلام امام صادق(ع) ..... ۳۴۹
- اهل عمل بودن نیازمند قدرت روحی و بدنی ..... ۳۴۹
- مثال برای عملی که نیازمند اراده پلادین جوان است ..... ۳۵۰
- چرا مراسم عروسی تان را اینگونه برگزار نمی‌کنید؟ ..... ۳۵۰

### فهرست‌ها ..... ۳۵۳

- فهرست آیات ..... ۳۵۵
- فهرست روایات ..... ۳۵۸
- فهرست ادعیه ..... ۳۷۳
- فهرست بیانات امام خمینی ..... ۳۷۵
- فهرست بیانات امام خامنه‌ای ..... ۳۷۹
- فهرست بیانات آیت الله بهجت ..... ۳۸۳
- فهرست منابع ..... ۳۸۶
- فهرست تفصیلی ..... ۴۰۳

## محصولات موسسه عصر بیان معنوی (ناشر آثار استاد پناهیان)

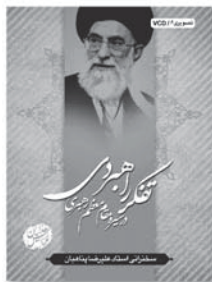
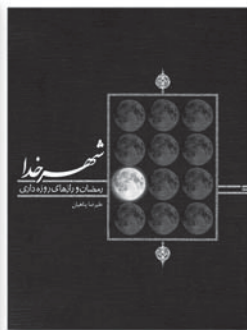
### ● مکتوب

- شهر خدا؛ رمضان و رازهای روزه‌داری
- شکوه امر خدا؛ به ضمیمه یادداشتی برای معتکفین
- تحلیلی بر نگاه امام به هنر و رسانه
- انتظار عامیانه، انتظار عالمانه، انتظار عارفانه
- تکبر پنهان

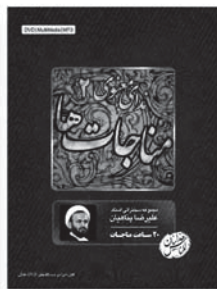
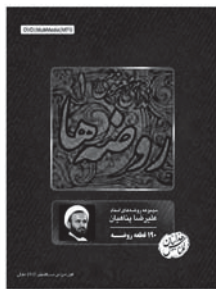
### ● چند رسانه‌ای (لوح فشرده)

- کلید طلایی زندگی مشترک
- چگونه یک نماز خوب بخوانیم؟
- چگونه با خدا حرف بزنیم؟
- باران خوبی‌ها (شرح خطبه متقین نهج البلاغه)
- مهربان‌ترین نامه به جوان (شرح نامه ۳۱ نهج البلاغه)
- تفکر راهبردی در سیره مقام معظم رهبری
- حجاب؛ وقتی زن‌ها مهربان‌تر می‌شوند
- مظلوم مقتدر؛ سیره سیاسی امیرالمؤمنین (ع)
- مهمترین نیاز امروز ما
- رهایی از ولایت طاغوت
- فرهنگ مهربانی
- انقلابی بودن
- خانواده برتر، تربیت فرزند بهتر (مجموعه مباحث)
- ولایت، مهدویت و آخرالزمان (مجموعه مباحث)
- یا اهل العالم (جایگاه پیاده‌روی اربعین در نگاه حجت‌الاسلام علی‌رضا پناهیان)

بخش هایی از کتاب انتظار عامیانه، انتظار عامیانه، انتظار عارفانه



بخش هایی از کتاب انتظار عامیانه، انتظار عامیانه، انتظار عارفانه



بخش هایی از کتاب انتظار عامیانه، انتظار عامیانه، انتظار عارفانه

bayamanavi.ir

# Entedzar

Differnet Views

Ali Reza Panahian

Arranged & Edited By:  
Asr-e-Bayan-e-Ma'navi Institute  
Published by: Bayan-e-Ma'navi  
Publications